



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین
دادرسی دیوان عدالت اداری»

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر مطالعات حقوقی

دوره یازدهم - سال دوم
شماره ثبت: ۳۴۲
شماره چاپ: ۷۰۸
تاریخ چاپ: —
کد موضوعی: ۲۴۰
شماره مسلسل: ۱۷۸۶۱
آبان‌ماه ۱۴۰۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۱.....	کلیات
۳.....	بررسی مواد
۳۷.....	نتیجه گیری



اظهارنظر کارشناسی درباره:

«طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»

مقدمه

«طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» که در مجلس دهم با شماره ثبت (۵۱۰) در کمیسیون حقوقی و قضایی به تصویب رسیده بود، مجدداً در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۲۲ با شماره ثبت (۳۴۲) در مجلس یازدهم اعلام وصول شد. این طرح طی جلسات متعدد در کارگروه موضوع ماده (۵۹) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس^۱ و کمیسیون تخصصی مربوطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به استناد تبصره «۱» ماده (۱۴۳) آیین‌نامه داخلی^۲ به دلیل تشابه موضوع با «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۸۷) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» به شماره ثبت (۲۸۹) ادغام و نهایتاً در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۸ با اصلاحاتی به تصویب کمیسیون حقوقی و قضایی رسید. طرح مزبور مشتمل بر ۶۶ ماده بوده و علاوه بر اینکه در مقام رفع برخی ابهامات و ایرادهای جزئی قانون مربوطه است، حاوی محورهای مهمی است که تصویب آن می‌تواند به تحقق حاکمیت قانون در کشور و اجرای عدالت اداری منجر شود. لذا در این گزارش ضمن اشاره به کلیات طرح حاضر به بررسی مواد آن خواهیم پرداخت.

کلیات

یکی از نهادها و تأسیسات حقوقی مهم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول (۱۷۰) و (۱۷۳) در راستای حاکمیت قانون پیش‌بینی شده دیوان عدالت اداری است که به نظارت قضایی و اعمال کنترل بر اعمال قوه مجریه می‌پردازد. بعد از تصریح قانون اساسی به دیوان عدالت اداری، اولین قانون مربوط به آن، مصوب سال ۱۳۶۰ است و علاوه بر آن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز قوانینی جدید، مربوط به دیوان عدالت اداری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۱. ماده (۵۹) - هریک از کمیسیون‌های تخصصی مجلس موظف است از میان اعضای خود کمیته و یا کمیته‌های فرعی متناسب با موضوعات مربوط تشکیل دهد. کمیته‌های فرعی دارای یک رئیس، یک نایب‌رئیس و یک دبیر خواهند بود که توسط اعضای همان کمیته انتخاب می‌گردند. مصوبات کمیته‌های فرعی بعد از تصویب در کمیسیون رسمیت خواهد داشت.

۲. تبصره «۱» - کمیسیون‌ها می‌توانند گزارش طرح‌ها و لوایح مشابه یا با موضوع مشترک یا نزدیک به هم را در یک گزارش به مجلس ارائه نمایند.

پس از گذشت هشت سال از آخرین اراده قانونگذار در تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و مشخص شدن کاستی‌های موجود در قانون فعلی از یک‌سو و پیچیده‌تر شدن تشکیلات و عملکرد دولت از سوی دیگر، لزوم اصلاح این قانون جهت تضمین حداکثری حاکمیت قانون در راستای حفظ حقوق عامه، ضروری به نظر می‌رسید. بر همین اساس، طرح پیش رو در چند محور و در راستای اصلاح قانون مذکور و رفع ایرادها و کاستی‌های آن ارائه شده است. این طرح با ارجاع به کمیسیون حقوقی و قضایی در کمیته مربوطه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مصوبه کمیته با اصلاحاتی مورد تصویب کمیسیون قرار گرفته است. اهم اصلاحات صورت گرفته به شرح زیر است:

۱. تبیین صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری و اعلام شمول آن به رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات مؤسسات عمومی غیردولتی و دانشگاه آزاد؛ تصریح بر صلاحیت نظارت دیوان بر تصمیمات و اقدامات مؤسسات عمومی غیردولتی با توجه به اینکه این مؤسسات به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و مؤثر حوزه عمومی و صاحب قدرت، فعالیت می‌کنند می‌تواند گامی بلند در جهت حرکت به سمت قانون‌مداری هرچه بیشتر نهادهای عمومی باشد.

۲. تصدیق ورود خسارت و تعیین میزان آن در شعب دیوان؛

۳. امکان نظارت بر مصوبات غیرسیاستگذاری شورای عالی فضای مجازی در هیئت عمومی؛

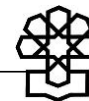
۴. پیش‌بینی امکان شکایت دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی و دیوان محاسبات؛ امکان گزارش‌دهی نهادهای نظارتی و حتی مؤسسات مردم‌نهاد، در راستای صیانت از حقوق شهروندان در مقابل قدرت عمومی است که با توجه به اختیارات پیش‌بینی شده تا حدود زیادی می‌تواند با پایش عملکرد دولت و طرح دعوی در مواقع ضروری، از نقض حقوق عامه پیشگیری و با آن مقابله نماید.

۵. تقویت و ارتقای کارآمدی نیروی انسانی نهاد دیوان عدالت اداری و استفاده از فارغ‌التحصیلان دکتری حقوق عمومی به‌دلیل تمرکز فعالیت دیوان در این زمینه؛

۶. تعیین سازوکار رسیدگی به آرای مراجع اختصاصی اداری و اجرای احکام صادره از دیوان به‌دلیل چالش‌ها و اختلاف‌نظرهای موجود در شیوه نظارت و مشکلات اجرای احکام است.

۷. انجام اصلاحاتی در جهت رفع اطاله دادرسی، پیشگیری و مبارزه با فساد در تشکیلات دیوان و رفع مشکلات اجرایی جهت تسهیل روند شکایت و نظارت قضایی دیوان بر قدرت عمومی.

درمجموع و با عنایت به مراتب مذکور، تصویب کلیات مصوبه کمیسیون و ارجاع آن به کمیسیون محترم مربوطه جهت اصلاح برخی از مواد مصوبه، با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است.

**ماده (۱) - اصلاح عنوان قانون**

با توجه به طولانی بودن عنوان قانون و برخی ملاحظات دیگر نظیر ذکر احکامی در این قانون که مستقیماً می‌تواند ناظر به تشکیلات و آیین رسیدگی در دیوان نباشد، به موجب این ماده عنوان قانون از «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» به «قانون دیوان عدالت اداری» تغییر یافته است که تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.

ماده (۲) - موضوع اصلاح ماده (۲) و حذف تبصره آن

در حال حاضر به موجب ماده (۲) قانون، به صورت مطلق تصویب تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان پس از پیشنهاد ریاست دیوان برعهده رئیس قوه قضائیه می‌باشد. در همین راستا معاونت‌های تخصصی «اداری، استخدامی و فرهنگی»، «اقتصادی، اراضی و شهرسازی» و «کار و تأمین اجتماعی» تشکیل گردیده‌اند. در راستای تفصیل اطلاق موجود در ماده، ماده پیشنهادی با الحاق عبارت «ساماندهی آن در قالب معاونت‌های تخصصی» به صورت مشخص اختیار پیشنهاد معاونت‌های تخصصی را به رئیس دیوان و اختیار تصویب آن را به ریاست قوه قضائیه اعطا نموده است و تصویب آن جهت چابک‌تر شدن تشکیلات دیوان، مورد پیشنهاد است.

ماده (۳) - موضوع الحاق تبصره ماده (۳) و الحاق ۲ تبصره به آن

- اولین اصلاح صورت گرفته در این ماده الحاق عبارت زیر به انتهای تبصره ماده (۳) است:
«در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به‌عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.»

درحقیقت دلیل این پیشنهاد آن است که در حال حاضر در غیاب رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره امور جاری و اداری شعبه و نظارت بر عوامل دفتری شعبه مشترکاً برعهده هر دو مستشار می‌باشد و این امر منجر به اختلاف خواهد شد. بنابراین با توجه به عدم تقدم و رجحان نظر مستشاران شعبه تجدیدنظر و در راستای رفع مشکلات و ایرادات عملی موجود و در جهت تسریع در رسیدگی در شعب تجدیدنظر دیوان، تفویض اداره شعبه به عضو دارای سابقه بیشتر منطقی بوده و تصویب این بند مورد پیشنهاد است.

- درخصوص تبصره «۲» الحاقی پیشنهادی، ذکر این نکته لازم است که در حال حاضر مطابق بند «۲» ماده (۱۰) و مواد (۶۳) و (۶۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراض از آرای مراجع شبه‌قضایی، ابتدا در شعب بدوی و سپس در شعب تجدیدنظر انجام می‌شود و صرفاً اشخاص حقوق خصوصی می‌توانند نسبت به طرح شکایت در دیوان اقدام نمایند. در همین راستا و جهت

رفع ایراد فعلی _ یعنی عدم امکان طرح دعوای نهادهای عمومی از تصمیمات مراجع اختصاصی اداری در دیوان عدالت اداری _ امکان شکایت نهادها و دستگاه‌های عمومی و دولتی از آرای مراجع شبه‌قضایی در شعب دیوان پیش‌بینی شده است که اقدامی مثبت به‌نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال اگر در حال حاضر هیئت‌های حل اختلاف کار در پرونده‌ای واحد، به نفع شرکت دولتی یا اداره دولتی که کارفرماست رأی صادر نماید، امکان شکایت کارگر از این تصمیم در دیوان عدالت اداری وجود دارد، در حالی که در همین پرونده کارفرما که نهاد عمومی است نمی‌تواند در دیوان طرح دعوا نماید و باید برای اعتراض به رأی هیئت، به دادگاه‌های عمومی مراجعه نماید که این امر موجب تشتت تصمیم‌گیری قضایی در این خصوص می‌شود و این تبصره در همین راستا امکان شکایت نهادهای عمومی و دولتی را در دیوان فراهم نموده است. اما اصلاح دیگر صورت گرفته، یک‌مرحله‌ای شدن رسیدگی به آرای مراجع شبه‌قضایی در دیوان عدالت اداری و طرح مستقیم آن در شعب تجدیدنظر است که فارغ از اینکه این امر ممکن است به جهت مغایرت با بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی مبنی بر تبعیض ناروا مورد ایراد شورای محترم نگهبان واقع شود، به دلیل عدم قضایی بودن و عدم اتقان آرای مراجع مذکور و نقض مکرر آرای آنها در شعب دیوان، نوعی تحدید حق دادخواهی و تبعیض قضایی به‌شمار می‌رود که منجر به نقض حقوق عامه و اصحاب دعوا خواهد شد. لازم به ذکر است که از اصول ابتدایی دادرسی عادلانه دوبرحله‌ای بودن و امکان تجدیدنظرخواهی از آرای قضایی است. همچنین در قانون سال ۱۳۸۵ دیوان عدالت اداری رسیدگی در دیوان عدالت اداری یک‌مرحله‌ای بود که قانونگذار با پذیرش ایراد تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی در دیوان عدالت اداری، در سال ۱۳۹۲ اقدام به دوبرحله‌ای کردن رسیدگی در دیوان نمود و مصوبه حاضر نوعی بازگشت به تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی دیوان عدالت اداری درخصوص تصمیمات مراجع شبه‌قضایی به‌شمار می‌رود. ممکن است برای تک‌مرحله‌ای شدن رسیدگی توجیه شود که موضوع در مراجع شبه‌قضایی و بعضاً دوبرحله مورد رسیدگی قرار گرفته است. این توجیه مورد پذیرش نیست چراکه تصمیمات اداری حتی اگر در مراحل متعدد مورد بررسی قرار گرفته باشند موجبات تحدید رسیدگی قضایی به تصمیمات آنها را فراهم نمی‌آورد. بنابراین اصلاح تبصره «۲» ماده (۳) به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

«تبصره ۲»- شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آراء و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند «۲» ماده (۱۰) این قانون در شعب مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می‌شود. پس از لازم الاجرا شدن این قانون پرونده‌های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می‌شود.»

- درخصوص تبصره «۳» الحاقی پیشنهادی نیز قابل ذکر است که از یک‌سو طبق بند «۲» ماده (۱۰) و (۶۳) و (۶۴) قانون فعلی، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای مراجع اختصاصی اداری در صلاحیت شعب دیوان قرار گرفته و ازسوی دیگر از رأی وحدت رویه شماره ۲۵۲-۸۰/۸/۱۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، اطلاق صلاحیت دیوان، در رسیدگی به آرای این مراجع برداشت می‌شود. با این وجود



تاکنون هیچ‌گونه تعریف یا معیاری برای تشخیص این مراجع و احراز صلاحیت دیوان ارائه نشده بود. بدین ترتیب، این تبصره در مقام ارائه تعریف جهت تشخیص مراجع اختصاصی اداری و جلوگیری از تعارض صلاحیت‌ها پیشنهاد شده که تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۴) - موضوع اصلاح ماده (۴) و تبصره «۱» و حذف تبصره «۲»

حقوق عمومی به صورت خاص و متمرکز به بررسی و مطالعه «دولت» به معنای مجموعه نهادها و سازمان‌هایی که به نحوی از انحاء از قدرت عمومی برخوردار هستند می‌پردازد؛ همچنین عملکرد و نظام‌مندی فعالیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، نهادهای عمومی، شهرداری‌ها و شوراهای محلی در حقوق عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نهاد دیوان عدالت اداری به عنوان دادرسی اداری نیز صلاحیت نظارت قضایی بر دولت و نهادهای صاحب قدرت عمومی را برعهده دارد. لذا ضروری است که فارغ‌التحصیلان رشته حقوق عمومی که به صورت محض به مطالعه دولت پرداخته و با اصول حقوق عمومی آشنا هستند در قضاوت در دیوان عدالت اداری دارای اولویت باشند که ماده حاضر در مقام تحقق چنین هدفی می‌باشد. در مطالعه تطبیقی نیز ضرورت اصلاح و تغییر روند فعلی تأمین قضاات دیوان عدالت اداری به وضوح مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در فرانسه در حالی که قضاات دادگاه‌های عمومی از طریق مدرسه ملی قضایی جذب می‌شوند، قضاات دادگاه‌های اداری اغلب از میان دانش‌آموختگان مدرسه ملی اداری و عمدتاً از میان دارندگان کارشناسی ارشد حقوق عمومی و بالاتر جذب و پس از کارآموزی تخصصی به کار گرفته می‌شوند.^۱ در آلمان نیز قضاات اداری پس از گذراندن سه سال کارآموزی تخصصی انتخاب می‌گردند. در نظام قضایی ایتالیا هم قضاات شورای حکومتی (قضاات اداری) این کشور تنها از میان فارغ‌التحصیلان حقوق عمومی برگزیده می‌شوند.^۲ شایان ذکر است که در حال حاضر قضاات و دست‌اندرکاران نظام دادرسی اداری کشور، صرفاً با تکیه بر دادرسی‌های عمومی (حقوقی و کیفری) به دادرسی می‌پردازند. مضاف بر آنکه برخوردار نبودن قضاات دیوان از این آموزش‌ها و ابزارها یکی از موانع مهم توجه مقتضی به منافع عامه در کنار حقوق افراد و ایجاد نگرشی متعادل به تقابل این دو در دعاوی عمومی و اداری میان دولت و شهروند در این نهاد گران‌سنگ قضایی در ایران است. جهت رفع مسائل مذکور و تحقق هدف مطلوب، تصویب این ماده و تبصره آن بسیار راهگشا خواهد بود.

۱. مولایی، غلامرضا و حیدرنژاد، ولی‌الله (۱۳۹۸)، چالش‌ها و الزامات انتصاب قضاات در دیوان عدالت اداری با نگاهی به محاکم اداری فرانسه، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۰، ص ۴۴۴.

۲. سلطانی، سیدناصر (۱۳۹۲)، مبانی قانونی و روش‌های جذب و آموزش قضاات محاکم اداری در فرانسه، گزارش پژوهشی پژوهشگاه قوه قضائیه، ص ۱۲۲.

ماده (۵) - موضوع اصلاح ماده (۵) و الحاق یک تبصره به آن

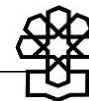
- رئیس دیوان عدالت اداری، ریاست اداری و نظارت بر کلیه امور اداری دیوان را برعهده دارد که این امر در قانون فعلی مورد تصریح واقع نشده است و ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اینکه به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین دعاوی مطروحه در دیوان عدالت اداری را به سه حوزه اصلی «کار و تأمین اجتماعی»، «اداری، استخدامی و فرهنگی»، «شهرسازی، اراضی و اقتصادی» تقسیم نمود و رئیس دیوان عدالت اداری مطابق ماده (۲) این طرح اقدام به تعیین معاون قضایی برای هر کدام از این موارد می‌نماید. ماده حاضر مقرر می‌دارد یکی از معاونین قضایی مزبور، به انتخاب رئیس به‌عنوان معاون اول خواهد بود. درحقیقت به جهت کثرت وظایف و اختیارات رئیس دیوان، پیش‌بینی معاون اول، جهت بررسی و ارائه مشورت‌ها و پیشنهادهای لازم به ریاست دیوان در کلیه زمینه‌ها، اتخاذ تصمیم و اقدام لازم در موارد ارجاعی از ناحیه رئیس دیوان، تشکیل شورای معاونین و ایجاد هماهنگی و رفع تداخلات کاری بین معاونت‌ها و بررسی و تأیید پیشنهادهای معاونت‌ها مناسب به نظر می‌رسد. لذا تصویب ماده پیشنهاد می‌گردد.

- تبصره اضافه شده به این ماده مقرر می‌نماید کلیه وظایف و اختیارات رئیس دیوان به‌جز اختیار اعمال ماده (۷۹)، «اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن آرای شعب» و ماده (۹۱)، «اعلام اشتباه یا مغایرت با قانون آرای هیئت عمومی» قابل تفویض به معاونین می‌باشد. در این خصوص باید اشاره نمود که به‌جز اختیارات موضوع ماده (۷۹) و (۹۱) به نظر می‌رسد موارد زیر قائم به شخص رئیس دیوان عدالت اداری بوده و قابل تفویض به معاونین رئیس دیوان نمی‌باشد:

۱. ریاست شعبه اول تجدیدنظر (ماده ۵)
۲. موافقت با اجرای دستور موقت صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر و لغو آن (مواد ۳۵، ۴۰، ۷۳)
۳. تشخیص رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌ها (ماده ۴۷)
۴. استعلام نظر از فقهای شورای نگهبان (ماده ۸۰)
۵. پیشنهاد اصلاحی درخصوص ایرادات و نواقص قوانین و مقررات به رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (ماده ۱۱۸)
۶. اعلام تضییع حقوق عمومی و منافع بیت‌المال به سازمان بازرسی، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات (ماده ۱۲۱)

بنابراین عدم تصویب این تبصره و اصلاح تبصره ماده (۵) به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

«تبصره: رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۳۵)، (۴۰)، (۴۷)، (۷۳)، (۷۹)، (۸۰)، (۹۱)، (۱۱۸) و (۱۲۱) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هریک از معاونین تفویض نماید.»



ماده (۶) - موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۶)

مطابق این تبصره در صورت ارائه الکترونیکی خدمات قضایی به مردم و به تشخیص رئیس دیوان، دفاتر اداری استانی دیوان منحل خواهند شد. در این خصوص به نظر می‌رسد حذف دفاتر استانی دیوان عدالت اداری حتی در فرض فراهم شدن امکان ارائه الکترونیکی ثبت دادخواست، مخالف حق دسترسی عادلانه به مراجع قضایی تلقی می‌شود چراکه اولاً در حال حاضر دسترسی به بستر اینترنت و امکانات اتصال به آن در تمامی نقاط کشور به صورت برابر و پیشرفته فراهم نشده است. ثانیاً حتی در فرض گسترش کمی و کیفی اینترنت نیز، برای بسیاری از اقشار کم‌سواد و کهنسال ثبت شکایت به صورت غیرحضوری و پیش‌بینی صرف شکایت اینترنتی مقدور نبوده و موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم می‌آورد. ثالثاً مطابق بند «۱» ماده (۶) یکی از وظایف دفاتر استانی «راهنمایی و ارشاد مراجعان» بوده و در صورت انحلال این دفاتر، عملاً این وظیفه نیز منتفی خواهد شد. این در حالی است که مطابق بند «۱۷» سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری «گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضایی» باید مورد توجه واقع شود. لذا عدم تصویب این ماده مورد پیشنهاد است.

ماده (۷) - موضوع اصلاح ماده (۷) و تبصره آن

به جهت وسعت دایره نظارت قضایی بر اداره و به تبع، تخصصی و پیچیده بودن مسائل و دعاوی مطروحه در دیوان عدالت اداری، از همان ابتدا استفاده از نظر کارشناس، امری گریزناپذیر می‌نمود. در همین راستا در ماده (۷) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰، استفاده از نظر کارشناسی مشاورین، مورد تصریح مقنن قرار گرفت^۱ که بر این اساس شعب دیوان عدالت اداری می‌توانند عنداللزوم از نظرات کارشناسی استفاده نمایند مگر در موارد صدور رأی اصراری مراجع شبه قضایی موضوع ماده (۶۳) یا شکایت از تشخیص مراجع تشخیصی موضوع ماده (۶۴) که شعب مکلف به استفاده از نظرات کارشناسی می‌باشند. ایراد موجود در ماده (۷) قانون فعلی، ابهام در سازوکار «احراز صلاحیت»، «نحوه انتصاب»، «مرجع صدور ابلاغ» و «معیار پرداخت حقوق و مزایا» است که ضرورت اصلاح این ماده را هویدا می‌کند. در همین راستا تعیین نحوه به کارگیری و پرداخت حق الزحمه منوط به پیشنهاد رئیس دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه در قالب آیین نامه شده است. اما با عنایت به اینکه اولاً مقصود از عبارت «به کارگیری» مشخص نشده و روشن نیست که دیوان در قالب چه نوع رابطه استخدامی می‌تواند از افراد مزبور استفاده نماید؟ و الزاماً این افراد باید متصدی پست سازمانی باشند یا خیر؟ و آیا این افراد می‌توانند

۱. «دیوان می‌تواند به تعداد مورد نیاز کارشناسانی از رشته‌های مختلف که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان داشته باشد. در صورت نیاز هریک از شعب به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه یا به تشخیص رئیس دیوان، کارشناس مشاور توسط رئیس دیوان به شعبه معرفی می‌شود. در این صورت کارشناس پس از بررسی موضوع، نتیجه را به طور مکتوب به شعبه ارائه می‌کند تا در پرونده درج شود. قاضی شعبه با ملاحظه نظر وی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.»

از بین وکلا و کارشناسان یا کارمندان دستگاه‌های دیگر باشند یا خیر؟ ثانیاً شیوه تشخیص صلاحیت اشخاص مذکور ابهام دارد و با توجه به اهمیت امر مشاوره در دیوان عدالت اداری و ملاحظات محرمانگی پرونده‌ها، مشخص نیست که به‌کارگیری این افراد باید پس از تأیید مراجع ذی‌صلاح اعم از گزینشی و امنیتی باشد یا اینکه دیوان رأساً و بدون تأیید مرجع خاصی می‌تواند نسبت به به‌کارگیری آنها اقدام نماید. مضاف بر آنکه تفویض تشخیص شرایط و ملاحظات فوق به تصویب آیین‌نامه رئیس قوه قضائیه، به جهت اینکه دارای ماهیت تقنینی است ممکن است با ایراد شورای محترم نگهبان مبنی بر مغایرت با اصل (۸۵) قانون اساسی مواجه شود. بنابراین اصلاح این ماده به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«ماده (۷) - دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسان

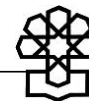
رسمی در رشته مورد نیاز، استفاده نماید. ترتیبات ارجاع امر به کارشناس مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خواهد بود.»

درخصوص تبصره این ماده نیز باید اشاره نمود که هرچند پیش‌بینی امکان تشکیل کارگروه مشورتی جهت اعلام نظر در موضوعات چالشی و دارای ابعاد گسترده، امری درخور تحسین به‌نظر می‌رسد اما لازم است که مشخص گردد در صورت عدم ارائه نظر مشورتی توسط کارگروه مذکور آیا این امر مانع تصمیم‌گیری و صدور رأی توسط شعبه تا زمان صدور نظریه مشورتی خواهد بود یا خیر؟ لذا تبصره مذکور از این جهت واجد ایراد به‌نظر می‌رسد و بر این اساس لازم است به شرح زیر اصلاح گردد:

«تبصره - چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش‌بینی می‌شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد، موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیئت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک‌ماه اعلام نظر نمایند، عدم اعلام نظر نافی تصمیم‌گیری و صدور رأی توسط شعبه نمی‌باشد.»

ماده (۸) - موضوع اصلاح ماده (۸)

در حال حاضر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از دوسوم کل قضات دیوان تشکیل شده و ملاک رأی، نظر اکثریت حاضر است. شایان ذکر است اصولاً موضوعات مطروحه در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوعاتی بسیار تخصصی و فنی است که حضور و شرکت همه قضات شعب بدوی و اجرای احکام، به‌دلیل عدم تجربه کافی و تعداد زیاد قضات، وافی به مقصود نخواهد بود و امر تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه می‌نماید. همچنین با وجود حجم گسترده پرونده‌های موجود در شعب دیوان عدالت اداری، لزوم شرکت هفتگی کلیه قضات دیوان در جلسه هیئت عمومی موجب اطاله دادرسی خواهد شد. مضاف بر اینکه تعدد



بسیار قضاات، بررسی موضوع شکایت و احکام مربوطه و درنهایت تحقق اقناع وجدانی جهت صدور رأی را مشکل‌تر و طولانی‌تر خواهد نمود و منجر به تقلید در قضاوت یا قضاوت غیرمسئولانه می‌گردد. بنابراین تغییر پیشنهادی در راستای چابک‌تر شدن هیئت عمومی و تحقق اصل سرعت در دادرسی ضروری می‌نماید. اما با عنایت به لزوم بهره‌مندی رؤسای شعب و قضاات جدیدالورود از تجربیات قضاات باسابقه پیشنهاد می‌گردد تا «رؤسای شعب بدوی» نیز جزء اعضای هیئت عمومی قرار گیرند و در همین راستا ذیل این بند، مبنی بر شرکت قضاات شعب بدوی در هیئت عمومی در موارد صدور آرای وحدت رویه و ایجاد رویه حذف گردد، لذا اصلاح بند «الف» به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«الف- هیئت عمومی متشکل از رئیس، معاونین قضایی، رؤسای هیئت‌های تخصصی، رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر و رؤسای شعب بدوی می‌باشد که با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس دیوان یا یکی از معاونین قضایی با انتخاب رئیس دیوان رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی در آن، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد.»

درخصوص بند «ب» نیز لازم به ذکر است که در حال حاضر مطابق ماده (۸۴) قانون، هیئت‌های تخصصی متشکل از ۱۵ نفر از قضاات دیوان بوده که با حضور دوسوم (۱۰ نفر) تشکیل می‌گردد و به جهت آنکه همه قضاات و دادرسان دیوان الزاماً می‌بایست عضو یک هیئت تخصصی باشند و این امر موجب عدم اتقان در نظریات هیئت تخصصی به جهت عدم آشنایی آنها با موضوعات گردیده است، لذا این تعداد اعضای هیئت تخصصی را یازده نفر مقرر داشته که با حضور نه نفر (۹ نفر) رسمیت می‌یابد. اما حضور قضاات در هیئت‌های تخصصی متعدد، ممنوع نشده است که به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه اولاً مطابق ماده (۴۶) این طرح «موضوع اصلاح ماده (۸۴)» صلاحیت هیئت‌های تخصصی گسترش پیدا کرده است و در موارد ابطالی صرفاً با درخواست ۱۰ نفر از اعضای هیئت عمومی یا رئیس دیوان قابل اعتراض در هیئت عمومی است. ثانیاً به جهت عدم الزام عضویت قضاات در حداقل یک هیئت تخصصی، شبهه همپوشانی اعضای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی و نقض قاعده فراغ دادرسی وجود خواهد داشت. ثالثاً با تجویز امکان حضور قضاات در هیئت‌های تخصصی متعدد، قضاات دیگر فرصت اظهارنظر و شرکت در فرایند قضایی را از دست خواهند داد و ممکن است آرای این هیئت‌ها نیز تحت تأثیر مصلحت‌سنجی‌هایی در ارجاع قرار گیرد. رابعاً حضور قضاات در هیئت‌های تخصصی متعدد، عملاً منطق و هدف تشکیل این هیئت‌ها جهت بررسی و واکاوی موضوعات و پرونده‌ها را نقض خواهد کرد. مضاف بر اینکه صرف‌نظر از اطاله دادرسی به جهت مشغله زیاد قاضی مربوط، موجد ابهام در تقویت پدیده تقلید در قضاوت خواهد بود. بنابراین اصلاح بند «ب» به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«ب- هر هیئت تخصصی متشکل از یازده نفر عضو از میان قضاات دیوان می‌باشد که با حضور حداقل نه نفر از اعضا رسمیت می‌یابد. عضویت قضاات دیوان در یک هیئت تخصصی و با توجه به تجربه و آشنایی آنها با حوزه تخصصی مربوط می‌باشد.»

تصویب تبصره این ماده نیز با توجه به پیش‌بینی امکان حضور سایر قضات یا کارشناسان و ارائه نظر توسط آنها در هیئت‌های تخصصی در راستای اتقان و ارتقای آرای هیئت‌های تخصصی پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۹) - موضوع اصلاح ماده (۹) و حذف تبصره آن

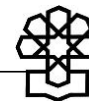
نظر به اینکه اغلب پرونده‌های موجود در دیوان عدالت اداری با چالش اجرای احکام روبه‌رو بوده و استتکاف از اجرای حکم نیز منجر به انفصال مستتکف از خدمت خواهد شد، پیش‌بینی واحد اجرای احکام، زیر نظر رئیس دیوان عدالت اداری و امکان تفویض اختیار به معاونین یا دادستان، به دلیل تخصصی بودن معاونت‌ها، جهت تسریع در اجرای رأی و جلوگیری از صدور آراء اشتباه در این زمینه، امری منطقی به نظر می‌رسد. اما با توجه به اینکه واحد اجرای احکام علاوه بر قضات، از مدیر دفتر و کارمند برخوردار است و لازم است این امر در این ماده تصریح گردد تا شبهه مذکور مرتفع شود لذا اصلاح این ماده به شرح زیر نیز مورد پیشنهاد است:

«ماده (۹) - واحدهای اجرای احکام زیر نظر رئیس دیوان انجام وظیفه می‌نمایند که از تعداد کافی مدیر دفتر و کارمند برخوردار می‌باشند. قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضایی توسط رئیس دیوان انتخاب می‌شوند.»

حذف تبصره نیز با عنایت به اصلاح ماده (۴) این طرح در خصوص کیفیت جذب قضات توسط دیوان، ضروری و مناسب به نظر می‌رسد.

ماده (۱۰) - موضوع اصلاح تبصره‌های «۱» ماده (۱۰) و الحاق چهار تبصره به آن

تبصره «۱» - در حال حاضر و مطابق قانون فعلی، رسیدگی به دعاوی «مسئولیت مدنی دولت» دوگانه بوده و شعب دیوان عدالت اداری صرفاً واجد صلاحیت «احراز وقوع تخلف» می‌باشند که پس از صدور رأی توسط دیوان، ضروری است که شاکی جهت «تصدیق ورود خسارت» به دادگاه‌های دادگستری مراجعه کند. موافقین این نظر معتقدند با توجه به حقوقی بودن احراز ورود خسارت و همچنین لزوم تحقیقات و کارشناسی محلی، لازم است که این امر همچنان در صلاحیت دیوان عدالت اداری باقی بماند، اما به نظر می‌رسد با توجه اینکه اولاً مطابق اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی، شکایت از دستگاه‌ها و مأمورین دولتی مطلقاً در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار گرفته است، ثانیاً دوگانه بودن رسیدگی منجر به «اطاله دادرسی»، «سردرگمی مردم» و «اتلاف هزینه‌های دادرسی و کارشناسی» گردیده است، ضروری است رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی دولت به صورت مطلق اعم از احراز وقوع تخلف، تصدیق ورود خسارت و تعیین میزان آن در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار بگیرد. بنابراین، تصویب این ماده که مرجع رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی دولت را منحصرأً دیوان عدالت اداری مقرر نموده، مورد پیشنهاد است.



تبصره «۳»- با توجه به قید عبارت «تصمیمات و اقدامات» در ماده (۱۰) قانون فعلی دیوان، رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد، که مسئله‌ای حقوقی و ترافعی است، در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری قرار دارد و خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری است؛ اما با توجه به اینکه پیش از تنظیم و انعقاد قرارداد اداری مانند مزایده یا مناقصه، امکان تخلفاتی مانند عدم رعایت تشریفات قانونی ازسوی دستگاه یا مأموران دولتی در تصمیمات و اقداماتی که منجر به انعقاد قرارداد می‌شود، وجود دارد، این تبصره در راستای تصریح به صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایات علیه چنین تصمیمات و اقداماتی است که گامی در جهت تضمین بیشتر حقوق و منافع عمومی در انعقاد قراردادهای دولتی ازجمله قراردادهای مربوط به خصوصی‌سازی خواهد بود و لذا تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

تبصره «۴»- با توجه به اینکه جهات طرح دعوا در هیئت عمومی و شعب دیوان یکسان نبوده و همین امر نیز موجب عدم رسیدگی به موضوعاتی می‌شود که مستند آنها سوءاستفاده مقامات دولتی از صلاحیتشان است، لذا این تبصره با احصای جهات طرح شکایت در شعب دیوان آنها را منحصرأ در موارد زیر مقرر داشته است:

۱. مخالفت با قانون، ۲. مخالفت با شرع، ۳. خروج از حدود صلاحیت یا سوءاستفاده از اختیارات، ۴. تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام آنها
- تصویب این تبصره پیشنهاد می‌گردد.

تبصره «۵»- در قوانین مختلف جهت تعیین مرجع صالح در رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات و اقدامات اداری، از عباراتی چون «مرجع صالح قضایی» یا «دادگاه صالح» استفاده شده است که در مراجع قضایی این عبارات انصراف به دادگاه‌های عمومی دارد و همین امر موجب شده است تا بعضاً موضوعاتی که ذاتاً در صلاحیت دیوان عدالت اداری است، به جهت عدم تصریح به آن، در سایر مراجع نیز مورد رسیدگی قرار گیرد و منجر به صدور آرای متعارض و متشتت گردد، بنابراین با عنایت به اینکه اصولاً دیوان عدالت اداری به عنوان دادرس اداری وظیفه نظارت قضایی بر مراجع مذکور را برعهده داشته و مواد (۱۰) و (۶۳) و (۶۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مفید صلاحیت دیوان در رسیدگی به آراء قطعی مطلق مراجع اختصاصی اداری است، لذا تبصره پیشنهادی درصدد رفع این ایراد تلقی شده و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

تبصره «۶»- در حال حاضر دیوان عدالت اداری منحصرأ صلاحیت رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها را برعهده داشته و درخصوص مؤسسات عمومی غیردولتی، تنها امکان شکایت نسبت به تصمیمات و اقدامات تأمین اجتماعی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها در شعب دیوان وجود دارد که البته دلیل و مبنای محدود نمودن صلاحیت دیوان به تأمین اجتماعی و شهرداری‌ها روشن نیست. این در حالی است که نهادهای عمومی غیردولتی نیز از قدرت عمومی

استفاده می‌نمایند، لذا با عنایت به اینکه تأسیس نهاد دیوان عدالت اداری در راستای امکان نظارت قضایی بر تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی می‌باشد و دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری نیز ناظر به نهادهای عمومی برخوردار از قدرت عمومی است، تبیین صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات این نهادها منطبق بر فلسفه تأسیس این نهاد _ یعنی فراهم آوردن امکان دادخواهی مردم از اعمال اداری تمامی نهادهای عمومی و تشکیلات دولتی _ می‌باشد. تبیین صلاحیت دیوان در خصوص نظارت بر تصمیمات و اقدامات دانشگاه آزاد اسلامی نیز با توجه به تشکیک در ماهیت این نهاد و شمول قوانین و مقررات عمومی بر آن ازجمله قانون کار و متعاقباً نحوه و نهاد نظارت بر آن، قابل قبول به نظر می‌رسد. البته علاوه بر موارد مزبور ایراد دیگری که در حال حاضر وجود دارد، عدم شمول نظارت دیوان عدالت اداری بر تصمیمات و اقدامات نهادهایی مانند مؤسسات و شرکت‌های وابسته به نهادهای عمومی ازجمله شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و نهادهای حرفه‌ای و صنفی است به همین جهت پیشنهاد می‌شود با رعایت ضوابط مندرج در آیین‌نامه داخلی، متن این تبصره به شکل زیر اصلاح شود:

«تبصره ۶»- رسیدگی به تظلمات نسبت به مصوبات و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دانشگاه آزاد اسلامی و کلیه مؤسسات و شرکت‌های وابسته و تابعه این دستگاه‌ها و اتحادیه‌های صنفی ازجمله سازمان نظام پزشکی در صلاحیت دیوان است.»

ماده (۱۱) - موضوع اصلاح ماده (۱۱)

با توجه به اینکه مطابق تبصره «۱» ماده (۱۰)، رسیدگی به مطلق دعاوی مسئولیت مدنی دولت و تصدیق ورود خسارت در صلاحیت شعب دیوان مقرر گردیده است لذا این ماده تصریح می‌نماید که علاوه بر تصدیق ورود خسارت و تعیین میزان آن توسط شعبه، اثر تصمیم یا اقدام مورد شکایت نیز لغو خواهد شد. هرچند نکته بدیع این ماده امکان شکایت از ترک فعل دستگاه‌ها و مأمورین دولتی از انجام وظایف قانونی است، اما امکان الزام دستگاه‌ها به اعاده حقوق تضییع شده را از ماده سابق حذف نموده است که دیوان را با خلأ بزرگی مواجه خواهد ساخت و از این پس شعب دیوان نمی‌توانند در موارد ترک فعل، حکم به الزام به فعل نمایند. بر این اساس اصلاح این ماده به شرح زیر، با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است:

«ماده (۱۱) - در صورتی که در نتیجه تصمیمات و اقدامات خلاف شرع، قانون و مقررات موضوع شکایت یا اهمال و کوتاهی و خودداری از انجام وظایف قانونی توسط واحدهای مربوط، خسارتی بر اشخاص وارد شود، شعبه رسیدگی‌کننده با رعایت تبصره «۱» ماده (۱۰) این قانون، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم یا اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده صادر می‌کند.

حذف تبصره ماده فعلی نیز در راستای تضمین حقوق عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق عامه در صورت



صدور آرای اشتباه از شعب و احتمال صدور آرای متعارض در دیوان می‌باشد که مناسب ارزیابی می‌گردد.

ماده (۱۲) - موضوع اصلاح تبصره ماده (۱۲) و الحاق یک تبصره به عنوان تبصره «۲» به آن

ماده (۱۲) این قانون در خصوص صلاحیت‌های «هیئت عمومی» دیوان عدالت اداری است که تبصره آن، موارد خارج از صلاحیت را احصا نموده است. در همین راستا، تبصره این ماده «مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» را غیرقابل شکایت و غیر قابل ابطال در هیئت عمومی مقرر نموده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی عملاً شامل ۱. سیاستگذاری ۲. مقررات‌گذاری و ۳. تشخیص‌های مصداقی می‌باشد و مطابق بندهای «۲» و «۳» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، تعیین سازوکار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با شرع و قانون اساسی مورد تصریح مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} قرار گرفته است. لذا پیش‌بینی امکان شکایت از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین شورای عالی فضای مجازی جهت عدم مغایرت با شرع و قانون در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در راستای تحقق سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است در بسیاری از موارد، شورای مزبور (شورای عالی انقلاب فرهنگی) خارج از صلاحیت خویش اقدام به وضع معافیت مالیاتی، تعیین احکام استخدامی و تعیین ماهیت برخی نهادها و ... نموده که اختیارات مجلس شورای اسلامی را نیز در این خصوص محدود کرده است. اما علی‌رغم این امر، کمیسیون محترم حقوقی و قضایی اقدام به حذف صلاحیت دیوان در رسیدگی به تصمیمات این شورا نموده است که خود نوعی برداشتن گام به عقب به شمار می‌رود.

از طرف دیگر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های غیرقضایی رئیس قوه قضائیه در هیئت عمومی غیرقابل شکایت و غیرقابل ابطال شده است که این امر نیز با توجه به اینکه رئیس قوه قضائیه همزمان با دارا بودن شأن قضایی، دارای شأن اداری نیز هست و اقدام به وضع مقرراتی در خصوص امور اداری سازمان‌های زیرمجموعه دستگاه قضایی از جمله سازمان‌های «ثبت اسناد و املاک کشور»، «سازمان پزشکی قانونی»، «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» یا وضعیت استخدامی کارکنان قوه قضائیه می‌نماید که هیچ تفاوتی با آیین‌نامه‌های مصوب دولت مثلاً در خصوص سازمان ثبت احوال ندارد، لذا عدم امکان شکایت از بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های رئیس قوه قضائیه فاقد توجیه و متضمن نقض حق دادخواهی شهروندان است و مغایر اصل (۳۴) قانون اساسی به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است همین حکم در قانون سال ۱۳۸۵ دیوان عدالت اداری نیز وجود داشت.^۱ بنابراین اصلاح ماده (۱۲) به شرح زیر با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است:

۱. ماده (۱۹) -

تبصره - رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است.

«در تبصره «۱» ماده (۱۲) قانون عبارت «صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات» حذف می‌شود.»

«تبصره «۲» - رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در خصوص سیاستگذاری در حوزه تحت صلاحیت هریک از این دو نهاد از شمول این حکم خارج است.»

ماده (۱۳) - موضوع اصلاح ماده (۱۴) و الحاق یک تبصره به آن

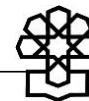
- در مواردی ممکن است بین «شعب دیوان»، «شعب و هیئت عمومی»، «مراجع قضایی و دیوان عدالت» اختلاف در صلاحیت ایجاد شود. بنابراین به جهت آنکه شعب تجدیدنظر نسبت به شعب بدوی و هیئت عمومی نسبت به شعب تجدیدنظر، مراجعی عالی می‌باشند، از این رو جهت رفع تعارض صلاحیت بین شعب بدوی و تجدیدنظر، نظر شعب تجدیدنظر و جهت رفع تعارض صلاحیت بین شعب تجدیدنظر و هیئت عمومی، نظر هیئت عمومی ملاک قرار گرفته است، لذا تصویب این ماده مناسب به نظر می‌رسد.

- در خصوص تبصره پیشنهادی نیز باید گفت علاوه بر استدلال مذکور در بند فوق، به نظر می‌رسد با توجه به حوزه صلاحیت تخصصی دیوان عدالت اداری و عدم اشراف قضات دیوان عالی کشور به موضوعاتی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است، در موارد رفع تعارض در صلاحیت، منوط نمودن ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، به کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری، موجب تخصصی شدن اعلام نظر شعب دیوان عالی کشور در رفع اختلاف در صلاحیت بین دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های دادگستری خواهد شد؛ امری که در قانون قبلی (مصوب سال ۱۳۸۵) نیز وجود داشت.^۱ بنابراین تصویب این تبصره نیز مورد پیشنهاد است.

ماده (۱۴) - موضوع اصلاح ماده (۱۵)

حذف عبارت «انفصال مستنکف» از ماده و خارج نمودن این اختیار از صلاحیت شعبه بدوی صادرکننده رأی، به این جهت است که رسیدگی به استنکاف از اجرای حکم و متعاقباً صدور حکم انفصال مستنکف که از شدیدترین مجازات اداری است، به موجب ماده (۶۱) همین مصوبه، در صلاحیت شعب تجدیدنظر قرار گرفته است. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.

۱. ماده (۴۶) - مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضایی پس از کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور است.



ماده (۱۵) - موضوع حذف تبصره «۱» ماده (۱۶) و الحاق سه تبصره به آن

حذف تبصره «۱»: مطابق تبصره ماده (۱۸) طرح تقدیمی به مجلس، درخصوص پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت از مراجع قضایی به دیوان ارسال می‌گردند، تعیین تکلیف شده بود. اما با عنایت به اینکه ماده مذکور به تصویب کمیسیون محترم نرسید، لذا حذف این تبصره باعث ایجاد خلأ درخصوص هزینه دادرسی نسبت به پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت به دیوان ارسال می‌گردند خواهد شد. بنابراین عدم حذف تبصره مذکور و عدم تصویب این بند مورد پیشنهاد است.

تبصره «۲»- عدم وجود مرور زمان جهت طرح شکایت به دلیل عدم دسترسی به سوابق و دلایل تصمیم و ارزیابی آن موجب شده است که در بسیاری از موارد به دلیل گذشت زمان بسیار طولانی عملاً امکان رسیدگی دیوان غیرممکن گردد، لذا قائل شدن به مرور زمان شکایت در این تبصره با هدف حفظ حقوق عامه، ثبات تصمیمات اداری و تحقق اصل حاکمیت قانون صورت پذیرفته است. بنابراین تصویب این تبصره پیشنهاد می‌گردد.

تبصره «۳»- تحقق اصل الزام به ارائه دلایل در تصمیمات اداری، به عنوان یکی از اصول مدرن حقوق اداری، همچنین نظارت بر ترک فعل دستگاه‌ها و مأمورین دولتی جهت تحقق نظام اداری مطلوب و همچنین برقراری تعامل منطقی و قانونی بین نظارت قضایی و اختیارات اداری و در نتیجه تحقق اصل شفافیت، موجب پیشنهاد و تصویب این تبصره گردیده است. همچنین پیش‌بینی مرور زمان طرح شکایت در تبصره «۲» و لزوم مشخص بودن تاریخ دقیق تصمیم و ابلاغ آن، علاوه بر صیانت از حقوق عامه در جهت تحقق اصل شفافیت می‌تواند یکی از موارد مترقی اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری محسوب گردد. در این صورت، بدیهی است که تخلف مأموران از اجرای این حکم، از تخلفات اداری محسوب شده و موجب معرفی به مراجع انضباطی خواهد بود و تبصره پیشنهادی در راستای تبیین این موضوع ارائه شده است. بنابراین تصویب این تبصره مورد پیشنهاد است.

تبصره «۴»- به دلیل آنکه تاکنون جهت شکایت از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأموران موضوع ماده (۱۰) این قانون، مهلتی پیش‌بینی نشده بود و این ماده به عنوان اولین تجلی تقنینی عام اصل «ارائه دلایل تصمیمات اداری» محسوب می‌گردد، و با توجه به ایجاد این الزام جدید، پیشنهاد این تبصره و در نظر گرفتن مهلت ۶ ماهه جهت شکایت شهروندانی که با وجود اطلاع از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأموران موضوع ماده (۱۰) تاکنون نسبت به طرح شکایت، اقدام ننموده‌اند، معقول به نظر می‌رسد که پیشنهاد می‌گردد مورد تصویب قرار گیرد.

ماده (۱۶) - موضوع الحاق دو تبصره به ماده (۱۷)

تبصره «۱»- در حال حاضر صرفاً «اشخاص ذی‌نفع» دارای صلاحیت طرح شکایت در دیوان عدالت

اداری هستند. با تفسیر مضیق دیوان از مفهوم «ذی نفع» نمی‌توان نسبت به بسیاری از موضوعات متضمن حقوق عمومی در دیوان طرح شکایت نمود و شهروند ذی نفع نیز که به دلیل تخطی دستگاه مربوطه از وظایف خود و در برخی موارد با تبانی از منافع غیرقانونی تصمیم یا عدم تصمیم مقام یا نهاد اداری منتفع شده است دلیلی برای اعتراض به تصمیم مذکور ندارد. این در حالی است که لازم است دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی نیز واجد این صلاحیت باشند. بنابراین این تبصره به دنبال اعطای صلاحیت طرح شکایت توسط برخی نهادهای نظارتی کشور (سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و دادستانی کل کشور) به جهت سروکار داشتن مستقیم با مسائل و حقوق عامه، دارای صلاحیت گزارش دادن به دیوان عدالت اداری است و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

تبصره ۲- این تبصره با شناسایی مؤسسات مردم‌نهاد به‌عنوان گزارش‌دهنده در موارد نقض حقوق عامه، علاوه بر نزدیک شدن به فلسفه تأسیس این نهادها، قدم مهمی در جهت مشارکت بخش غیردولتی در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی برداشته است که پیشنهاد می‌گردد مورد تصویب نمایندگان محترم قرار گیرد.

ماده (۱۷) - موضوع اصلاح ماده (۱۸) و الحاق یک بند به آن

- افزودن «شناسه قضایی» به انتهای بندهای «۱» و «۲» در راستای تسهیل رسیدگی به شکایات، ابلاغ الکترونیک و تشخیص شکایات مشابه و واجد اعتبار امر مختوم می‌باشد و تصویب آن مورد پیشنهاد است.
- الحاق بند «خ» به این ماده نیز در راستای تحقق ماده (۱۶) این قانون مبنی بر تعیین مهلت و مرور زمان برای شکایت از تصمیمات اداری و لزوم ارائه آن تصمیم به دیوان است که تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۱۸) - موضوع اصلاح ماده (۲۳) و الحاق یک تبصره به آن

اصلاحات این ماده و تبصره آن در راستای اصلاح شیوه‌های دریافت دادخواست در دیوان و ایجاد زمینه‌های الکترونیکی شدن آن پیشنهاد شده است که مناسب ارزیابی می‌گردد. با این توضیح که با توجه به اینکه مطابق ماده (۶۹۹) قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ «این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش‌های هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/ ۱۲/ ۴ الحاق می‌گردد.» و در سال ۱۳۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری دائمی شده است، لذا ضروری است که نام «قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی» به «قانون آیین دادرسی کیفری» در تبصره الحاقی تغییر یابد.



ماده (۱۹) - موضوع اصلاح ماده (۲۸)

اصلاحات این ماده در راستای شیوه رسیدگی به دادخواست و رفع نقص از آن پیشنهاد شده است، که در این موارد اخطار رفع نقص صادر می‌گردد و در صورت عدم رفع نقص مزبور، دادخواست رد خواهد شد. اما مطابق ذیل ماده، طرح شکایت مجدد در صورت رد دادخواست در مواردی که شکایت اولیه مستلزم رعایت زمان باشد، از زمان صدور قرار مدیر دفتر، پیش‌بینی شده است ولی به جهت آنکه قرار مدیر دفتر قابل اعتراض در شعبه بوده و شعبه مکلف است در این خصوص رأی صادر نموده و به معترض ابلاغ کند لذا بدیهی است که در این موارد، زمان از زمان ابلاغ رأی شعبه محاسبه خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی، این ماده به شرح زیر اصلاح شود:

«ماده (۱۹) - ماده (۲۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده (۲۸) - به جز موارد مذکور در ماده (۲۷) این قانون چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۸ تا ۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اخطاریه‌ای به‌طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان‌ها یا ابلاغ الکترونیکی با شاکی اعلام می‌کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اخطاریه ۱۰ روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می‌شود. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به‌عمل می‌آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌شود. این رأی قطعی است ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت اولیه مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقی‌مانده مهلت مقرر از زمان ابلاغ رأی یا قرار مدیر دفتر محاسبه می‌شود.»

ماده (۲۰) - موضوع حذف تبصره ماده (۲۹)

به‌نظر می‌رسد که جهت تشخیص دقیق موضوع شکایت و انطباق آن با رأی هیئت عمومی (ایجاد رویه)، تبادل لوایح حداقل برای شعب بدوی ضروری است و حذف تبصره ماده (۲۹) نیز در همین راستا صورت گرفته است. اما پس از مشخص شدن حدود و ثغور شکایت و جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، مطابق ماده (۳۹) این طرح، عدم الزام به تبادل لوایح در صورت وجود رأی ایجاد رویه و وحدت رویه برای شعبه تجدیدنظر پیش‌بینی گردیده است، بر این اساس پیشنهاد می‌گردد این ماده به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۲۱) - موضوع اصلاح مواد (۳۱)

در موارد متعددی شاکی یا شکات دعاوی متعددی را ضمن یک دادخواست به دیوان تقدیم می‌نمایند که بعضاً مرتبط با هم نیز نیستند که متعاقباً امکان رسیدگی دقیق و بررسی ابعاد کامل موضوع از شعبه سلب خواهد شد. بر این اساس این ماده در راستای رفع این چالش و جلوگیری از رد دعاوی شکات در صورت طرح شکایات متعدد و تبیین وظایف شعبه در این حالت پیشنهاد شده و تصویب آن فاقد ایراد به نظر می‌رسد.

ماده (۲۲) - موضوع اصلاح ماده (۳۴)

مطابق این ماده درخواست صدور دستور موقت، به جهت اینکه مستلزم رسیدگی و اتخاذ تصمیم در این زمینه است، منوط به پرداخت هزینه دادرسی شده است. اما به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه در ماده (۱۹) این قانون صرفاً هزینه دادرسی دادخواست شعب بدوی و تجدیدنظر مشخص گردیده و در خصوص درخواست دستور موقت، حکمی مقرر نشده است، لذا عدم تصویب این ماده یا تصویب آن منوط به اصلاح ماده (۱۹) قانون مورد پیشنهاد است.

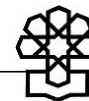
ماده (۲۳) - موضوع اصلاح ماده (۳۵) و تبصره آن و الحاق یک تبصره به آن

- دستور موقت دستوری فوری است مبنی بر اجرا یا جلوگیری از اجرای تصمیم یا اقدام قانونی توسط مأمورین یا واحدهای دولتی؛ بنابراین بدیهی است که در این موارد باید فوریت و ضرورت موضوع جهت صدور دستور موقت احراز گردد و البته طی دادرسی فوری مذکور در مواد (۳۱۱) الی (۳۱۸) قانون آیین دادرسی مدنی توسط شعبه رسیدگی‌کننده به اصل شکایت دستور موقت صادر شود. بنابراین اصلاح صورت گرفته در صدر ماده در همین راستا بوده و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

- اصلاح تبصره نیز از این جهت است که مطابق ماده (۲۴) این طرح، در موارد ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، صدور دستور موقت در صلاحیت رئیس یا نایب رئیس هیئت‌های تخصصی قرار گرفته است، بر این اساس تصویب آن مورد پیشنهاد است.

- مطابق تبصره الحاقی اجرای دستور موقت صادره از شعب بدوی و هیئت‌های تخصصی منوط به تأیید رئیس دیوان شده است. در این خصوص **اولاً** منوط شدن اجرای دستور موقت صادره از شعب به تأیید رئیس دیوان سابقاً توسط شورای محترم نگهبان مغایر موازین شرع اعلام شده است^۱، **ثانیاً** این امر، عملاً دیوان عدالت اداری و قضات آن را به سازمان اداری تبدیل کرده و به جهت امکان بروز مصلحت‌سنجی‌های رئیس دیوان، مجرای سوءاستفاده از این اختیارات را تسهیل می‌نماید، ضمن آنکه با توجه به اختیارات

۱. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۲۴۳۱ مورخ ۱۳۹۰/۳/۴ «اطلاق اناطه دستور قضائی قاضی به تأیید رئیس دیوان عدالت اداری در ماده (۲۱)، خلاف موازین شرع است.»



وسیعی که به رئیس دیوان عدالت اداری داده شده است عملاً رئیس دیوان شخصاً قادر به اعمال کامل صلاحیت‌ها و اختیارات خود نمی‌باشد و این اختیارات را به معاونین خود تفویض می‌کند که این امر ایراد را واضح‌تر می‌کند. بنابراین حذف این تبصره مورد پیشنهاد است.

ماده (۲۴) - موضوع اصلاح ماده (۳۶)

هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده اصلاح شیوه صدور دستور موقت در موارد تقاضای ابطال مصوبه موضوع ماده (۱۲) قانون بوده که به جهت سابقه و آشنایی با پرونده‌ها و شکایات مطرح شده، مرجع صادرکننده دستور موقت را از شعبه بدوی به رئیس هیئت تخصصی و در غیاب وی، نایب‌رئیس هیئت تخصصی تغییر داده است. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۲۵) - موضوع اصلاح ماده (۳۹)

به دلیل آنکه مطابق ماده قبل، هیئت‌های تخصصی نیز صلاحیت صدور دستور موقت را دارند، عبارت «شعبه» به «مرجع» تغییر پیدا کرده است که تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.

ماده (۲۶) - موضوع اصلاح ماده (۴۰)

هرچند تغییر عبارت «شعبه» به «مرجع» به دلیل آنکه مطابق ماده (۲۴) این طرح، اختیار صدور دستور موقت برای هیئت‌های تخصصی نیز پیش‌بینی شده، مناسب ارزیابی می‌گردد اما همان‌گونه که ذیل ماده (۲۳) این طرح نیز ذکر گردید با عنایت به اینکه **اولاً** مطابق نظر شورای محترم نگهبان «ناطه دستور قضایی به تأیید رئیس دیوان» مغایر با موازین شرع است، **ثانیاً** به دلیل اختیارات گسترده رئیس دیوان و قابلیت تفویض اختیارات مذکور، تفویض آن به معاونین قضایی شائبه مصلحت‌سنجی و بروز سوءاستفاده را تقویت خواهد کرد، لذا اعطای اختیار موافقت با لغو دستور موقت به رئیس دیوان محل تأمل به نظر می‌رسد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی این ماده به شرح زیر اصلاح شود:

ماده (۲۶) - در ماده (۴۰) قانون عبارت «شعبه رسیدگی‌کننده» به عبارت «مرجع رسیدگی‌کننده ~~با موافقت رئیس دیوان~~» اصلاح می‌شود.

ماده (۲۷) - موضوع اصلاح ماده (۴۴)

در حال حاضر در صورت عدم ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه یا امتناع از ارسال آنها و موجه

نبودن دلایل مطرح شده توسط مأمورین دولتی، شعب دیوان می‌توانند مستنکف را به انفصال از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک‌سوم از حقوق و مزایا از سه ماه تا یک سال محکوم نمایند. با عنایت به اینکه در صورت صدور این حکم توسط شعبه بدوی، دادرسی منصفانه و عادلانه اقتضای امکان تجدیدنظرخواهی از آن را می‌نماید، ضروری است این آراء در شعب تجدیدنظر قابل رسیدگی باشند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد این ماده که احکام انفصال و کسر حقوق توسط شعب بدوی را قابل تجدیدنظرخواهی دانسته است به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۲۸) - موضوع اصلاح ماده (۴۵)

شاکی می‌تواند پس از تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری، نسبت به استرداد خواسته خود اقدام نماید، در صورتی که این استرداد، قبل از وصول پاسخ طرف شکایت باشد، شعبه دیوان اقدام به صدور قرار ابطال دادخواست می‌نماید. بنابراین با توجه به اینکه قرار ابطال دادخواست مانع طرح شکایت مجدد نمی‌باشد، این امر در عمل باعث ایجاد چالش‌هایی از جمله طرح شکایات متعدد و واهی و استرداد مکرر آن قبل از پاسخ طرف شکایت جهت تحت فشار قرار دادن دستگاه گردیده بود، لذا اصلاح این ماده با هدف محدود کردن امکان طرح دعوی در موارد استرداد شکایت قبل از وصول پاسخ است و تصویب آن در جهت رفع چالش‌های اجرایی پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۲۹) - موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۴۶)

هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده اصلاح قواعد مربوط به صرف نظر از دعوا و استرداد شکایت در مرحله تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری و آثار مترتب بر آن است و مقرر می‌نماید که در صورت استرداد شکایت در مرحله تجدیدنظر و قبل از صدور رأی، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر شده و تجدیدنظرخواهی مجدد قابل طرح نمی‌باشد. لذا تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۳۰) - موضوع اصلاح ماده (۴۸)

در حال حاضر در موارد عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری، برخی از شعب اقدام به صدور قرار رد نموده و برخی دیگر قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه صالح صادر می‌نمایند که این امر منجر به صدور آرای متشتت و متعارض از دیوان عدالت اداری شده است. از طرف دیگر هرچند درخصوص تعارض صلاحیت مراجع قضایی مطابق ماده (۱۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تعیین تکلیف شده است اما در مواردی که آرای دیوان مبتنی بر عدم صلاحیت به صلاحیت مراجع غیرقضایی بوده و مرجع غیرقضایی نیز خود را صالح به رسیدگی نداند، خلأ قانونی وجود دارد. مضاف بر آنکه صدور قرار عدم صلاحیت توسط دیوان عدالت اداری به جهت جنبه فرجامی و عالی بودن به صلاحیت مراجع



شبه قضایی موجه و منطقی به نظر نمی‌رسد. در همین راستا و همچنین در جهت کاهش اطاله دادرسی، ماده (۴۸) اصلاح گردیده و مقرر شده در مواردی که رسیدگی به شکایت در صلاحیت سایر مراجع قضایی باشد، شعبه دیوان مکلف است با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع قضایی مربوط ارسال نماید و در مواردی که رسیدگی به شکایت در صلاحیت مراجع غیرقضایی باشد، شعبه مکلف به صدور قرار رد شکایت و دلالت شاکی به مرجع صالح است. لذا پیشنهاد می‌گردد که این ماده به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۳۱) - موضوع اصلاح ماده (۵۳)

عناوین «ذی‌سمت» و «ذی‌نفع» از نظر حقوقی متفاوتند و آثار مترتب بر هریک از آنها در برخی موارد با هم فرق می‌کند. به عنوان مثال در مواردی که وراثت هنوز اقدام به انحصار وراثت ننموده‌اند، در خصوص شکایت مربوط به مطالبه حقوق متوقی از اداره، وراثت علی‌رغم داشتن نفع، در شکایت دارای سمت نمی‌باشند، لذا الحاق عبارت ذی‌سمت بودن منطقی بوده و تصویب آن نیز فاقد ایراد به نظر می‌رسد.

ماده (۳۲) - موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۵۵)

مطابق صدر ماده (۵۵) قانون فعلی، «هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعب دیوان برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوا ذی‌نفع بداند می‌تواند با تقدیم دادخواست وارد دعوا شود.» البته بدیهی است که مهلت تقدیم دادخواست ورود ثالث تا زمان «صدور رأی» می‌باشد و پس از آن شعبه نمی‌تواند به موضوع رسیدگی کند. با توجه به سکوت قانون در موارد تقاضای ورود ثالث و ارجاع پرونده به شعبه تجدیدنظر تبصره الحاقی نسبت به تعیین مرجع صالح در این خصوص مقرر نموده در صورتی که رأی صادره مورد تجدیدنظرخواهی قرار بگیرد، دادخواست ورود ثالث نیز به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌گردد و در غیر این صورت شعبه مکلف به صدور قرار رد دادخواست خواهد بود. بنابراین تبصره الحاقی مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۳۳) - موضوع اصلاح ماده (۵۷) و الحاق یک تبصره به آن

یکی از طرق فوق‌العاده اعتراض به رأی صادره، «اعتراض ثالث» است. درواقع با توجه به اینکه ممکن است رأی شعبه دیوان به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد کند و موجب تضییع حقوق وی شود، در این صورت، شخص ثالث که در هیچ‌کدام از مراحل دادرسی حضور نداشته است می‌تواند نسبت به رأی صادره ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع اعتراض نماید. مطابق قانون فعلی مشخص نیست که اولاً در صورتی که رأی قطعی از شعبه بدوی صادر شده باشد، آیا پس از رسیدگی توسط شعبه بدوی، اعتراض ثالث قابل

تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر می‌باشد یا خیر؟ ثانیاً در موارد رسیدگی به اعتراض ثالث آیا امکان صدور دستور موقت وجود دارد یا خیر؟

در همین راستا اصلاح صورت گرفته در صدر ماده که در مقام رفع تردید و اختلاف نظر در خصوص امکان رسیدگی شعب تجدیدنظر به اعتراض ثالث رسیدگی شده در شعبه بدوی می‌باشد مناسب ارزیابی شده و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

در خصوص تبصره الحاقی نیز پیش‌بینی امکان صدور دستور موقت در موارد اعتراض ثالث شایسته به نظر می‌رسد اما منوط نمودن صدور دستور موقت به موافقت رئیس دیوان، به جهت اینکه این امر سابقاً توسط شورای محترم نگهبان مغایر موازین شرع تشخیص داده شده و می‌تواند شائبه مصلحت‌سنجی را تقویت نماید، محل تأمل به نظر می‌رسد. بنابراین تصویب تبصره الحاقی به شرح زیر با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است:

«تبصره- در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود، شعبه رسیدگی‌کننده به اعتراض ثالث می‌تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان دستور توقف حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر نماید.»

ماده (۳۴) - موضوع اصلاح ماده (۶۰)

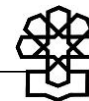
با توجه به صدور آرای بعضاً مشروط توسط شعب دیوان عدالت اداری و عدم تصریح به ضرورت مُنَجَز بودن رأی در قانون فعلی، هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده تصریح بر ضرورت مُنَجَز و غیر مشروط بودن آرای دیوان عدالت اداری در جهت تسهیل اجرای احکام می‌باشد که تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۳۵) - موضوع اصلاح ماده (۶۲)

ماده (۶۲) قانون فعلی در مقام بیان طرق ابلاغ آرای صادره از دیوان عدالت اداری است. این در حالی است که ابلاغ توسط «سامانه‌های الکترونیک ابلاغ قضایی» مورد تصریح واقع نشده است. بنابراین هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده توسعه دادرسی الکترونیکی بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۳۶) - موضوع اصلاح ماده (۶۳)

اصولاً در رسیدگی دیوان به شکایت از آرای مراجع اختصاصی اداری، چهار حالت متصور است که این ماده به تفصیل و در ۴ بند به صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به آرای چنین مراجعی می‌پردازد. بند «۱»- در صورتی که رأی مُعْتَرَضْ عَنْهُ فاقد ایراد باشد، دیوان رأی را تأیید نموده و در صورت وجود ایراد جزیی غیر مؤثر در رأی، آن را اصلاح می‌نماید.



بند «۲»- در مواردی که مراجع مذکور، بدون وجود موجبات رسیدگی، به موضوع رسیدگی کرده یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده باشد، یا مورد رسیدگی شده از موارد تخلف نباشد، دیوان پس از نقض رأی مُعترضِ عَنه، مبادرت به انشای رأی می‌نماید.

بند «۳»- در مواردی که مرجع رسیدگی‌کننده صلاحیت رسیدگی نداشته است، دیوان ضمن نقض رأی مُعترضِ عَنه، مرجع مربوط را موظف به ارسال پرونده به مرجع صالح می‌نماید.

بند «۴»- در صورتی که رأی مُعترضِ عَنه دارای ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر در رأی باشد، دیوان با ذکر دلایل و جهات نقض، پرونده را جهت رسیدگی مجدد به همان مرجع صادرکننده رأی ارسال می‌نماید که مرجع مزبور مکلف است با رعایت مفاد رأی دیوان عدالت اداری ظرف مدت دو ماه اقدام به صدور رأی نماید. البته در صورت شکایت مجدد از این رأی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی (شعبه تجدیدنظر) ارجاع شده و شعبه در صورتی که رأی را صحیح بداند آن را تأیید و در صورتی که واجد ایراد بداند، ضمن نقض رأی خود، اقدام به صدور رأی ماهوی می‌نماید.

با توجه به چالش اجرای احکام صادره از دیوان در بخش غیردولتی، قسمت آخر این ماده با حل این معضل، مقرر می‌نماید در صورتی که اجرای رأی ناظر به بخش غیردولتی بوده یا مستلزم انجام عملیات اجرایی در بخش غیردولتی باشد، اجرای رأی دیوان، تابع مقررات حاکم بر اجرای آرای هیئت‌ها و کمیسیون‌های مذکور بوده و در غیر این صورت تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام دیوان عدالت اداری است. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.

تبصره «۱»- پیشنهاد این تبصره به جهت آن است که تبصره «۲» ماده (۲) این قانون، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای مراجع اختصاصی اداری را مستقیماً در صلاحیت شعب تجدیدنظر قرار داده است. اما صرف‌نظر از اینکه این امر ممکن است به جهت مغایرت با بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی مبنی بر تبعیض ناروا مورد ایراد شورای محترم نگهبان واقع شود، با عنایت به اینکه از اصول ابتدایی دادرسی عالانه دومرحله بودن و امکان تجدیدنظرخواهی از آرای قضایی است، همچنین در قانون سال ۱۳۸۵ دیوان عدالت اداری رسیدگی در دیوان عدالت اداری یک‌مرحله‌ای بود که قانونگذار با پذیرش ایراد تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی در دیوان عدالت اداری، در سال ۱۳۹۲ اقدام به دومرحله‌ای کردن رسیدگی در دیوان عدالت اداری نمود و مصوبه حاضر نوعی بازگشت به تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی دیوان عدالت اداری در خصوص تصمیمات مراجع شبه‌قضایی به‌شمار می‌رود، بنابراین حذف این تبصره مورد پیشنهاد است.

تبصره «۲»- با توجه به اینکه مطابق بند «۴» این ماده، دیوان عدالت اداری با ذکر تمام دلایل و جهات، اقدام به نقض رأی و ارجاع پرونده به مرجع صادرکننده رأی می‌نماید و به‌عنوان مرجع قضایی و عالی، احکام وی برای مراجع تالی لازم‌الاتباع است و همچنین جهت جلوگیری از شکایت مجدد از آرای مذکور

و متعاقباً اطلاع دادرسی، این تبصره مقرر نموده است عدم تصمیم‌گیری مراجع مذکور در مهلت مقرر (دو ماه) و عدم رعایت مفاد رأی دیوان موجب اعمال مجازات استنکاف خواهد بود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد این تبصره به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۳۷) - موضوع اصلاح ماده (۶۴)

در حال حاضر، شعب دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به اعتراضات از آرای مراجع تشخیصی که که تشخیص موضوعات گزینشی، امنیتی، تخصصی و فنی در صلاحیت آنها می‌باشد را برعهده دارند. درواقع نظارت قضایی دیوان از جهت «رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرایند» و «تشخیص موضوع» می‌باشد که از بزرگ‌ترین دستاوردهای نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و مورد تأیید و تحسین حقوقدانان قرار گرفته و اقتضای نظارت قضایی کامل بر قدرت عمومی نیز همین است. اما کمیسیون محترم اقدام به حذف امکان نظارت قضایی بر صلاحیت تشخیصی مراجع مذکور نموده و صلاحیت دیوان عدالت اداری را صرفاً محدود به رعایت فرایند شکلی تصمیمات این مراجع نموده است که خود نوعی گام به عقب به‌شمار می‌رود. بر این اساس در صورتی که تصمیم این مراجع از نظر شکلی مواجه با ایراد نباشد ولی از نظر ماهوی خلاف قانون یا شرع باشد دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال تصمیم خلاف قانون یا شرع را نخواهد داشت. بدیهی است مستفاد از اصل سی‌وچهارم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی کلیه تصمیمات و اقدامات مقامات و دستگاه‌های دولتی باید قابل نظارت قضایی باشد. بنابراین با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی، اصلاح این ماده به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«ماده (۶۴) - در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم‌الاجرا، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به‌عهده کمیسیون یا هیئت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرایند بررسی آن براساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیئت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء رأی نماید. رسیدگی به این موارد مشمول ماده (۶۳) این قانون می‌باشد.»

ماده (۳۸) - موضوع اصلاح ماده (۶۶)

با توجه به اینکه در ماده (۱۸) این طرح، طرق پذیرش تجدیدنظرخواهی به‌صراحت ذکر گردیده است لذا حذف صدر ماده از جهت عدم تکرار و اختصار می‌باشد و تصویب آن مورد پیشنهاد است.



ماده (۳۹) - موضوع اصلاح ماده (۶۷) و تبصره آن

هرچند در ماده (۶۷) قانون فعلی، شرایط دادخواست تجدیدنظر ذکر شده است، اما اولاً لزوم ذکر «مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخوانده» در دادخواست تجدیدنظر مورد غفلت مقنن واقع شده بود و این امر باعث بروز مشکلاتی در امر تجدیدنظرخواهی گردیده بود. ثانیاً لزوم تبادل لوایح در کلیه موارد در مرحله تجدیدنظر، باعث اطاله فرایند رسیدگی و صدور رأی شده بود که ضروری بود در موارد وجود آرای وحدت رویه (ماده (۸۹)) و ایجاد رویه (ماده (۹۰)) و صدور قرار رد بدون نیاز به تبادل لوایح، شعبه تجدیدنظر بتواند اقدام به صدور رأی نماید. بر همین اساس پیشنهاد می‌گردد این ماده و تبصره آن که در جهت رفع خلأهای مذکور پیش‌بینی شده است مورد تصویب قرار گیرد.

ماده (۴۰) - موضوع اصلاح ماده (۷۲) و الحاق دو تبصره به آن

در موارد تجدیدنظرخواهی از قرار رد صادره از شعبه بدوی، شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار صادره را از موارد قرار رد تشخیص ندهد، قرار را نقض و پرونده را به شعبه بدوی جهت رسیدگی ماهوی ارجاع می‌نماید. در این موارد شعبه بدوی مکلف به تبعیت از نظر شعبه تجدیدنظر و صدور حکم می‌باشد، اما ممکن است در مواردی امری حادث گردد که شعبه بدوی نتواند به‌صورت ماهوی رسیدگی نماید، شعبه مذکور می‌تواند قرار مقتضی صادر کند. به‌عنوان مثال قاضی شعبه بدوی به جهت عدم ذی‌نفعی، قرار رد شکایت صادر می‌نماید و شعبه تجدیدنظر با احراز ذی‌نفعی، پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به شعبه بدوی ارجاع می‌کند، اما در این خلال اصولاً رسیدگی به دعوی از صلاحیت دیوان خارج شده و یا اینکه موجبات رسیدگی به شکایت منتفی می‌گردد، که در این خصوص لازم است شعبه بدوی نسبت به صدور قرار اقدام نماید و عملاً نمی‌تواند در این خصوص حکم صادر کند.

بنابراین هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده و الحاق دو تبصره به آن، اصلاح و تبیین موضوع صدور رأی در مرحله تجدیدنظر پس از صدور قرار رد توسط شعبه بدوی بوده که در راستای کاهش اطاله دادرسی و اختلافات بین شعب بدوی و تجدیدنظر پیشنهاد گردیده است و تصویب آن مناسب به‌نظر می‌رسد.

ماده (۴۱) - موضوع اصلاح ماده (۷۹) و الحاق یک تبصره به آن

- با اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی صادره از شعب، توسط رئیس دیوان یا رئیس قوه قضائیه، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه تجدیدنظر هم‌عرض ارجاع خواهد شد، لذا جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، این ماده شعب را مکلف نموده تا خارج از نوبت به پرونده رسیدگی نمایند که تصویب آن ضروری به‌نظر می‌رسد.

- در خصوص تبصره الحاقی نیز به جهت آنکه در این صورت، رأی در حالت مراعی می‌باشد و حداقل ظن مغایرت بین قانون یا شرع بودن وجود دارد، لذا در تبصره «۲» اختیار دستور تعویق اجرای حکم تا صدور رأی مجدد به رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان اعطا شده تا در این صورت از تضییع حقوق عامه و بیت‌المال جلوگیری گردد. اما به نظر می‌رسد اعطای اختیار تعویق اجرای رأی به رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت شائبه تبعیض و مصلحت‌سنجی در برخی از آرا را خواهد داشت و لازم است که اجرای این آرا به صورت مطلق تا زمان صدور رأی جدید متوقف گردند. بنابراین اصلاح تبصره مذکور با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«تبصره «۲» - در صورت تشخیص خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری، اجرای آن تا صدور رأی نهایی متوقف می‌گردد».

در همین راستا و با عنایت به اضافه شدن این تبصره به ماده (۷۹) و جهت رفع تعارض موجود در متن قانون پیشنهاد می‌گردد ماده (۱۱۳) نیز رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی به شرح زیر اصلاح گردد:

«ماده (۱۱۳) - طرح مجدد پرونده در موارد اعلام اشتباه قاضی و یا خلاف بین شرع یا قانون، مانع از اجرای حکم قطعی دیوان نیست مگر آن که شعبه رسیدگی‌کننده قرار توقف اجرای حکم را صادر نماید».

ماده (۴۲) - موضوع اصلاح ماده (۸۰) و الحاق دو تبصره به آن
در حال حاضر تقاضای ابطال مصوبات دولتی با تقدیم درخواست به دیوان خواهد بود. اما با توجه به آثار متفاوت «درخواست» از «دادخواست» و تسهیل رسیدگی و ابلاغ رأی، عبارت درخواست به دادخواست تغییر یافته است که مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

تبصره‌های «۲» و «۳» الحاقی نیز در راستای شفافیت در دادخواست‌های تقدیمی و مستند بودن آنها و همچنین دقت در طرح شکایت جهت سرعت در رسیدگی و جلوگیری از طرح شکایت با دلایل واهی انجام شده است که پیشنهاد می‌گردد این دو تبصره به تصویب نمایندگان محترم برسد.

مواد (۴۳، ۴۴ و ۴۵) - موضوع اصلاح مواد (۸۱، ۸۲ و ۸۳)
با توجه به اصلاح ماده (۸۰) و همچنین تفاوت آثار «درخواست» و «دادخواست» اصلاح صورت گرفته در موارد مذکور و ابهام موجود در قانون فعلی، عبارت «درخواست» در مواد (۸۱) و (۸۲) و (۸۳) به «دادخواست» تغییر یافته که مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.



ماده (۴۶) - موضوع اصلاح ماده (۸۴)

- در حال حاضر هیئت‌های تخصصی به‌عنوان رکن مشورتی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به‌شمار رفته و در اغلب موارد، رسیدگی در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منوط به رسیدگی قبلی در هیئت‌های تخصصی می‌باشد، با توجه به کثرت دعاوی مطروحه و طولانی شدن رسیدگی و ابطال مصوبات مورد شکایت، بند «الف» این ماده در خصوص ابطال مصوبات، آرای هیئت‌های تخصصی را قطعی مقرر نموده و تبصره آن تصریح داشته است که آرای مذکور ظرف یک‌ماه از تاریخ صدور، قابل اعتراض در هیئت عمومی باشند که اقدامی شایسته به‌نظر می‌رسد و بنابراین تصویب بند «الف» و تبصره ذیل آن پیشنهاد می‌گردد.

- در خصوص آرای «وحدت رویه» و «ایجاد رویه» با توجه به آثار مترتب بر این آرا، ازجمله عدم لزوم تبادل لوایح در این موارد و شأن قانونی بودن آنها، بند «ب» مقرر داشته است که در این موارد هیئت عمومی به‌عنوان مرجع نهایی صدور رأی تعیین گردیده و نظر هیئت‌های تخصصی در این زمینه مشورتی خواهد بود که پس از اعلام نظر، آن را به هیئت عمومی ارسال می‌نمایند. بنابراین تصویب این بند نیز مورد پیشنهاد است.

- مطابق بند «پ» و تبصره آن، در مواردی که رئیس دیوان یا بیست نفر از اعضای هیئت عمومی آرای صادره از هیئت عمومی یا هیئت‌های تخصصی را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهند، این امر ابتدا در هیئت‌های تخصصی بررسی شده و هیئت‌های تخصصی مربوطه نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی ارسال خواهند نمود. البته رئیس دیوان عدالت نیز می‌تواند در موضوعات تخصصی نسبت به اخذ نظریه مشورتی از هیئت‌های تخصصی اقدام نماید. بنابراین پیشنهاد می‌گردد بند «پ» نیز به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۴۷) - موضوع اصلاح ماده (۸۵) و الحاق دو تبصره به آن

موضوع این ماده در خصوص صدور قرار رد دادخواست نسبت به خواسته‌هایی است که موضوعاً منتفی است. این ماده اولاً به جهت ضابطه‌مند کردن موارد تقاضای ابطال مصوبات، شیوه تقاضای ابطال را دارای تشریفات خاص و الزاماً تقدیم دادخواست نموده است. ثانیاً صلاحیت صدور قرار رد دادخواست توسط رئیس دیوان نسبت به تصمیمات موردی و فاقد قاعده آمره را جهت تسریع در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی، به ماده اضافه نموده است. لازم به ذکر است جهت جلوگیری از سوءاستفاده از این ماده از طریق استرداد دادخواست ابطال و غیرقابل شکایت نمودن آن، دو تبصره به ماده الحاق گردیده که مقرر می‌دارد در مواردی که ۱. شورای محترم نگهبان نظریه خویش مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع را اعلام نماید دادخواست قابل استرداد نخواهد بود. همچنین ۲. رئیس دیوان عدالت در صورتی که مصوبه مورد شکایت را خلاف قانون یا شرع تشخیص دهد، می‌تواند رسیدگی به موضوع را ادامه دهد. بنابراین

اصلاح این ماده و الحاق تبصره‌های مذکور، گامی مثبت جهت حمایت از حقوق عامه و رفع چالش سوءاستفاده از این ماده بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۴۸) – موضوع اصلاح ماده (۸۷)

در حال حاضر مصوباتی که مورد شکایت واقع شده‌اند و شکات، متقاضی رسیدگی به مغایرت آنها با شرع هستند، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌گردد و نظر فقهای شورا در این خصوص برای دیوان لازم‌الایتناب است. اما با توجه به شکایات متعدد و لزوم تتبع فقهی مصوبات مورد شکایت از حیث مغایرت یا عدم مغایرت با شرع بعضاً بررسی آن در شورای نگهبان بسیار زمان می‌برد که منجر به اطاله دادرسی می‌گردد. از طرف دیگر ممکن است مصوبات هم از حیث مغایرت با قانون و هم از حیث مغایرت با شرع مورد شکایت واقع شده و دیوان آن را مغایر قانون بداند، اما تا زمان دریافت نظر شورای محترم نگهبان نمی‌تواند اقدام به صدور رأی نماید که این امر نیز منجر به اطاله دادرسی خواهد شد. در همین زمینه به جهت تنوع موضوعات و مصوبات معترض‌عنه لازم است که قبل از بررسی موضوع در شورای نگهبان، ابعاد موضوع در کارگروه‌های تخصصی شورا مورد بررسی قرار بگیرد تا تصمیم متقنی نسبت به آن اتخاذ شود، بنابراین این ماده و تبصره‌های آن با تفصیل کیفیت ارسال مصوبات و مقررات مورد شکایت به شورای نگهبان در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی و همچنین تقویت ائتمان آرای صادره به مصوب شده است، مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۴۹) – موضوع اصلاح ماده (۸۹)

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، صلاحیت صدور رأی وحدت رویه را برای هیئت عمومی به رسمیت شناخته است که هیئت عمومی مکلف به اعلام رأی صحیح از بین آرای متعارض می‌باشد. اما در برخی موارد علی‌رغم تعارض آرای موجود، هیچ‌کدام از آنها صحیح نبوده و هیئت عمومی نیز امکان انشای رأی صحیح را ندارد. ازسوی دیگر در برخی موارد پس از صدور آرای وحدت رویه ازسوی هیئت عمومی، دستگاه‌ها و مأمورین دولتی اقدام به وضع مصوبه برخلاف آرای مذکور می‌نمودند که صرف‌نظر از مغایرت مقررات مزبور با قانون، رسیدگی و ابطال آنها به طول انجامیده و منجر به تضییع حقوق عمومی می‌گردید که لازم بود تا مقرر شود که این آرا صرفاً با تصویب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر قابل نسخ هستند. بنابراین این ماده به جهت حل این دو چالش مناسب ارزیابی می‌شود. اما با توجه به اینکه طرح آرای متعارض در هیئت عمومی را از صلاحیت اختیاری رئیس دیوان عدالت اداری، تلقی گردد و این امر می‌تواند منجر به مصلحت‌سنجی در عمل شده و از طرح آرای متعارض در دیوان استنکاف نمایند، پیشنهاد می‌گردد با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی این ماده به شرح زیر اصلاح گردد:



«ماده (۸۹) - هرگاه به تشخیص رئیس دیوان در موضوعات مشابه به علت استنباط متفاوت از قوانین و مقررات، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، وی مکلف است دستور بررسی آن را جهت صدور رأی وحدت رویه صادر نماید. هیئت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض، با اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی وحدت رویه اقدام می نماید. در صورتی که هیئت عمومی آرای موضوع تعارض را غیر صحیح تشخیص دهد، نظر صحیح را با صدور رأی وحدت رویه اعلام می کند. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری و همچنین برای هیئت های تخصصی و هیئت عمومی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند «۱» ماده (۱۲) این قانون در ارتباط با آن موضوع لازم الاتباع است. اثر آرای وحدت رویه نسبت به آینده است لیکن در مورد احکامی که در رأی هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده است شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً به پرونده رسیدگی نکرده است، ارجاع می شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی مطابق رأی وحدت رویه است. آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بلا اثر می شود».

ماده (۵۰) - موضوع اصلاح ماده (۹۰)

همان گونه که ذکر شد، هیئت عمومی تنها می تواند از بین آرای مشابه در صورتی که آنها را صحیح تشخیص دهد اقدام به صدور آرای ایجاد رویه نماید. اما در برخی موارد علی رغم تشابه آرای موجود، هیچ کدام از آنها کامل و صحیح نبوده و هیئت عمومی نیز امکان تغییر محتوا و انشای رأی صحیح را ندارد. بر همین اساس، این ماده مقرر می نماید که در صورت اعلام تشابه آرا، هیئت عمومی در صورت عدم صحت آرای مشابه، رأساً اقدام به انشای رأی صحیح نموده و از این جهت از طرح شکایات لاحق پیشگیری خواهد شد. از سوی دیگر با عنایت به اینکه مطابق ماده (۳۹) این طرح، در مرحله تجدیدنظر در صورت وجود آرای ایجاد رویه، تبادل لوایح صورت نخواهد گرفت، تبصره ماده حذف شده که شایسته به نظر می رسد. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می گردد.

ماده (۵۱) - موضوع اصلاح ماده (۹۱)

در ماده (۸۴) قانون فعلی دیوان، اعتراض به آرای هیئت های تخصصی مقید به زمان بوده و با گذشت زمان مزبور قابل نقض و اصلاح نمی باشد، از این جهت می تواند منجر به نقض حقوق عمومی شود، لذا

ماده حاضر متعاقب اصلاح ماده (۸۴) قانون فعلی به موجب ماده (۴۶) طرح، در جهت حذف مرور زمان اعتراض به آرای هیئت‌های تخصصی، رسیدگی مجدد به آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی را منوط به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری یا بیست نفر از اعضای هیئت عمومی دانسته است که منطقی و در راستای جلوگیری از نقض حقوق شهروندان به نظر می‌رسد. لذا تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.

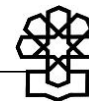
ماده (۵۲) – موضوع اصلاح ماده (۹۲)

مطابق ماده (۹۲) قانون فعلی، در صورت ابطال مصوبه توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی الزامی است و در صورت تصویب مصوبه، خارج از نوبت، هیئت عمومی به مصوبه رسیدگی و آن را ابطال خواهد نمود. اما با توجه به اینکه اولاً مطابق ماده (۴۶) این طرح، هیئت‌های تخصصی نیز واجد صلاحیت ابطال می‌باشند، ثانیاً در قانون فعلی هیچ‌گونه ضمانت اجرا در صورت تصویب مصوبه مغایر تعیین نشده است و وضع ضمانت اجرا در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد، ثالثاً لازم است برای جلوگیری از سوءاستفاده مراجع مربوطه، ابطال مصوبه مغایر از زمان تصویب باشد، این ماده پیشنهاد شده و بر این اساس شایسته است اصلاح پیشنهادی ماده (۹۲) در راستای تقویت ضمانت اجرای آرای صادره در دیوان و صیانت از حقوق عامه، به تصویب نمایندگان محترم برسد.

ماده (۵۳) – موضوع اصلاح ماده (۹۳)

مطابق این ماده آرای هیئت عمومی در ابطال و عدم ابطال مصوبات و همچنین آرای هیئت‌های تخصصی در عدم ابطال مصوبات در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری معتبر و ملاک عمل است. اما مسئله‌ای که در این رابطه وجود دارد آن است که الزام مراجع قضایی به تبعیت از آرای عدم ابطال مصوبات در هیئت عمومی صائب نیست چراکه اولاً مراجع قضایی مطلق بوده و دادگاه‌های دادگستری را نیز شامل می‌شود، لذا الزام دادگاه‌های دادگستری به تبعیت از آرای هیئت عمومی و هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری مغایر اطلاق اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی^۱ به نظر می‌رسد. ثانیاً مراجع قضایی اعم از هیئت عمومی و هیئت تخصصی دیوان است و از این حیث محدود نمودن هیئت عمومی به آرای سابق خویش با وجود اختیار اعمال ماده (۹۱) نیز مغایر منطق حقوقی است. ثالثاً ممکن است جهت رسیدگی در هیئت عمومی با جهت رسیدگی در مراجع قضایی متفاوت باشد و این امر منجر به اطاله دادرسی گردد که مغایر

۱. اصل (۱۷۰) قانون اساسی «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».



بند «۱۱» سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۱ مقام معظم رهبری^۱ به‌نظر می‌رسد. لذا اصلاح این ماده به شرح زیر با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است:

«ماده (۹۳) - آرای هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی در ابطال و عدم ابطال مصوبات موضوع بند «۱» ماده (۱۲) این قانون، در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری معتبر و ملاک عمل خواهد بود.»

ماده (۵۴) - موضوع اصلاح ماده (۹۵)

اصلاح این ماده از این جهت است که **اولاً** مفاد آن به ماده (۵۸) طرح موضوع اصلاح ماده (۱۰۹) انتقال یافته است، **ثانیاً** اصلاح صورت گرفته نیز در راستای تعیین ضمانت اجرای آرای وحدت رویه و ایجاد رویه صادره از هیئت عمومی می‌باشد تا از این جهت از طرح شکایات جدید و مشابه پس از صدور آرای مذکور جلوگیری شود، بنابراین اصلاح صورت گرفته مناسب ارزیابی و تصویب این ماده نیز مورد پیشنهاد است.

ماده (۵۵) - موضوع اصلاح ماده (۹۷) و تبصره آن و الحاق یک تبصره به آن

در حال حاضر آرای هیئت عمومی توسط رئیس دیوان یا یکی از اعضای هیئت عمومی به انتخاب رئیس دیوان، انشا می‌گردد. بنابراین با توجه به اینکه مطابق ماده (۵) این طرح، رئیس دیوان می‌تواند وظایف خود را به معاونین تفویض نماید، اصلاح صورت گرفته در ماده در همین راستا و برای پرهیز از حشو بوده و لذا تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

درخصوص تبصره «۱» نیز باید اشاره کرد که مطابق قانون فعلی، اصلاح و ابلاغ آرای هیئت عمومی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است، بر این اساس کمیسیون محترم با تفصیل موضوع، مطابق تبصره «۱» اصلاح و رفع ابهام از آرای هیئت عمومی را در صلاحیت هیئت عمومی و اصلاح و رفع ابهام از آرای هیئت‌های تخصصی را در صلاحیت همان هیئت تخصصی مقرر نموده است که تصویب آن مورد پیشنهاد است. البته این تبصره دارای ایراد نگارشی بوده و لازم است با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی عبارت «همان خود آنها» به عبارت «همان هیئت‌ها» تغییر یابد.

در مورد تبصره «۲» نیز مقرر شده است که کلیه آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر گردد، این امر هرچند اقدامی مثبت به‌نظر می‌رسد، اما با توجه به عدم تعیین مهلت جهت انتشار می‌تواند منجر به سوءاستفاده در اجرا گردد. در همین خصوص لازم به ذکر است که ریاست دیوان عدالت اداری علی‌رغم صدور دادنامه شماره ۱۸۳ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ نسبت به انتشار آن در روزنامه رسمی اقدام نکرد. بنابراین اصلاح تبصره مذکور به شرح زیر با رعایت

۱. بند «۱۱» «اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرایند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود و بهره‌مندی از حقوق شهروندی در مراجع قضایی».

تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مورد پیشنهاد است:

«تبصره ۲» - کلیه آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی حداکثر ۱۵ روز پس از صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر می‌شود.

ماده (۵۶) - موضوع اصلاح ماده (۱۰۳)

در حال حاضر مطابق ماده (۱۰۳) صرفاً در موارد اعاده دادرسی، شعبه رسیدگی کننده می‌تواند دستور موقت توقف اجرای حکم را صادر نماید. بدیهی است که این امر پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی بوده و منوط به عدم اجرای رأی و احراز ضرورت و فوریت امر است. اما در موارد اعلام اشتباه رأی موضوع مواد (۷۴) و (۷۵) و اعلام مغایرت خلاف بین شرع و قانون بودن رأی موضوع ماده (۷۹) نیز ممکن است ضرورت و فوریت امر، اقتضای توقف اجرای حکم را نماید که مطابق این ماده این امر به شعبه صادرکننده رأی تفویض شده است. ولی با عنایت به اینکه مطابق ماده (۴۱) این طرح، طبق پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها و جهت جلوگیری از سوءاستفاده اجرایی، کلیه آرای که مغایر شرع یا قانون اعلام شده‌اند، تا زمان صدور رأی جدید متوقف خواهد شد. پیشنهاد می‌گردد این ماده با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی به شرح زیر اصلاح گردد:

«ماده (۵۶) - ماده (۱۰۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده (۱۰۳) - شعبه رسیدگی کننده به موارد موضوع مواد (۷۴)، (۷۵) و (۹۸) این قانون می‌تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد رسیدگی را صادر کند».

ماده (۵۷) - موضوع اصلاح ماده (۱۰۸)

با عنایت به اینکه اولاً مطابق ماده (۱۰۷) قانون فعلی کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) مکلفند آرای دیوان را به فوریت پس از ابلاغ به اجرا گذارند و از این امر، تقید اجرای رأی به ارسال آن نزد اجرای احکام مستفاد نمی‌گردد و ثانیاً منوط نمودن اجرای آرا به ارسال آن نزد اجرای احکام و پیگیری آن توسط اجرای احکام، موجب ارسال همه پرونده‌های واجد «حکم به ورود شکایت» به اجرای احکام و متعاقباً انباشت آنها شده است، در حالی که نتیجه بسیاری از آرا صرفاً اعلامی بوده و جنبه اجرایی ندارد و اقدامی توسط دستگاه اجرایی متصور نیست. لذا تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

ماده (۵۸) - موضوع اصلاح ماده (۱۰۹)

برخی از آرای هیئت عمومی مانند آرای ابطالی مستلزم عملیات اجرایی نیست، مضاف بر آنکه مطابق ماده (۹۵) قانون فعلی اعلام قابلیت اجرایی داشتن آرای هیئت عمومی برعهده دفتر هیئت عمومی



گذاشته شده بود که مطابق ماده (۵۴) این طرح، حذف گردید. لذا به جهت ضرورت مشخص شدن مرجع تشخیص لزوم عملیات اجرایی و همچنین رفع چالش اجرای احکام مطابق این ماده اولاً مرجع تشخیص لزوم یا عدم لزوم عملیات اجرایی برای اجرای آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی رئیس دیوان مقرر گردیده است. ثانیاً ضمانت اجرای عدم اجرای آرای مذکور مشخص گردیده است. لذا تصویب این ماده مناسب و مورد پیشنهاد است.

ماده (۵۹) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۰) و تبصره آن

هرچند هدف از اصلاح این ماده، لزوم ارجاع موارد رسیدگی به استنفکاف در شعب تجدیدنظر بوده است، اما با عنایت به اینکه کماکان مطابق این ماده، در صورت استنفکاف، رئیس دیوان مکلف است پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع نماید و شعبه صادرکننده رأی قطعی اعم از شعب بدوی و تجدیدنظر می‌باشد، لذا اصلاح صورت‌گرفته با مواد (۱۵) و (۱۱۲) این قانون متعارض خواهد بود. لذا عدم تصویب اصلاح صورت‌گرفته در صدر این ماده مورد پیشنهاد است و پیشنهاد می‌گردد متن ماده با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی به شرح زیر اصلاح گردد:

«صدر ماده (۱۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده (۱۱۰) - واحد اجرای احکام دیوان موظف است اقدامات لازم را جهت اجرای احکام دیوان به عمل آورد و در صورت استنفکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، مراتب را به رئیس دیوان گزارش نماید».

درخصوص اصلاح تبصره نیز، هدف از اصلاح صورت‌گرفته، تعیین صلاحیت «شعب تجدیدنظر» در رسیدگی به استنفکاف مسئولین مربوطه در موارد «عدم ارسال پاسخ در موعد مقرر»، «عدم اجرای دستور موقت» و «عدم ارسال اسناد مورد مطالبه» می‌باشد که با عنایت به اینکه انفصال و محرومیت از حقوق اجتماعی از شدیدترین مجازات‌های اداری است، ضروری است در صلاحیت شعب تجدیدنظر قرار گیرد. لذا تصویب این تبصره مورد پیشنهاد است.

ماده (۶۰) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۱) و الحاق یک بند و یک تبصره به آن

- تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده است و از این جهت تصویب آن مورد پیشنهاد است.

- درخصوص بند «۵» الحاقی نیز لازم به ذکر است که الحاق این بند درواقع در راستای تضمین و صیانت از حقوق شهروندی بوده و مقرر می‌نماید در صورت انقضای مهلت یک‌ساله و عدم اجرای رأی توسط دستگاه محکوم‌علیه، سازمان برنامه و بودجه مکلف است ظرف ۳ ماه محکوم‌به را از حساب محکوم‌علیه کسر و به

حساب محکوم‌له واریز نماید. شایان ذکر است مفاد این بند عیناً مفاد بند «ج» ماده (۲۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ می‌باشد و تکرار این بند در این قانون جهت جلوگیری از تغییر و اصلاح آن بوده است. بنابراین تصویب این بند پیشنهاد می‌گردد.

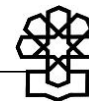
- تبصره الحاقی به ماده (۱۱۱) در راستای جلوگیری از بی‌ثباتی در اجرای احکام و حذف تشریفات آن و تسریع در اجرای احکام صادره و همچنین صیانت از حقوق شهروندی و تحقق اجرای کامل رأی توسط دستگاه محکوم‌علیه می‌باشد و بر این اساس در این ماده پیش‌بینی شده است که با تشخیص قاضی اجرای احکام، قرار خاتمه اجرای حکم صادر می‌شود و محکوم‌له در صورت عدم اجرای کامل دادنامه می‌تواند پس از یک‌ماه از صدور قرار صادره به دیوان اعتراض نماید. بنابراین تصویب این ماده مناسب و مورد پیشنهاد است.

ماده (۶۱) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۲)

مطابق ماده (۱۴) این مصوبه، به جهت حساسیت استنکاف و حکم به انفصال، اختیار انفصال مستنکف از شعب بدوی صادرکننده رأی قطعی سلب گردیده است و لذا اعطای آن به شعبه تجدیدنظر فاقد ایراد به نظر می‌رسد. مضاف بر آنکه الحاق عبارت «اعلام به مراجع نظارتی مربوط» به جهت آنکه در پاره‌ای از موارد، امکان اعمال مجازات انفصال یا محرومیت از حقوق اجتماعی وجود ندارد منطقی به نظر می‌رسد و از این حیث نیز تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

ماده (۶۲) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۶)

یکی از مواردی که موجب توقف اجرای حکم می‌گردد «اعتراض ثالث اجرایی» نسبت به رأی صادره است. در این مورد که اجرای حکم از اختیار محکوم‌علیه خارج است و مرجع مذکور در جریان دادرسی وارد نشده است ظرف مدت یک‌ماه می‌تواند به رأی صادره اعتراض نماید و دیوان مکلف به رسیدگی است. اما نکته‌ای که در عمل به‌وجود آمده بود، عدم اعتراض به رأی توسط مرجع ثالث از یک‌سو و عدم اجرای رأی توسط وی ازسوی دیگر بود. بر این اساس و در راستای تقویت ضمانت اجرای آرای صادره، مطابق اصلاح صورت گرفته در این ماده، مقرر شده است که مرجع ثالث در صورت عدم اعتراض در مهلت یک‌ماهه مکلف به اجرای رأی بوده و در صورت عدم اجرا و استنکاف مشمول ماده (۱۱۲) این قانون خواهد بود. لذا اصلاح مذکور در راستای تضمین حقوق شهروندی مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.



ماد (۶۳) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۷)

تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده است و از این جهت تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۶۴) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۸)

مطابق این ماده، مفاد ماده (۱۱۸) حذف گردیده است که این امر منطقی به نظر نمی‌رسد، چراکه ماده مزبور در مقام پیش‌بینی ضمانت اجرای تخلف از دستورات واحد اجرای احکام بوده و در مواردی ممکن است واحد اجرای احکام نیاز به ارسال اسناد، ارسال میزان مطالبات و... داشته باشد که در این صورت دستگاه‌های مزبور باید مکلف به تبعیت از تصمیمات واحد اجرای احکام باشند. بنابراین عدم تصویب این ماده مورد پیشنهاد است. همچنین پیشنهاد می‌گردد با رعایت تشریفات مندرج در آیین‌نامه داخلی مفاد ماده پیشنهادی به‌عنوان ماده (۱۲۰) به این قانون اضافه گردد:

«ماده (۱۲۰) - رئیس دیوان عدالت اداری جهت کاهش شکایات و پیشگیری از وقوع تخلفات، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

۱. در مواردی که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان، ایرادات و نواقصی در قوانین و مقررات مشاهده شود که منشأ طرح شکایت در دیوان شده است، پیشنهادهای اصلاحی خود را حسب مورد، به رئیس‌جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا دیگر مراجع ذی‌ربط واضح مقررات ارائه می‌نماید.

۲. اقدامات و تدابیر پیشگیرانه مناسب را جهت کاهش موجبات طرح شکایت در دیوان با همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوط در چارچوب قانون به‌عمل می‌آورد».

ماده (۶۵) - موضوع اصلاح ماده (۱۱۹)

تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده است و از این جهت تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۶۵) - موضوع اصلاح ماده (۱۲۰)

مطابق این ماده، مفاد ماده (۱۲۰) قانون فعلی حذف گردیده است که به جهت انتفای موضوع و انحلال شعب تشخیص امری منطقی به نظر می‌رسد. اما مطابق موارد الحاقی، رئیس دیوان عدالت اداری جهت حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن مکلف به تعیین یکی از معاونین قضایی خویش به‌عنوان معاون امور حقوق عامه شده است که واجد صلاحیت طرح شکایت در شعب دیوان و درخواست ابطال

مصوبات مغایر با قانون در هیئت عمومی شده است.

در حقیقت دیوان عدالت اداری از یک سو به عنوان تضمین کننده حقوق شهروندان در مقابل قدرت عمومی، بر تصمیمات و اقدامات نهادها و دستگاه‌های استفاده کننده از قدرت عمومی نظارت می کند و از سوی دیگر طرح شکایت در دیوان عدالت اداری منوط به شرط «ذی نفع بودن» در موضوع شده است؛ شرطی که براساس تفسیری مضیق و مبتنی بر مبانی حقوق خصوصی از ذی نفع بودن در دیوان عدالت اداری موجب شده است، تا نتوان نسبت به بسیاری از موضوعات متضمن نفع عمومی به جهت عدم وجود ذی نفع به معنای خاص، در دیوان عدالت اداری طرح دعوا کرد، بنابراین پیش بینی امکان شکایت از تصمیماتی که ذی نفع خاص ندارند ولی مضر به مصالح و منافع عمومی هستند ضروری است، اما تفویض آن به رئیس دیوان عدالت اداری و مشخص نمودن یکی از معاونین وی جهت این امر منطقی به نظر نمی رسد چرا که با توجه به یکی شدن مرجع شکایت و رسیدگی به موضوع برخلاف اصول دادرسی عادلانه است. لازم به ذکر است که چنین تصمیمی در ایجاد دادگاه های عمومی نیز اتخاذ شد که بعد از ۱۰ سال به ایجاد نظام تفکیک دادستان از مرجع رسیدگی منجر شد. بنابراین با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری و سیاست های قوه قضائیه و در راستای برنامه تحول قوه قضائیه و احیای حقوق عامه، پیشنهاد می گردد با ایجاد نهاد دادستان دیوان عدالت اداری، صلاحیت های مذکور در اختیار دادستان دیوان عدالت اداری قرار گیرد. لازم به ذکر است که سابقاً در مجلس دهم این امر در کمیسیون محترم حقوقی و قضایی به تصویب رسیده که پس از تشکیل مجلس جدید مجدداً در دستور قرار گرفته و از این قانون حذف شده است. بنابراین اصلاح ماده مزبور در قالب ماده (۷) مکرر با رعایت تشریفات مندرج در آیین نامه داخلی به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

«ماده (۷) مکرر - به منظور حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن در حدود صلاحیت دیوان، دادستان دیوان عدالت اداری از بین قضات دارای حداقل پانزده سال سابقه قضایی با پیشنهاد رئیس دیوان و با حکم رئیس قوه قضائیه انتخاب می شود و وظایف و اختیارات زیر را با استفاده از امکانات موجود برعهده خواهد داشت:

۱. طرح شکایت از اقدامات و تصمیماتی که موجب تضییع حقوق عامه می شود نزد شعب دیوان و حسب مورد تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای مذکور.
- تبصره - رعایت تشریفات تنظیم دادخواست از حیث ثبت بر روی برگه های مخصوص، پرداخت هزینه دادرسی و مواعد قانونی طرح شکایت برای دادستان لازم نیست.
۲. ارائه پیشنهادات اصلاحی به مراجع مربوطه و انجام آموزش های مناسب در جهت جلوگیری از بروز موجبات طرح دعوی در دیوان عدالت اداری.
۳. شناسایی آرای مشابه یا متعارض شعب دیوان و پیشنهاد ایجاد رویه یا وحدت رویه به



رئیس دیوان.

۴. شناسایی آیین‌نامه‌ها، مقررات و سایر نظامات موضوع صلاحیت دیوان و درخواست ابطال آنها از هیئت عمومی.

دادستان دیوان می‌تواند از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع تبصره «۲» ماده (۱۷) برای جمع‌آوری ادله و اسناد مرتبط استفاده نماید.

تبصره - دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱۲) این قانون مکلفند یک نسخه از مصوبات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های خود را بلافاصله پس از وضع یا صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان قرار دهند. خودداری از انجام این تکلیف از سوی دستگاه‌های مذکور تخلف اداری محسوب می‌شود».

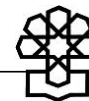
نتیجه‌گیری

با توجه به نکات مطرح شده، هرچند طرح حاضر رافع بسیاری از ایرادات قانون موجود تلقی می‌شود و تصویب کلیات آن مورد پیشنهاد است، اما به‌منظور تحقق کامل اهداف مورد نظر و رفع خلأها و چالش‌های باقی‌مانده در مواد (۳) و (۵) و (۶) و (۷) و (۸) و (۹) و (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) و (۱۵) و (۱۹) و (۲۲) و (۲۳) و (۲۶) و (۳۳) و (۳۶) و (۳۷) و (۴۱) و (۴۹) و (۵۳) و (۵۶) و (۵۹) و (۶۴) و (۶۵) که ممکن است عملاً تأثیر اصلاح این قانون را خنثی کند، پیشنهاد می‌گردد مستند به ماده (۱۵۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی،^۱ این طرح به کمیسیون محترم حقوقی و قضایی جهت بررسی و اصلاحات مقتضی ارجاع گردد تا کمیسیون محترم نسبت به بررسی بیشتر موارد مذکور اقدام نماید.

طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری				
شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح
ماده (۱)	✓			
ماده (۲)	✓			
ماده (۳)			✓	
ماده (۴)	✓			
ماده (۵)			✓	
ماده (۶)		✓		

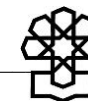
۱. ماده (۱۵۲) - ارجاع طرح یا لایحه یا مواردی از آن از جلسه علنی به کمیسیون بجز آنچه در این آیین‌نامه به‌طور صریح تعیین شده است با پیشنهاد رئیس جلسه و تصویب مجلس انجام می‌شود. ارجاع باید به همان کمیسیون گزارش‌دهنده صورت گیرد. کمیسیون باید فقط موارد ارجاعی را رسیدگی و گزارش خود را ظرف یک هفته به هیئت رئیسه تسلیم نماید تا با تعیین اولویت در دستور هفتگی درج شود.

طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری				
شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح
ماده (۷)			✓	
ماده (۸)			✓	
ماده (۹)	✓			
ماده (۱۰)			✓	
ماده (۱۱)			✓	
ماده (۱۲)			✓	
ماده (۱۳)	✓			
ماده (۱۴)	✓			
ماده (۱۵)			✓	
ماده (۱۶)	✓			
ماده (۱۷)	✓			
ماده (۱۸)	✓			
ماده (۱۹)			✓	
ماده (۲۰)	✓			
ماده (۲۱)	✓			
ماده (۲۲)			✓	
ماده (۲۳)			✓	
ماده (۲۴)	✓			
ماده (۲۵)	✓			
ماده (۲۶)			✓	
ماده (۲۷)	✓			
ماده (۲۸)	✓			
ماده (۲۹)	✓			
ماده (۳۰)	✓			
ماده (۳۱)	✓			
ماده (۳۲)	✓			
ماده (۳۳)			✓	
ماده (۳۴)	✓			
ماده (۳۵)	✓			
ماده (۳۶)			✓	
ماده (۳۷)			✓	
ماده (۳۸)	✓			
ماده (۳۹)	✓			
ماده (۴۰)	✓			
ماده (۴۱)			✓	
ماده (۴۲)	✓			



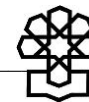
طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری				
شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح
ماده (۴۳)	✓			
ماده (۴۴)	✓			
ماده (۴۵)	✓			
ماده (۴۶)	✓			
ماده (۴۷)	✓			
ماده (۴۸)	✓			
ماده (۴۹)			✓	
ماده (۵۰)	✓			
ماده (۵۱)	✓			
ماده (۵۲)	✓			
ماده (۵۳)			✓	
ماده (۵۴)	✓			
ماده (۵۵)			✓	
ماده (۵۶)			✓	
ماده (۵۷)	✓			
ماده (۵۸)	✓			
ماده (۵۹)			✓	
ماده (۶۰)	✓			
ماده (۶۱)	✓			
ماده (۶۲)	✓			
ماده (۶۳)	✓			
ماده (۶۴)			✓	
ماده (۶۵)	✓			
ماده (۶۶)			✓	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱)	ماده (۱) - عنوان «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ به «قانون دیوان عدالت اداری» اصلاح می‌شود.	✓				عنوان قانون فعلی طولانی است و برخی مواد ناظر به تشکیلات و آیین دادرسی نیست. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۲)	ماده (۲) - در ماده (۲) قانون بعد از عبارت «تعداد شعب دیوان» عبارت «و سازمان‌دهی آنها در قالب معاونت‌های تخصصی به پیشنهاد رئیس دیوان» اضافه و تبصره ماده مذکور حذف می‌شود.	✓				اختیار پیشنهاد معاونت‌های تخصصی به رئیس دیوان داده شده است و تصویب این ماده به جهت چابک‌تر شدن تشکیلات دیوان و سامان‌دهی آن پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۳)	ماده (۳) - به انتهای تبصره ماده (۳) این قانون عبارت «در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد». اضافه و شماره آن به تبصره «۱» اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره‌های «۲» و «۳» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: تبصره «۲» - شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آرا و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند «۲» ماده (۱۰) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار				✓	تبصره «۱» - تاکنون در غیاب رئیس شعبه تجدیدنظر اداره امور اداری شعبه با هر دو مستشار بوده است که با توجه به مشکلات عملی، تصویب این تبصره مورد پیشنهاد است. تبصره «۲» - تنها رسیدگی به آرای مراجع اختصاصی اداری به وضع قانون سال ۱۳۸۵ برگشته و یک مرحله‌ای شده است که مغایر بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی مبنی بر تبعیض ناروا است. از اصول دادرسی عادلانه	تبصره «۲» - شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آرا و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند «۲» ماده (۱۰) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار



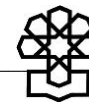
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	می گیرد، رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می شود. پس از لازم الاجرا شدن این قانون پرونده های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می شود. تبصره «۳» - مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیئت هایی است که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضایی تشکیل می شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می کنند که در صلاحیت آنها قرار داده شده است، نظیر هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون ماده (۱۰۰) قانون شهرداری الحاقی ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی، هیئت های حل اختلاف مالیاتی، هیئت های حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون ها و هیئت هایی که به موجب قوانین و مقررات تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آنها واگذار شده باشد.					دو مرحله بودن رسیدگی قضایی است، پس این بخش از تبصره «۲» تحدید حق دادخواهی و نقض حقوق عامه است. تصمیم اداری ولو دو مرحله ای باشد، نباید موجب تحدید رسیدگی قضایی باشد. تبصره «۳» - از اطلاق بند «۲» ماده (۱۰) و مواد (۶۳) و (۶۴) قانون فعلی اطلاق صلاحیت شعب دیوان نسبت به انواع مراجع اختصاصی اداری برمی آید و تعریف مشخص از این مراجع مانع اشتباه در تشخیص آنها و تعارض صلاحیت ها می شود. بنابراین تصویب این تبصره پیشنهاد می گردد.	
ماده (۴)	ماده (۴) - ماده (۴) قانون و تبصره های آن به شرح زیر اصلاح می شود: ماده (۴) - قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه	✓				با توجه به تمرکز رشته حقوق عمومی بر مطالعه دولت و نهادهای عمومی، اولویت دادن به فارغ التحصیلان این رشته در جذب	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهاری نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	منصوب می‌شوند و باید دارای هفت سال سابقه کار قضایی باشند. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند قضات واجد شرایط را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید. تبصره - وجود شرط سابقه مذکور در این ماده درخصوص قضات و یا حائزین منصب قضا که مطابق مقررات استخدامی قضات جذب می‌شوند و دارای مدرک دکترای حقوق با اولویت حقوق عمومی و سایر گرایش‌های مورد نیاز دیوان می‌باشند، الزامی نیست و حسب مورد پس از گذراندن دوره‌های کارآموزی عمومی و تخصصی متناسب با صلاحیت و وظایف دیوان عدالت اداری با ابلاغ رئیس قوه قضائیه به سمت دادرسی علی‌البدل دیوان عدالت اداری منصوب می‌شوند. چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها براساس دستورالعملی است که بنابه پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.					قضات دیوان عدالت اداری مطلوب است. قضات فعلی دیوان عدالت اداری با شیوه دادرسی عمومی (مدنی و کیفری) دادرسی می‌کنند که به علت عدم برخورداری از آموزش‌های حقوق عمومی، منافع عامه و حقوق افراد در دعاوی علیه دولت نادیده گرفته می‌شود. بنابراین تصویب این ماده در راستای صیانت از حقوق عامه مورد پیشنهاد است.	



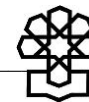
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۵)	ماده (۵) - ماده (۵) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۵) - رئیس دیوان در چارچوب مفاد این قانون علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمت‌های دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز برعهده دارد و می‌تواند از بین معاونین قضایی یک نفر را به‌عنوان معاون اول انتخاب نماید. تبصره - رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۷۹) و (۹۱) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.				✓	ذکر نظارت رئیس دیوان بر امور اداری ضروری است. همچنین تصویب مقام معاونت اولی برای ارائه مشورت و پیشنهاد به ریاست دیوان و هماهنگی معاونین و تصمیم در موارد ارجاعی رئیس دیوان پیشنهاد می‌شود. تبصره الحاقی که در مورد تفویض اختیارات رئیس دیوان بجز در مواد (۷۹) و (۹۱) است، در قسمت تفویض اختیارات خاص و قائم‌به‌شخص رئیس دیوان اشکال دارد که پیشنهاد اضافه شدن مواد دیگری به موارد منع تفویض می‌شود.	تبصره - رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۷۳)، (۴۷)، (۴۰)، (۳۵)، (۷۹)، (۸۰)، (۹۱)، (۱۱۸) و (۱۲۱) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هر یک از معاونین تفویض نماید.
ماده (۶)	ماده (۶) - یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶) قانون الحاق می‌شود: تبصره - در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه‌های اجرایی به‌نحوی که با تشخیص رئیس دیوان وجود این دفاتر در برخی از استان‌ها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می‌گردند.		✓			حذف برخی دفاتر استانی دیوان به تشخیص رئیس دیوان به‌خاطر فراهم شدن امکان ارائه الکترونیکی خدمات قضایی مخالف حق دسترسی مردم به مراجع قضایی است، زیرا بستر دسترسی به اینترنت برای همگان فراهم نبوده و حقوق افراد کم‌سواد و مسن نیز تضییع شده و راهنمایی و ارشاد مراجعان موضوع بند «الف» همین ماده و بند «۱۷» سیاست‌های کلی امنیت قضایی نیز نقض می‌شود.	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۷)	ماده (۷) - ماده (۷) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۷) - دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید. آیین‌نامه نحوه به‌کارگیری و پرداخت حق‌الزحمه این افراد ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. تبصره - چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش‌بینی می‌شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد، موضوع هم‌زمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیئت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک‌ماه اعلام نظر نمایند، عدم اعلام نظر نافی تصمیم‌گیری و صدور رأی توسط شعبه نمی‌باشد.				✓	با توجه به گستردگی تخصصی پرونده‌های دیوان به‌کارگیری کارشناسان ضروری است، اما ماده (۷) قانون فعلی در سازوکار احراز صلاحیت، نحوه انتصاب و مرجع صدور ابلاغ و پرداخت حقوق به کارشناسان ابهام داشته و تدوین آیین‌نامه ضروری است. در ماده (۷) اصلاحی، ابهاماتی مانند نوع استخدام، تصدی پست سازمانی، امکان یا عدم امکان به‌کارگیری وکلا و کارشناسان سایر دستگاه‌ها، شیوه تشخیص صلاحیت و نیاز یا عدم نیاز به تأیید مراجع گزینشی و امنیتی وجود دارد. همچنین تفویض تصویب آیین‌نامه توسط رئیس قوه قضائیه احتمال ورود ایراد مغایرت با اصول (۸۵) قانون اساسی دارد. شایان ذکر است تشکیل کارگروه مشورتی در موضوعات دارای ابعاد گسترده در تبصره این ماده مناسب است، اما منوط بودن یا نبودن	ماده (۷) - دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید. آیین‌نامه نحوه به‌کارگیری و پرداخت حق‌الزحمه این افراد ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. تبصره - چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش‌بینی می‌شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد، موضوع هم‌زمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیئت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک ماه اعلام نظر نمایند و شعب رسیدگی‌کننده با ملاحظه نظریه



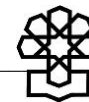
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند.					صدور رأی بر صدور نظر کارشناسی محل ابهام است.	
ماده (۸)	ماده (۸) - ماده (۸) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۸) - هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و هیئت‌های تخصصی به ترتیب ذیل تشکیل می‌شوند: الف) هیئت عمومی متشکل از رئیس، معاونین قضایی، رؤسای هیئت‌های تخصصی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر می‌باشد که با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس دیوان یا یکی از معاونین قضایی با انتخاب رئیس دیوان رسمیت می‌یابد و مالک صدور رأی در آن، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد. در رسیدگی به موارد موضوع مواد (۸۹) و (۹۰) این قانون، قضات صادرکننده دادنامه‌ها با داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیئت عمومی شرکت نمایند. ب) هر هیئت تخصصی متشکل از یازده نفر عضو از میان قضات دیوان می‌باشد که با حضور حداقل نه نفر از اعضا، رسمیت می‌یابد. عضویت قضات دیوان در هر یک از هیئت‌های تخصصی با توجه به تجربه و آشنایی آنها با حوزه تخصصی مربوط				✓	تفکیک صلاحیت و محدود کردن اعضای هیئت عمومی در بند «الف» این ماده به علت عدم تجربه کافی قضات شعب بدوی و اجرای احکام مطلوب است، به ویژه آنکه تعدد قضات بنابر رویه دیوان نشان کیفیت آرا نیست و موجب تقلید در قضاوت، دیراقتی و رسیدگی طولانی در هیئت عمومی می‌شود. حجم پرونده‌های شعب نیز بالا بوده و شرکت هفتگی قضات در هیئت عمومی موجب اطاله دادرسی در شعب است. لذا تصویب بند «الف» مورد پیشنهاد است. بند «ب» با کاهش تعداد اعضای هیئت‌های تخصصی از ۱۵ نفر به ۱۰ نفر (رسمیت با ۹ نفر) به دنبال افزایش اتقان آرا بوده است، اما طبق ماده (۸۴) این طرح صلاحیت هیئت تخصصی گسترش یافته و آرای ابطالی آن با درخواست ده عضو هیئت عمومی یا رئیس دیوان قابل اعتراض است و قضات نیز ملزم به عضویت در هیئت تخصصی نبوده که شبهه هم‌پوشانی هیئت‌های عمومی و تخصصی و	ماده (۸) - هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و هیئت‌های تخصصی به ترتیب ذیل تشکیل می‌شوند: الف) هیئت عمومی متشکل از رئیس، معاونین قضایی، رؤسای هیئت‌های تخصصی، رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر و رؤسای شعب بدوی می‌باشد که با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس دیوان یا یکی از معاونین قضایی با انتخاب رئیس دیوان رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی در آن، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد. ب) هر هیئت تخصصی متشکل از یازده نفر عضو از میان قضات دیوان می‌باشد که با حضور حداقل نه نفر از اعضا رسمیت می‌یابد. عضویت قضات دیوان در یک هیئت تخصصی و با توجه به تجربه و آشنایی آنها با حوزه تخصصی مربوط

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	انجام می‌شود. تبصره- سایر قضات دیوان و یا کارشناسان امر حسب مورد با دعوت رئیس دیوان یا رئیس هیئت تخصصی بدون داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیئت عمومی یا هیئت تخصصی شرکت کنند و در صورت لزوم نظرات خود را ارائه نمایند.					نقض قاعده فراغ دادرسی هست. امکان مصلحت‌سنجی در ارجاع و عدم عضویت برخی قضات به علت امکان عضویت هم‌زمان قضات در چند هیئت تخصصی هست که منجر به اطاله دادرسی و تقلید در قضاوت نیز می‌شود. تصویب تبصره این ماده در جهت اتقان آرای هیئت‌های تخصصی پیشنهاد می‌شود.	
ماده (۹)	ماده (۹) - ماده (۹) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۹) - واحدهای اجرای احکام زیر نظر رئیس دیوان انجام وظیفه می‌نمایند. قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضایی توسط رئیس دیوان انتخاب می‌شوند.	✓				تصویب واحد اجرای احکام زیر نظر رئیس دیوان با امکان تفویض به معاونین با توجه به تخصصی بودن معاونت‌ها پیشنهاد می‌شود.	
ماده (۱۰)	ماده (۱۰) - تبصره «۱» ماده (۱۰) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره «۲» ماده مذکور ابقا و چهار تبصره به عنوان تبصره‌های «۳»، «۴»، «۵» و «۶» به آن الحاق می‌شود: «تبصره «۱» - شعبه رسیدگی‌کننده پس از صدور رأی بر وقوع تخلف از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای «۱» و «۲» و تبصره «۶» این ماده				✓	تبصره «۱» - دعاوی مسئولیت مدنی دولت در قانون فعلی فقط از جهت احراز وقوع تخلف در دیوان رسیدگی می‌شود و تعیین میزان خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است که توجیه آن حقوقی بودن امر احراز خسارت و لزوم کارشناسی محلی است، اما علاوه بر اطلاق اصل (۱۷۳) قانون اساسی،	تبصره «۶» - رسیدگی به تظلمات نسبت به مصوبات و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دانشگاه آزاد اسلامی و کلیه مؤسسات و شرکت‌های وابسته و تابعه این دستگاه‌ها و اتحادیه‌های صنفی از جمله سازمان نظام پزشکی کشور در صلاحیت دیوان است.



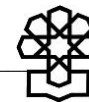
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	نسبت به تعیین میزان خسارت وارده اقدام نماید. تبصره «۳» - رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد توسط دستگاه‌های اجرایی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، لیکن رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی‌مابین طرفین در صلاحیت دیوان نیست. تبصره «۴» - جهات طرح شکایت علیه دستگاه‌های اجرایی و مأمورین آنها در شعب دیوان عبارتند از: ۱. مخالفت با قانون، ۲. مخالفت با شرع، ۳. خروج از حدود صلاحیت یا سوءاستفاده از اختیارات، ۴. تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام آنها تبصره «۵» - در مواردی که به‌موجب قوانین، مرجع رسیدگی به اعتراضات و شکایات از تصمیمات اداری، اجرایی و یا آرای مراجع اختصاصی اداری صادره از سوی کلیه دستگاه‌های موضوع این ماده، تحت عنوانی از قبیل مرجع صالح قضایی یا دادگاه صالح یا محکمه صالح تعیین شده است، موضوع در صلاحیت شعب دیوان است. تبصره «۶» - رسیدگی به تظلمات نسبت به					این دوگانگی موجب اطاله دادرسی و سردرگمی مردم و اتلاف هزینه می‌شود. پس این دعوا باید مطلقاً در صلاحیت دیوان باشد و تصویب تبصره «۱» پیشنهاد می‌شود. تبصره «۳» - بنا بر عبارت «تصمیمات و اقدامات» در ماده (۱۰) قانون فعلی، دعاوی قراردادی ترافعی تلقی و در صلاحیت دادگاه عمومی مقرر شده است، اما امکان تخلفاتی مثل عدم رعایت تشریفات قانونی توسط دستگاه پیش از انعقاد قرارداد می‌باشد که این تبصره رسیدگی به دعاوی ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد را در صلاحیت شعب قرار داده است. لذا تصویب آن پیشنهاد می‌شود. تبصره «۴» - این تبصره در مقام احصای جهات طرح شکایت در شعب دیوان بوده که مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است. تبصره «۵» - در قوانین مختلف جهت تعیین مرجع صالح در رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات و اقدامات اداری از عباراتی چون «مرجع صالح قضایی» یا «دادگاه صالح»	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مصوبات و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و دانشگاه آزاد اسلامی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.»					استفاده شده است که در مراجع قضایی این عبارات انصراف به دادگاه‌های عمومی دارد و همین امر موجب شده است تا بعضاً موضوعاتی که ذاتاً در صلاحیت دیوان عدالت اداری است، به جهت عدم تصریح به آن، در سایر مراجع نیز مورد رسیدگی قرار گیرد و منجر به صدور آرای متعارض و متشتت گردد، در راستای جلوگیری از این تشتت و رعایت اصول دادرسی عادلانه این تبصره پیش‌بینی گردیده و تصویب آن پیشنهاد می‌شود. تبصره «۶» - علت محدودیت صلاحیت دیوان در قانون فعلی به واحدهای دولتی و نهادهای انقلابی و تنها شهرداری‌ها و تأمین اجتماعی از بین مؤسسات عمومی غیردولتی مشخص نیست، در حالی که سایر این مؤسسات و نهادهای وابسته به آنها هم از قدرت عمومی برخوردار هستند. در همین راستا نظارت بر مؤسسات عمومی غیردولتی ضروری می‌باشد و این تبصره از این جهت پیش‌بینی شده است که تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.	



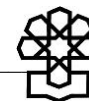
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱۱)	ماده (۱۱) - ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود: ماده (۱۱) - در صورتی که در نتیجه تصمیمات و اقدامات خلاف شرع، قانون و مقررات موضوع شکایت یا اهمال و کوتاهی و خودداری از انجام وظایف قانونی توسط واحدهای مربوط، خسارتی بر اشخاص وارد شود، شعبه رسیدگی کننده با رعایت تبصره «۱» ماده (۱۰) این قانون، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم یا اقدام مورد شکایت صادر می‌کند.				✓	با توجه به اینکه مطابق تبصره «۱» ماده (۱۰) رسیدگی به مطلق دعاوی مسئولیت مدنی دولت و تصدیق ورود خسارت در صلاحیت شعب دیوان مقرر گردیده است، لذا این ماده تصریح می‌نماید که علاوه بر تصدیق ورود خسارت و تعیین میزان آن توسط شعبه، اثر تصمیم یا اقدام مورد شکایت نیز لغو خواهد شد. هرچند نکته بدیع این ماده امکان شکایت از ترک فعل دستگاه‌ها و مأمورین دولتی از انجام وظایف قانونی است، اما امکان الزام دستگاه‌ها به اعاده حقوق تضییع شده را از ماده سابق حذف نموده است که دیوان را با خلأیی بزرگ مواجه خواهد ساخت و از این پس شعب دیوان نمی‌توانند در موارد ترک فعل، حکم به الزام به فعل نمایند. بر این اساس عدم تصویب این ماده و ارجاع آن به کمیسیون مورد پیشنهاد است.	ماده (۱۱) - ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود: ماده (۱۱) - در صورتی که در نتیجه تصمیمات و اقدامات خلاف شرع، قانون و مقررات موضوع شکایت یا اهمال و کوتاهی و خودداری از انجام وظایف قانونی توسط واحدهای مربوط، خسارتی بر اشخاص وارد شود، شعبه رسیدگی کننده با رعایت تبصره «۱» ماده (۱۰) این قانون، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم یا اقدام مورد شکایت صادر می‌کند.
ماده (۱۲)	ماده (۱۲) - در تبصره ماده (۱۲) قانون عبارت «مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی» به عبارت «مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی»				✓	تبصره ماده (۱۲) مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را غیرقابل شکایت در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مقرر کرده است، اما به دلیل آنکه مصوبات این نهاد شامل	ماده (۱۲) - در تبصره «۱» ماده (۱۲) قانون عبارت «صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات» حذف می‌شود. تبصره «۲» - رسیدگی به مصوبات شورای عالی

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	اصلاح می‌شود و شماره تبصره مذکور به تبصره «۱» اصلاح و متن زیر به‌عنوان تبصره «۲» به ماده مذکور الحاق می‌شود: «تبصره «۲» - رسیدگی به مصوبات شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهاد از شمول حکم این ماده خارج است».					سیاست‌ها، مقررات و تشخیص‌های مصداقی هستند و طبق بندهای «۲» و «۳» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری باید از جهت عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی پالایش شوند. مضاف بر اینکه، این شورا بعضاً مصوباتی خارج از صلاحیت خود در مورد مالیات و استخدام و... و حتی در حوزه اختیارات مجلس دارد. لذا ضروری است مصوبات غیرسیاستگذاری این شورا در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گیرد. همچنین خارج کردن مصوبات اداری و غیرقضایی رئیس قوه قضائیه از صلاحیت هیئت عمومی دیوان نیز با وجود عدم تفاوت آنها با مقررات قوه مجریه نقض حق دادخواهی در اصل (۳۴) قانون اساسی است.	انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی درخصوص سیاستگذاری در حوزه تحت صلاحیت هریک از این دو نهاد از شمول این حکم خارج است.
ماده (۱۳) - ماده (۱۴) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: «ماده (۱۴) - در موارد اختلاف در صلاحیت، بین شعب بدوی و تجدیدنظر، رأی شعبه تجدیدنظر و در موارد اختلاف در صلاحیت بین شعب و هیئت	✓					با توجه به امکان وجود تعارض صلاحیت بین شعب بدوی، تجدیدنظر و هیئت عمومی دیوان، این ماده در صدد تعیین مرجع نهایی جهت رفع تعارض پیشنهاد گردیده و <u>تصویب آن</u> مورد پیشنهاد است.	



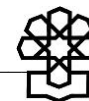
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	تخصصی، نظر هیئت تخصصی و در موارد اختلاف بین شعب و هیئت عمومی، نظر هیئت عمومی مُتَّبَع است. تبصره - مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی، دیوان عالی کشور است. شعبه رسیدگی کننده در دیوان عالی کشور پس از اخذ نظر مشورتی نماینده قضایی رئیس دیوان که از بین قضات دیوان عدالت اداری انتخاب می شود، در موضوع اتخاذ تصمیم می کند. نماینده مذکور مکلف است ظرف یک ماه از زمان درخواست، نظر مشورتی خود را اعلام کند. در صورت عدم اعلام نظر مشورتی، شعبه دیوان عالی کشور مجاز به اتخاذ تصمیم است.					همچنین در خصوص تبصره پیشنهادی نیز با توجه به حوزه صلاحیت تخصصی دیوان عدالت اداری و عدم اشراف قضات دیوان عالی کشور به موضوعاتی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است، در موارد رفع تعارض در صلاحیت، منوط نمودن ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، به کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری، موجب تخصصی شدن اعلام نظر شعب دیوان عالی کشور در رفع اختلاف در صلاحیت بین دیوان عدالت اداری و دادگاه های دادگستری خواهد شد؛ امری که در قانون قبلی (مصوب سال ۱۳۸۵) نیز وجود داشت. بنابراین <u>تصویب این تبصره نیز مورد پیشنهاد است.</u>	
ماده (۱۴)	در ماده (۱۵) قانون عبارت «و انفصال مستنکف» حذف می شود.	✓				اصلاح این ماده و اعطای صلاحیت انفصال مستنکف از اجرای حکم به شعبه تجدیدنظر به جهت آنکه انفصال از شدیدترین مجازات های اداری است و مطابق ماده (۶۱) این طرح در صلاحیت شعبه تجدیدنظر قرار گرفته است صورت گرفته و <u>تصویب آن مورد پیشنهاد است.</u>	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱۵)	ماده (۱۵) - تبصره «۱» ماده (۱۶) قانون حذف و شماره تبصره «۲» آن ماده به تبصره «۱» اصلاح و سه تبصره به عنوان تبصره «۲»، «۳» و «۴» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: «تبصره «۲» - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأمورین موضوع بندهای «۱» و «۳» ماده (۱۰) این قانون ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ به اشخاص مقیم داخل کشور و شش ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است. تبصره «۳» - دستگاه‌ها و مأمورین مذکور مکلفند هرگونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذی‌نفع اتخاذ می‌نمایند، به آنها ابلاغ نمایند. در مواردی که اشخاص ذی‌نفع تقاضای انجام امر اداری را از دستگاه‌های مذکور دارند ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذی نفع ابلاغ نماید. چنانچه با انقضای مهلت مذکور، آن دستگاه از				✓	حذف تبصره «۱» - مطابق تبصره ماده (۱۸) طرح تقدیمی به مجلس، درخصوص پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت از مراجع قضایی به دیوان ارسال می‌گردند، تعیین تکلیف شده بود. اما با عنایت به اینکه ماده مذکور به تصویب کمیسیون محترم نرسید، لذا حذف این تبصره باعث ایجاد خلأ درخصوص هزینه دادرسی نسبت به پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت به دیوان ارسال می‌گردند خواهد شد. بنابراین عدم حذف تبصره مذکور و <u>عدم تصویب این بند مورد پیشنهاد است.</u> تبصره «۲» - نبودن مرور زمان جهت طرح شکایت در دیوان عدالت اداری به دلیل عدم دسترسی به سوابق و دلایل تصمیم اداری مانع رسیدگی دیوان شده است بر همین اساس این تبصره در راستای ثبات تصمیمات و نظم اداری پیشنهاد شده و <u>تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.</u> تبصره «۳» - در جهت تحقق اصل الزام به ارائه دلایل در تصمیمات اداری و نظارت بر	ماده (۱۵) - تبصره «۱» ماده (۱۶) قانون حذف و شماره تبصره «۲» آن ماده به تبصره «۱» اصلاح و سه تبصره به عنوان تبصره «۲»، «۳» و «۴» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: «تبصره «۲» - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأمورین موضوع بندهای «۱» و «۳» ماده (۱۰) این قانون ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ به اشخاص مقیم داخل کشور و شش ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است. تبصره «۳» - دستگاه‌ها و مأمورین مذکور مکلفند هرگونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذی‌نفع اتخاذ می‌نمایند، به آنها ابلاغ نمایند. در مواردی که اشخاص ذی‌نفع تقاضای انجام امر اداری را از دستگاه‌های مذکور دارند ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذی نفع ابلاغ نماید. چنانچه با انقضای مهلت مذکور، آن دستگاه از



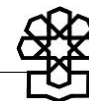
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	ابلاغ پاسخ مقتضی خودداری نماید، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت مواعد مذکور در تبصره «۲» این ماده از زمان انقضای مهلت پاسخ، در دیوان طرح شکایت کند. عدم پاسخگویی و استنکاف از ثبت درخواست و ارائه رسید به اشخاص متقاضی، تخلف اداری محسوب می‌شود و چنانچه شاکی خواسته خود را از طریق اظهارنامه قانونی یا طرق قابل اثبات دیگری به دستگاه ذی‌ربط ارسال نموده باشد، مبدأ محاسبه مهلت مقرر از زمان وصول این درخواست می‌باشد. تبصره «۴» - تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأمورین موضوع بندهای «۱» و «۳» ماده (۱۰) این قانون که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به ذی‌نفع ابلاغ یا اعلام شده و یا وی به هر نحوی از آن اطلاع یافته و تا تاریخ مذکور نسبت به آن تصمیم یا اقدام در دیوان طرح شکایت ننموده است، ذی‌نفع ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مهلت طرح شکایت در دیوان را دارد.					ترک فعل و همچنین اصل شفافیت و لزوم مشخص بودن تاریخ تصمیم و ابلاغ آن، مطابق این تبصره دستگاه‌ها مکلف به ابلاغ تصمیمات و اقدامات خویش به ذی‌نفعان شده‌اند که <u>تصویب آن مورد پیشنهاد است.</u> تبصره «۴» - به دلیل آنکه تاکنون جهت شکایت از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأموران موضوع ماده (۱۰) این قانون، مهلتی پیش‌بینی نشده بود و این ماده به‌عنوان اولین تجلی تقنینی عام اصل «ارائه دلایل تصمیمات اداری» محسوب می‌گردد، لذا با توجه به ایجاد این الزام جدید، پیشنهاد این تبصره و در نظر گرفتن مهلت ۶ ماهه جهت شکایت شهروندانی که با وجود اطلاع از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأموران موضوع ماده (۱۰) تاکنون نسبت به طرح شکایت، اقدام ننموده‌اند، معقول به نظر می‌رسد که <u>پیشنهاد می‌گردد مورد تصویب قرار گیرد.</u>	کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذی‌نفع ابلاغ نماید. چنانچه با انقضای مهلت مذکور، آن دستگاه از ابلاغ پاسخ مقتضی خودداری نماید، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت مواعد مذکور در تبصره «۲» این ماده از زمان انقضای مهلت پاسخ، در دیوان طرح شکایت کند. عدم پاسخگویی و استنکاف از ثبت درخواست و ارائه رسید به اشخاص متقاضی، تخلف اداری محسوب می‌شود و چنانچه شاکی خواسته خود را از طریق اظهارنامه قانونی یا طرق قابل اثبات دیگری به دستگاه ذی‌ربط ارسال نموده باشد، مبدأ محاسبه مهلت مقرر از زمان وصول این درخواست می‌باشد. تبصره «۴» - تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأمورین موضوع بندهای «۱» و «۳» ماده (۱۰) این قانون که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به ذی‌نفع ابلاغ یا اعلام شده و یا وی به هر نحوی از آن اطلاع یافته و تا تاریخ مذکور نسبت به آن تصمیم یا اقدام در دیوان طرح شکایت ننموده است، ذی‌نفع ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مهلت طرح شکایت در دیوان را دارد.

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱۶)	ماده (۱۶) - دو تبصره به شرح زیر به ماده (۱۷) قانون الحاق می‌شود: «تبصره ۱»- دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور در حدود اختیارات قانونی خود، صلاحیت طرح شکایت نسبت به موضوعاتی که متضمن تضییع حقوق عمومی است و رسیدگی به آن برابر ماده (۱۰) این قانون در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد را دارند. این مراجع از پرداخت هزینه دادرسی معافند و حق تجدیدنظرخواهی دارند و رسیدگی به شکایت مذکور خارج از نوبت انجام می‌شود. تبصره «۲»- سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیت آنها طبق اساسنامه مربوط، در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات محیط زیستی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند درخصوص موضوعات تخصصی مرتبط با فعالیتشان،	✓				تبصره «۱»: امکان طرح شکایت توسط برخی دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی (سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و دادستانی کل کشور) به دلیل صلاحیتشان در حوزه حقوق عامه مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد. تبصره «۲»: این تبصره با شناسایی مؤسسات مردم‌نهاد به عنوان گزارش‌دهنده در موارد نقض حقوق عامه، علاوه بر نزدیک شدن به فلسفه تأسیس این نهادها، قدم مهمی در جهت مشارکت بخش غیردولتی در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی برداشته است که پیشنهاد می‌گردد مورد تصویب نمایندگان محترم قرار گیرد.	



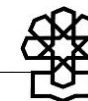
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع موضوع ماده (۱۰) این قانون که متضمن تضییع حقوق عمومی است به دیوان گزارش دهند تا مطابق ماده (۱۲۰) این قانون بررسی و اقدام مقتضی به عمل آید.						
ماده (۱۷)	ماده (۱۷) - در ماده (۱۸) قانون به انتهای اجزای «۱» و «۲» بند «الف» عبارت «و شناسه قضایی» اضافه و یک بند به عنوان بند «خ» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می شود: «خ- تصویر تصمیم اداری موضوع شکایت یا درخواست شاکی به مرجع اداری طرف شکایت در مواردی که آن مرجع ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۶) این قانون از اتخاذ تصمیم یا اعلام پاسخ مقتضی و ابلاغ آن به ذی نفع خودداری نموده است».	✓				افزودن «شناسه قضایی» جهت تسهیل رسیدگی به شکایات، ابلاغ الکترونیک و تشخیص شکایات مشابه ضروری به نظر می رسد. همچنین تشخیص رعایت زمان طرح شکایت و عدم وجود مرور زمان مستلزم ارائه تصویر تصمیم اداری یا درخواست شاکی در راستای ماده (۱۶) می باشد که در این ماده پیش بینی شده است. بنابراین <u>تصویب این ماده مورد پیشنهاد است.</u>	
ماده (۱۸)	ماده (۱۸) - ماده (۲۳) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود: «ماده (۲۳) - دادخواست و ضامم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه	✓				اصلاحات این ماده در راستای اصلاح شیوه های دریافت دادخواست و تسهیل الکترونیکی شدن پذیرش دادخواست صورت گرفته است و <u>تصویب آن پیشنهاد</u>	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	تهیه شود. پذیرش دادخواست در شعب بدوی، تجدیدنظر و هیئت عمومی دیوان به یکی از روش‌های زیر امکانپذیر است: ۱. ثبت از طریق سامانه‌های الکترونیکی قضایی ۲. ثبت در دفاتر استانی دیوان ۳. ثبت در دبیرخانه مرکزی دیوان تاریخ ثبت دادخواست در هریک از مراجع مذکور تاریخ تقدیم دادخواست است. تبصره- دیوان می‌تواند در ارائه خدمات قضایی در تمام مراحل اعم از پذیرش دادخواست، تبادل لوایح، رسیدگی و صدور رأی و ابلاغ و اجرای احکام از مقررات حاکم بر رسیدگی الکترونیکی موضوع ماده (۶۵۵) قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ و سایر قوانین و مقررات مربوط استفاده نماید. در این موارد مراجع رسیدگی‌کننده در دیوان ترتیبات مقرر در رسیدگی الکترونیکی را مالک عمل قرار می‌دهند.»					می‌گردد، شایان ذکر است با توجه به اینکه مطابق ماده (۶۹۹) قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ «این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به‌عنوان بخش‌های هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/ ۱۲/ ۱۳۹۲ الحاق می‌گردد.» و در سال ۱۳۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری دائمی شده است، لذا ضروری است که نام «قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی» به «قانون آیین دادرسی کیفری» در تبصره الحاقی تغییر یابد.	



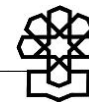
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۱۹)	ماده (۱۹) - ماده (۲۸) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده (۲۸) - بجز موارد مذکور در ماده (۲۷) این قانون چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۸) تا (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اظهاریه ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان ها یا ابلاغ الکترونیکی به شاکی اعلام می کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می شود. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به عمل می آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می شود. این رأی قطعی است ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم				✓	اصلاحات این ماده در راستای اصلاح شیوه رسیدگی به دادخواست و رفع نقص از آن پیشنهاد شده است، که در این موارد اخطار رفع نقص صادر می گردد و در صورت عدم رفع نقص مزبور، دادخواست رد خواهد شد. اما طبق ذیل ماده، طرح شکایت مجدد در صورت رد دادخواست در مواردی که شکایت اولیه مستلزم رعایت زمان باشد، از زمان صدور قرار مدیر دفتر، پیش بینی شده است ولی به جهت آنکه قرار مدیر دفتر قابل اعتراض در شعبه بوده و شعبه مکلف است در این خصوص رأی صادر نموده و به معترض ابلاغ کند لذا بدیهی است که در این موارد، زمان از زمان ابلاغ رأی شعبه محاسبه خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می گردد این ماده جهت اصلاح به کمیسیون اعاده گردد.	ماده (۱۹) - ماده (۲۸) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: ماده (۲۸) - بجز موارد مذکور در ماده (۲۷) این قانون چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد ((۱۸)) تا ((۲۳)) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اظهاریه ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان ها یا ابلاغ الکترونیکی با شاکی اعلام می کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می شود. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به عمل

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	رعایت زمان مشخص باشد باقیمانده مهلت مقرر از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر محاسبه می‌شود.						می‌آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌شود. این رأی قطعی است ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت اولیه مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر از زمان ابلاغ رأی یا قرار مدیر دفتر محاسبه می‌شود.
ماده (۲۰)	ماده (۲۰) - تبصره ماده (۲۹) قانون حذف می‌شود.	✓				جهت تشخیص دقیق موضوع شکایت و انطباق آن با رأی هیئت عمومی (ایجاد رویه)، تبادل لوایح حداقل برای شعب بدوی ضروری است و حذف تبصره ماده (۲۹) نیز در همین راستا صورت گرفته است. اما پس از مشخص شدن حدود و ثغور شکایت و جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، مطابق ماده (۳۹) این طرح، عدم الزام به تبادل لوایح در صورت وجود رأی	



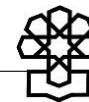
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						ایجاد رویه و وحدت رویه برای شعبه تجدیدنظر پیش‌بینی گردیده است، بر این اساس پیشنهاد می‌گردد این ماده به تصویب نمایندگان محترم برسد.	
ماده (۲۱)	ماده (۲۱) - ماده (۳۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۳۱) - اگر به موجب یک دادخواست شکایات متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، ظرف پنج روز لزوم تفکیک دادخواست را طی اظهاریه‌ای به شاکی یا شاکیان اعلام می‌کند. شاکی یا شاکیان از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت تفکیک یا تعیین موضوع را دارند. در صورت عدم تفکیک یا تعیین موضوع مورد شکایت، مدیر دفتر شعبه براساس ماده (۲۸) این قانون قرار رد دادخواست صادر می‌کند. قرار رد صادره مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می‌شود».	✓				این ماده جهت جلوگیری از رد دعاوی شکایت در موارد طرح دعاوی متعدد غیرمرتبط در یک دادخواست پیش‌بینی شده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۲۲)	ماده (۲۲) - ماده (۳۴) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۳۴) - در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که به جهات مذکور در مواد (۱۰) یا (۱۲) این قانون اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه از سوی طرف شکایت سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا مُتَعَسِّر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت کند. درخواست صدور دستور موقت پس از طرح شکایت اصلی تا قبل از صدور رأی امکانپذیر است.»				✓	طبق این ماده درخواست صدور دستور موقت، به جهت اینکه مستلزم رسیدگی و اتخاذ تصمیم در این زمینه است، منوط به پرداخت هزینه دادرسی شده است. اما به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه در ماده (۱۹) این قانون صرفاً هزینه دادرسی دادخواست شعب بدوی و تجدیدنظر مشخص گردیده و در خصوص درخواست دستور موقت، حکمی مقرر نشده است، لذا <u>عدم تصویب این ماده یا تصویب آن منوط به اصلاح ماده (۱۹) قانون مورد پیشنهاد است.</u>	حذف ماده (۲۲) طرح یا اصلاح ماده (۱۹) قانون
ماده (۲۳)	ماده (۲۳) - ماده (۳۵) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۳۵) - مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت، شعبه‌ای است که به اصل شکایت رسیدگی می‌کند و مرجع رسیدگی‌کننده طی دادرسی فوری، در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع،				✓	صدر ماده: دستور موقت، دستوری فوری است برای اجرا یا منع اجرای تصمیم مقامات و مأمورین دولتی پس ضرورت و فوریت آن باید احراز شود و طی دادرسی فوری صادر شود. بنابراین اصلاح صورت گرفته در صدر ماده مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.	حذف تبصره (۲) الحاقی



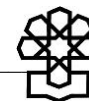
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آرای مورد شکایت یا انجام وظیفه، صادر می‌کند. تبصره «۱» - دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد. در صورت رد شکایت یا صدور قرار سقوط شکایت یا صدور قرار ابطال یا رد دادخواست اصلی و یا حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره، دستور موقت نیز لغو می‌شود. تبصره «۲» - اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان است و حداکثر ظرف یک هفته از زمان وصول باید نظر خود را اعلام نماید. در صورت عدم اظهار نظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم‌الاجراست.					تبصره «۱»: اصلاح تبصره نیز از این جهت است که طبق ماده (۲۴) این طرح، در موارد ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، صدور دستور موقت در صلاحیت رئیس یا نایب رئیس هیئت‌های تخصصی قرار گرفته است، بر این اساس تصویب آن مورد پیشنهاد است. تبصره «۲»: الحاق این تبصره و تفویض اختیار موافقت با اجرای دستور موقت به رئیس دیوان عدالت اداری به دلیل اینکه این امر سابقاً توسط شورای نگهبان مورد ایراد واقع شده مضاف بر آنکه شائبه مصلحت‌سنجی را به وجود می‌آورد، منطقی نبوده و عدم تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۲۴)	ماده (۲۴) - ماده (۳۶) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۳۶) - در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) این قانون، تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، رسیدگی و اتخاذ تصمیم درخصوص	✓				هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده اصلاح شیوه صدور دستور موقت در موارد تقاضای ابطال مصوبه موضوع ماده (۱۲) قانون بوده که به جهت سابقه و آشنایی با پرونده‌ها و شکایات مطرح شده، مرجع	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	تقاضای مزبور با رئیس و در غیاب وی نایب رئیس هیئت تخصصی مربوط است. با صدور دستور موقت، پرونده در هیئت تخصصی و هیئت عمومی خارج از نوبت رسیدگی می‌شود».					صادرکننده دستور موقت را از شعبه بدوی به رئیس هیئت تخصصی و در غیاب وی، نایب رئیس هیئت تخصصی تغییر داده است. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۲۵)	ماده (۲۵) - در ماده (۳۹) قانون کلمه «شعبه» به کلمه «مرجع» اصلاح و عبارت «این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.» به انتهای ماده مذکور اضافه می‌شود.	✓				به دلیل آنکه مطابق ماده قبل، هیئت‌های تخصصی نیز صلاحیت صدور دستور موقت را دارند، عبارت «شعبه» به «مرجع» تغییر پیدا کرده است که تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.	
ماده (۲۶)	ماده (۲۶) - در ماده (۴۰) قانون عبارت «شعبه رسیدگی کننده» به عبارت «مرجع رسیدگی کننده با موافقت رئیس دیوان» اصلاح می‌شود.				✓	جایگزینی «شعبه» با «مرجع» صحیح است، اما منوط بودن بر موافقت رئیس دیوان مغایر شرع بوده و زمینه سوءاستفاده و مصلحت‌سنجی را فراهم می‌نماید. بنابراین ارجاع این ماده به کمیسیون و اصلاح آن مورد پیشنهاد است.	ماده (۲۶) - در ماده (۴۰) قانون عبارت «شعبه رسیدگی کننده» به عبارت «مرجع رسیدگی کننده» اصلاح می‌شود.
ماده (۲۷)	ماده (۲۷) - در ماده (۴۴) قانون بعد از عبارت «محکوم می‌شود» عبارت «این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.» اضافه می‌شود.	✓				اقتضای دادرسی منصفانه قابلیت تجدیدنظر از حکم شعب بدوی به انفسال از خدمت و کسر حقوق است. لذا تصویب این ماده پیشنهاد می‌شود.	



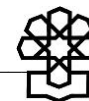
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۲۸)	ماده (۲۸) - در ماده (۴۵) قانون عبارت «شاکی می تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد ترتیب اثر داده نمی شود.» به عبارت «در این صورت شاکی می تواند دادخواست خود را برای یک بار دیگر تجدید نماید. لیکن پس از وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت، چنانچه شاکی دادخواست خود را مسترد نماید قرار سقوط شکایت صادر و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.» اصلاح می شود.	✓				قرار ابطال دادخواست مانع طرح شکایت مجدد نیست، لذا جهت جلوگیری از شکایات واهی متعدد و استرداد مکرر آن قبل از پاسخ طرف شکایت، استرداد دادخواست محدود به یک بار شده است که تصویب آن پیشنهاد می شود.	
ماده (۲۹)	ماده (۲۹) - یک تبصره به شرح زیر به ماده (۴۶) قانون الحاق می شود: «تبصره- در صورتی که تجدیدنظرخواه دادخواست تجدیدنظرخواهی را مسترد نموده و یا انصراف خود را از تجدیدنظرخواهی اعلام نماید، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر می شود و تجدیدنظرخواهی مجدد قابل طرح نیست.»	✓				هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده اصلاح قواعد مربوط به صرفنظر از دعوا و استرداد شکایت در مرحله تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری و آثار مترتب بر آن است و مقرر می نماید که در صورت استرداد شکایت در مرحله تجدیدنظر و قبل از صدور رأی، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر شده و تجدیدنظرخواهی مجدد قابل طرح نمی باشد. لذا تصویب آن <u>مورد پیشنهاد است.</u>	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظہار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۳۰)	ماده (۳۰) - ماده (۴۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۴۸) - هرگاه رسیدگی به شکایت در صلاحیت سایر مراجع قضایی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع مذکور ارسال می‌کند. این قرار قطعی است و در صورتی که رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضایی بداند مبادرت به صدور قرار رد شکایت نموده و شاکی را به مرجع صالح دلالت می‌کند».	✓				در حال حاضر در موارد عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری، برخی از شعب اقدام به صدور قرار رد نموده و برخی دیگر قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه صالح صادر می‌نمایند که این امر منجر به صدور آرای متشتت و متعارض از دیوان عدالت اداری شده است. از طرف دیگر هرچند در خصوص تعارض صلاحیت مراجع قضایی مطابق ماده (۱۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تعیین تکلیف شده است، اما در مواردی که آرای دیوان مبتنی بر عدم صلاحیت به صلاحیت مراجع غیرقضایی بوده و مرجع غیرقضایی نیز خود را صالح به رسیدگی نداند، خلأ قانونی وجود دارد. مضاف بر آنکه صدور قرار عدم صلاحیت توسط دیوان عدالت اداری به جهت جنبه فرجامی و عالی بودن به صلاحیت مراجع شبهقضایی موجه و	



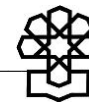
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						منطقی به نظر نمی‌رسد. در همین راستا و همچنین در جهت کاهش اطاله دادرسی، ماده (۴۸) اصلاح گردیده و <u>پیشنهاد می‌گردد که به تصویب نمایندگان محترم برسد.</u>	
ماده (۳۱)	ماده (۳۱) - در بند «الف» ماده (۵۳) قانون بعد از کلمه «اهلیت» عبارت «یا سمت» اضافه می‌شود.	✓				عناوین «ذی‌سمت» و «ذی‌نفع» از نظر حقوقی متفاوتند و آثار مترتب بر هریک از آنها در برخی موارد با هم فرق می‌کند. به‌عنوان مثال در مواردی که وراثت هنوز اقدام به انحصار وراثت ننموده‌اند، درخصوص شکایت مربوط به مطالبه حقوق متوقفی از اداره، وراثت علی‌رغم داشتن نفع، در شکایت دارای سمت نمی‌باشند، لذا الحاق عبارت ذی‌سمت بودن منطقی بوده و <u>تصویب آن نیز فاقد ایراد به نظر می‌رسد.</u>	
ماده (۳۲)	ماده (۳۲) - یک تبصره به شرح زیر به ماده (۵۵) قانون الحاق می‌شود: «تبصره- چنانچه پس از صدور رأی در مرحله بدوی دادخواست ورود ثالث واصل گردد در صورتی که رأی صادره مورد	✓				«هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعب دیوان برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوا ذی‌نفع بداند می‌تواند با تقدیم	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	تجدیدنظرخواهی قرار گیرد، دادخواست مذکور به همراه پرونده اصلی به شعبه تجدیدنظر ارسال و در غیر این صورت قرار ردّ دادخواست صادر می‌شود.					دادخواست وارد دعوا شود». البته بدیهی است که مهلت تقدیم دادخواست ورود ثالث تا زمان «صدور رأی» می‌باشد و پس از آن شعبه نمی‌تواند به موضوع رسیدگی کند. با توجه به سکوت قانون در موارد تقاضای ورود ثالث و ارجاع پرونده به شعبه تجدیدنظر تبصره الحاقی نسبت به تعیین مرجع صالح در این خصوص مقرر نموده در صورتی که رأی صادره مورد تجدیدنظرخواهی قرار بگیرد، دادخواست ورود ثالث نیز به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌گردد و در غیر این صورت شعبه مکلف به صدور قرار ردّ دادخواست خواهد بود. بنابراین تبصره الحاقی مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۳۳)	ماده (۳۳) - ماده (۵۷) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: «ماده (۵۷) - آرای قطعی شعب دیوان که بدون دخالت شخص ثالث ذی‌نفع، صادر				✓	یکی از طرق فوق‌العاده اعتراض به آرای صادره، «اعتراض ثالث» است. درواقع با توجه به اینکه ممکن است رأی شعبه	تبصره ماده (۳۳) طرح به شرح زیر اصلاح می‌گردد: تبصره- در مواردی که اجرای رأی مورد



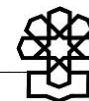
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	شده است، در صورتی که به حقوق شخص ثالث خلل وارد نموده باشد، چنانچه وی در هیچ یک از مراحل دادرسی حضور نداشته باشد، ظرف دوماه از تاریخ اطلاع از رأی، می تواند به رأی صادره اعتراض کند. این اعتراض در شعبه صادرکننده حکم قطعی رسیدگی می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده مبادرت به صدور رأی می کند. در صورتی که رأی مربوط به شعبه تجدیدنظر باشد، قطعی و در صورتی که از شعبه بدوی صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر است. تبصره- در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود، شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند».					دیوان به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد کند و موجب تضییع حقوق وی شود، در این صورت، شخص ثالث که در هیچ کدام از مراحل دادرسی حضور نداشته است می تواند نسبت به رأی صادره ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع اعتراض نماید. مطابق قانون فعلی مشخص نیست که اولاً در صورتی که رأی قطعی از شعبه بدوی صادر شده باشد، آیا پس از رسیدگی توسط شعبه بدوی، اعتراض ثالث قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر می باشد یا خیر؟ ثانیاً در موارد رسیدگی به اعتراض ثالث آیا امکان صدور دستور موقت وجود دارد یا خیر؟ در همین راستا <u>اصلاح صورت گرفته</u> در صدر ماده که در مقام رفع تردید و اختلاف نظر در خصوص امکان رسیدگی شعب تجدیدنظر به اعتراض ثالث رسیدگی شده در شعبه بدوی می باشد مناسب ارزیابی شده و <u>تصویب آن</u> پیشنهاد می گردد.	اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان دستور توقف حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر نماید.

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						درخصوص تبصره الحاقی نیز پیش‌بینی امکان صدور دستور موقت در موارد اعتراض ثالث شایسته به نظر می‌رسد، اما منوط نمودن صدور دستور موقت به موافقت رئیس دیوان، به جهت اینکه این امر سابقاً توسط شورای محترم نگهبان مغایر موازین شرع تشخیص داده شده و می‌تواند شائبه مصلحت‌سنجی را تقویت نماید، محل تأمل به نظر می‌رسد. بنابراین عدم تصویب تبصره و ارجاع آن به کمیسیون جهت بررسی بیشتر پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۳۴)	ماده (۳۴) - در ماده (۶۰) قانون بعد از عبارت «به‌طور خاص» عبارت «و منجز» اضافه و عبارت «عام و کلی» به عبارت «عام، کلی و یا مشروط» اصلاح می‌شود.	✓				با توجه به صدور آرای بعضاً مشروط توسط شعب دیوان عدالت اداری و عدم تصریح در قانون فعلی، هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده تصریح بر ضرورت مُنَجَز و غیر مشروط بودن آرای دیوان عدالت اداری در جهت تسهیل اجرای احکام می‌باشد که تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.	



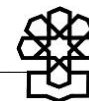
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۳۵)	ماده (۳۵) - بند «پ» ماده (۶۲) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: «بند «پ» - از طریق سامانه های الکترونیک ابلاغ قضایی»	✓				ماده (۶۲) قانون فعلی در مقام بیان طرق ابلاغ آرای صادره از دیوان عدالت اداری است. این درحالی است که ابلاغ توسط «سامانه های الکترونیک ابلاغ قضایی» مورد تصریح واقع نشده است. بنابراین هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده توسعه دادرسی الکترونیکی بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۳۶)	ماده (۳۶) - ماده (۶۳) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده (۶۳) - شعبه رسیدگی کننده دیوان در مقام رسیدگی به آرا و تصمیمات مراجع مذکور در بند «۲» ماده (۱۰) این قانون به شرح زیر اقدام می کند: در مواردی که رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد آن را تأیید و همچنین در مواردی که رأی دارای اشتباه یا نقصی باشد که به اساس رأی لطمه وارد نکند ضمن اصلاح رأی، آن را ابرام می کند. ۲. در مواردی که موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع				✓	چهار حالت در رسیدگی به آرای مراجع اختصاصی اداری متصور است: بند «۱» - در صورتی که رأی مُعْتَرَضٌ عَنْهُ فاقد ایراد باشد، دیوان رأی را تأیید نموده و در صورت وجود ایراد جزئی غیرمؤثر در رأی، آن را اصلاح می نماید. بند «۲» - در مواردی که مراجع مذکور، بدون وجود موجبات رسیدگی، به موضوع رسیدگی کرده یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده باشد، یا مورد رسیدگی شده از موارد تخلف نباشد، دیوان پس از نقض رأی مُعْتَرَضٌ عَنْهُ، مبادرت به انشای رأی می نماید.	تبصره «۱» ماده (۳۶) طرح حذف می گردد.

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مورد رسیدگی منتفی شده یا از مصادی تخلف نباشد، مبادرت به نقض بالارجاع می‌کند. ۳. در مواردی که شعبه دیوان تشخیص دهد که مرجع رسیدگی‌کننده صلاحیت رسیدگی را نداشته است رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیت‌دار، مرجع رسیدگی‌کننده را موظف می‌کند موضوع را به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند. ۴. در مواردی که شعبه دیوان نقص تحقیقات و یا ایراد شکلی یا ماهوی مؤثری در رأی صادره مشاهده کند با ذکر تمام جهات و دلایل قانونی، رأی صادره را نقض و موضوع را جهت رسیدگی مجدد به آن مرجع اعالم می‌کند. مرجع مذکور مکلف است با رعایت مفاد رأی شعبه دیوان حداکثر ظرف دو ماه نسبت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی اقدام کند. در صورت شکایت مجدد شاکی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی در دیوان ارجاع می‌شود. در این صورت، اگر شعبه دیوان رأی صادره را					بند «۳»- در مواردی که مرجع رسیدگی‌کننده صلاحیت رسیدگی نداشته است، دیوان ضمن نقض رأی مُعترضْ عنه، مرجع مربوط را موظف به ارسال پرونده به مرجع صالح می‌نماید. بند «۴»- در صورتی که رأی مُعترضْ عنه دارای ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر در رأی باشد، دیوان با ذکر دلایل و جهات نقض، پرونده را جهت رسیدگی مجدد به همان مرجع صادرکننده رأی ارسال می‌نماید که مرجع مزبور مکلف است با رعایت مفاد رأی دیوان عدالت اداری ظرف مدت دوماه اقدام به صدور رأی نماید. البته در صورت شکایت مجدد از این رأی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی (شعبه تجدیدنظر) ارجاع شده و شعبه در صورتی که رأی را صحیح بداند آن را تأیید و در صورتی که واجد ایراد بداند، ضمن نقض رأی خود،	



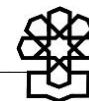
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	صحیح تشخیص دهد آن را تأیید می کند و در صورتی که رأی صادره را بر خالف قوانین و مقررات بداند آن را نقض و رأی مقتضی صادر می کند. چنانچه شعبه دیوان نظر کارشناس را الزم بداند، از نظر کارشناسان رسمی دادگستری یا متخصصان و مشاوران موضوع ماده (۷) این قانون استفاده می کند. چنانچه اجرای این آرای مربوط به بخش غیردولتی بوده یا مستلزم انجام عملیات اجرایی در بخش غیردولتی باشد، از حیث تشریفات اجرای رأی، شرایط صدور اجرائیه، عملیات اجرایی و مرجع اجرای حکم تابع مقررات حاکم بر اجرای آرای هیئت ها و کمیسیون های مذکور می باشد و در سایر موارد تابع مقررات مربوط به نحوه اجرای احکام این قانون است. تبصره «۱» - پس از لازم الاجرا شدن این قانون، رسیدگی به کلیه پرونده های موضوع این ماده در شعب تجدیدنظر دیوان به عمل می آید. تبصره «۲» - عدم رعایت مهلت مقرر در بند «۴» این ماده و یا عدم رعایت مفاد رأی					اقدام به صدور رأی ماهوی می نماید. با توجه به چالش اجرای احکام صادره از دیوان در بخش غیردولتی، قسمت آخر این ماده با حل این معضل، مقرر می نماید در صورتی که اجرای رأی ناظر به بخش غیردولتی بوده یا مستلزم انجام عملیات اجرایی در بخش غیردولتی باشد، اجرای رأی دیوان، تابع مقررات حاکم بر اجرای آرای هیئت ها و کمیسیون های مذکور بوده و در غیر این صورت تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام دیوان عدالت اداری است. <u>بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می گردد.</u> تبصره «۱» - پیشنهاد این تبصره به جهت آن است که تبصره «۲» ماده (۲) این قانون، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای مراجع اختصاصی اداری را مستقیماً در صلاحیت شعب تجدیدنظر قرار داده است. اما صرف نظر از اینکه این امر ممکن	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	دیوان در تصمیم بعدی از سوی مرجع طرف شکایت موضوع این ماده، چنانچه مستند به عذر موجه یا دلایل قانونی نباشد موجب اعمال مجازات مستنکف مطابق ماده (۱۱۲) این قانون نسبت به اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان می‌شود. تخلف مستنکف با ارجاع رئیس دیوان در شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان رسیدگی می‌شود.					است به جهت مغایرت با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر تبعیض ناروا مورد ایراد شورای محترم نگهبان واقع شود، با عنایت به اینکه از اصول ابتدایی دادرسی علانته دو مرحله بودن و امکان تجدید نظر خواهی از آرای قضایی است. همچنین در قانون سال ۱۳۸۵ دیوان عدالت اداری رسیدگی در دیوان عدالت اداری یک‌مرحله‌ای بود که قانونگذار با پذیرش ایراد تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی در دیوان عدالت اداری، در سال ۱۳۹۲ اقدام به دومرحله‌ای کردن رسیدگی در دیوان عدالت اداری نمود و مصوبه حاضر نوعی بازگشت به تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی دیوان عدالت اداری درخصوص تصمیمات مراجع شبه‌قضایی به‌شمار می‌رود. بنابراین حذف این تبصره مورد پیشنهاد است.	



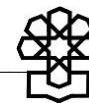
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						تبصره «۲» - با توجه به اینکه طبق بند «۴» این ماده، دیوان عدالت اداری با ذکر تمام دلایل و جهات، اقدام به نقض رأی و ارجاع پرونده به مرجع صادرکننده رأی می‌نماید و به‌عنوان مرجع قضایی و عالی، احکام وی برای مراجع تالی لازم‌الاتباع است و همچنین جهت جلوگیری از شکایت مجدد از آرای مذکور و متعاقباً اطلاع دادرسی، این تبصره مقرر نموده است عدم تصمیم‌گیری مراجع مذکور در مهلت مقرر (دوماه) و عدم رعایت مفاد رأی دیوان موجب اعمال مجازات استنکاف خواهد بود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد این تبصره به تصویب نمایندگان محترم برسد.	
ماده (۳۷)	ماده (۳۷) - در ماده (۶۴) قانون عبارت «و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیئت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشأ رأی نماید. رسیدگی به این موارد مشمول ماده (۶۳)»				✓	اصلاح صورت‌گرفته در این ماده، امکان شکایت از تشخیص مراجع تشخیصی اعم از فنی، گزینشی و تخصصی را از صلاحیت دیوان خارج کرده برخلاف اصول سی‌وچهارم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی گامی به عقب برداشته است.	ماده (۳۷) - عبارت «و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیئت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشأ رأی نماید. رسیدگی به این موارد مشمول ماده (۶۳) این قانون می‌باشد.»

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	این قانون می‌باشد. «اصلاح می‌شود».						به انتهای ماده (۶۴) قانون الحاق می‌گردد.
ماده (۳۸)	ماده (۳۸) - ماده (۶۶) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۶۶) - دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌شود.	✓				با ذکر طرق تجدیدنظر در ماده (۱۸) طرح حذف صدر این ماده برای پرهیز از تکرار بوده و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۳۹)	ماده (۳۹) - ماده (۶۷) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۶۷) - دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه‌های مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: الف) مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه ب) مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخوانده پ) شماره و تاریخ صدور رأی تجدیدنظرخواسته ت) شعبه صادرکننده رأی تجدیدنظرخواسته ث) تاریخ ابلاغ رأی تجدیدنظرخواسته ج) دلایل و جهات تجدیدنظرخواهی تبصره- پس از ارجاع پرونده به شعبه تجدیدنظر، مدیر دفتر در صورت کامل بودن پرونده آن را به نظر قاضی شعبه می‌رساند.	✓				با عنایت به اینکه اولاً لزوم ذکر «مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخوانده» در دادخواست تجدیدنظر مورد غفلت مقنن واقع شده بود و این امر باعث بروز مشکلاتی در امر تجدیدنظرخواهی گردیده بود. ثانیاً لزوم تبادل لوایح در کلیه موارد در مرحله تجدیدنظر، باعث اطاله فرایند رسیدگی و صدور رأی شده بود که ضروری بود در موارد وجود آرای وحدت رویه (ماده ۸۹) و ایجاد رویه (ماده ۹۰) و صدور قرار رد بدون نیاز به تبادل لوایح، شعبه تجدیدنظر بتواند اقدام به صدور رأی	



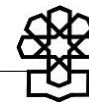
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	رئیس و در غیاب وی، مستشار شعبه در صورت تکمیل بودن دادخواست و ضامم آن دستور تبادل آن را صادر می کند. در مواردی که آرای مورد اعتراض شعب بدوی دیوان از نوع قرار رد باشد و یا مستند به رأی وحدت رویه موضوع ماده (۸۹) این قانون و یا ایجاد رویه موضوع ماده (۹۰) این قانون صادر شده باشد، شعبه تجدیدنظر بدون انجام تبادل، نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می کند.					نماید. بر همین اساس پیشنهاد می گردد این ماده و تبصره آن که در جهت رفع خلأهای مذکور پیش بینی شده است مورد تصویب قرار گیرد.	
ماده (۴۰)	ماده (۴۰) - ماده (۷۲) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود: «ماده (۷۲) - شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظرخواهی را مطابق قانون تشخیص دهد، آن را تأیید می کند، در غیر این صورت چنانچه قرار صادره را منطبق با هیچ یک از موارد صدور قرار رد تشخیص ندهد پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می دهد. تبصره «۱» - شعبه بدوی مکلف به تبعیت از رأی شعبه تجدیدنظر است، لکن در صورتی	✓				در موارد تجدیدنظرخواهی از قرار رد صادره از شعبه بدوی، شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار صادره را از موارد قرار رد تشخیص ندهد، قرار را نقض و پرونده را به شعبه بدوی جهت رسیدگی ماهوی ارجاع می نماید. در این موارد شعبه بدوی مکلف به تبعیت از نظر شعبه تجدیدنظر و صدور حکم می باشد، اما ممکن است در مواردی امری حادث گردد که شعبه بدوی نتواند به صورت ماهوی رسیدگی نماید، شعبه مذکور باید بتواند قرار مقتضی صادر کند.	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	که امر جدیدی حادث شود که امکان رسیدگی ماهوی فراهم نباشد، شعبه مذکور می‌تواند قرار مقتضی را صادر کند. تبصره «۲»- هرگاه شعبه تجدیدنظر، رسیدگی به شکایت را در صلاحیت سایر مراجع قضایی تشخیص دهد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال می‌کند و در صورتی که رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضایی بداند، قرار رد دادخواست صادر می‌کند و شاکی را به مرجع صالح دلالت می‌نماید.					بنابراین هدف از اصلاح صورت گرفته در این ماده و الحاق دو تبصره به آن، اصلاح و تبیین موضوع صدور رأی در مرحله تجدیدنظر پس از صدور قرار رد توسط شعبه بدوی بوده که در راستای کاهش اطاله دادرسی و اختلافات بین شعب بدوی و تجدیدنظر پیشنهاد گردیده است و تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.	
ماده (۴۱)	ماده (۴۱) - در ماده (۷۹) قانون عبارت «شعبه مذکور مکلف است خارج از نوبت به پرونده رسیدگی و رأی مقتضی را صادر کند.» بعد از عبارت «ارجاع می‌نماید.» اضافه و شماره تبصره ماده مذکور به تبصره «۱» اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره «۲» به آن الحاق می‌شود: «تبصره «۲» - رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان می‌توانند در صورت تشخیص خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی، دستور تعویق				✓	صدر ماده: با اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی صادره از شعب، توسط رئیس دیوان یا رئیس قوه قضائیه، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه تجدیدنظر همعرض ارجاع خواهد شد، لذا جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، این ماده شعب را مکلف نموده تا خارج از نوبت به پرونده رسیدگی نمایند که <u>تصویب آن ضروری به نظر می‌رسد.</u> تبصره الحاقی: درخصوص این تبصره به	- تبصره «۲» به شرح زیر اصلاح می‌گردد: تبصره «۲»- در صورت تشخیص خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری، اجرای آن تا صدور رأی نهایی متوقف می‌گردد. - عبارت «و یا خلاف بین شرع یا قانون» از ماده (۱۱۳) قانون حذف می‌گردد.



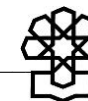
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	اجرای حکم تا صدور رأی مجدد را صادر کنند.					جهت آنکه در این صورت، رأی در حالت مراعی می‌باشد و حداقل ظن مغایر بین قانون یا شرع بودن وجود دارد، اختیار دستور تعویق اجرای حکم تا صدور رأی مجدد به رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان اعطا شده تا در این صورت از تضییع حقوق عامه و بیت‌المال جلوگیری گردد. اما به نظر می‌رسد اعطای اختیار تعویق اجرای رأی به رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت شائبه تبعیض و مصلحت‌سنجی در برخی از آرا را خواهد داشت و لازم است که اجرای این آرا به صورت مطلق تا زمان صدور رأی جدید متوقف گردند. در همین راستا و با عنایت به اضافه شدن این تبصره به ماده (۷۹) و جهت رفع تعارض موجود در متن قانون پیشنهاد می‌گردد ماده (۱۱۳) نیز اصلاح شود.	
ماده (۴۲)	ماده (۴۲) - در ماده (۸۰) و تبصره آن کلمه «درخواست» به کلمه «دادخواست» و عبارت «درخواست‌کننده» به عبارت «دادخواست‌دهنده» اصلاح و شماره تبصره آن ماده به تبصره «۱» اصلاح و دو تبصره	✓				در حال حاضر تقاضای ابطال مصوبات دولتی با تقدیم درخواست به دیوان خواهد بود. اما با توجه به آثار متفاوت «درخواست» از «دادخواست» و تسهیل رسیدگی و ابلاغ رأی، عبارت درخواست به	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	به عنوان تبصره‌های «۲» و «۳» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: «تبصره «۲»- در مواردی که آیین‌نامه و مصوبه مورد شکایت، مرکب از مواد یا بندهای متعدد باشد دادخواست‌دهنده باید هریک از مواد یا اجزائی که ادعای مغایرت آن را با قانون یا موازین شرعی نموده است، مشخص کند و دلایل قانونی و شرعی خود را جهت ابطال به‌طور مستدل بیان کند. در صورت ادعای مغایرت با شرع، ذکر کلی مغایرت با قواعد فقهی از قبیل قاعده لاضرر، اصل تسلیط، حرمت مال مسلم یا فتاوی مراجع تقلید بدون ذکر استدلال، کافی نیست و لازم است استدلال فقهی و حقوقی مربوط را به‌طور صریح بیان کند. تبصره «۳» - هرگاه جهت درخواست ابطال مصوبه، مغایرت با موازین شرع باشد، پس از تبادل لایحه، رئیس دیوان نظر فقهای شورای نگهبان را با رعایت ماده (۸۷) این قانون استعلام می‌کند».					دادخواست تغییر یافته است که مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد. تبصره‌های «۲» و «۳» الحاقی نیز در راستای شفافیت در دادخواست‌های تقدیمی و مستند بودن آنها و همچنین دقت در طرح شکایت جهت سرعت در رسیدگی و جلوگیری از طرح شکایت با دلایل واهی انجام شده است که <u>پیشنهاد می‌گردد این دو تبصره به تصویب نمایندگان محترم برسد.</u>	



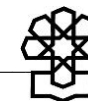
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۴۳)	ماده (۴۳) - در بندهای «۱» و «۳» ماده (۸۱) قانون، کلمه «درخواست» به کلمه «دادخواست» اصلاح می‌شود.	✓				با توجه به اصلاح ماده (۸۰) و همچنین تفاوت آثار «درخواست» و «دادخواست» اصلاح صورت گرفته در موارد مذکور و ابهام موجود در قانون فعلی، عبارت «درخواست» به «دادخواست» تغییر یافته که مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۴۴)	ماده (۴۴) - در ماده (۸۲) قانون، کلمه «درخواست» به کلمه «دادخواست» اصلاح می‌شود.	✓				با توجه به اصلاح ماده (۸۰) و همچنین تفاوت آثار «درخواست» و «دادخواست» اصلاح صورت گرفته در موارد مذکور و ابهام موجود در قانون فعلی، عبارت «درخواست» به «دادخواست» تغییر یافته که مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۴۵)	ماده (۴۵) - در صدر ماده (۸۳) قانون، کلمه «درخواست» به کلمه «دادخواست» اصلاح می‌شود.	✓				با توجه به اصلاح ماده (۸۰) و همچنین تفاوت آثار «درخواست» و «دادخواست» اصلاح صورت گرفته در موارد مذکور و ابهام موجود در قانون فعلی، عبارت «درخواست» به «دادخواست» تغییر یافته که مناسب ارزیابی و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۴۶)	ماده (۴۶) - ماده (۸۴) قانون و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۸۴) - اتخاذ تصمیم در هیئت‌های تخصصی به شرح زیر و با نظر اکثریت اعضای حاضر انجام می‌شود: الف) رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) این قانون: ۱. در صورتی که موضوع شکایت را غیرقابل طرح یا خارج از صلاحیت‌های مقرر در ماده (۱۲) این قانون تشخیص دهد، قرار مقتضی صادر می‌نماید. ۲. چنانچه مصوبه را به علت مغایرت آن با جهات مذکور در ماده (۱۲) این قانون قابل ابطال تشخیص دهد حکم به ابطال مصوبه و در غیر این صورت حکم به رد شکایت صادر می‌کند. تبصره- آرای صادره از سوی هیئت‌های تخصصی ظرف یک‌ماه از تاریخ صدور توسط رئیس دیوان یا توسط ده نفر از اعضای هیئت عمومی قابل اعتراض در هیئت عمومی است.	✓				بند «الف»: در حال حاضر هیئت‌های تخصصی به عنوان رکن مشورتی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شمار رفته و در اغلب موارد، رسیدگی در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منوط به رسیدگی قبلی در هیئت‌های تخصصی می‌باشد، با توجه به کثرت دعاوی مطروحه و طولانی شدن رسیدگی و ابطال مصوبات مورد شکایت، بند «الف» این ماده درخصوص ابطال مصوبات آرای هیئت‌های تخصصی را قطعی مقرر نموده و تبصره آن تصریح داشته آرای مذکور ظرف یک‌ماه از تاریخ صدور قابل اعتراض در هیئت عمومی باشند که اقدامی شایسته به نظر می‌رسد و بنابر این تصویب بند «الف» و تبصره ذیل آن پیشنهاد می‌گردد. بند «ب»: درخصوص آرای «وحدت رویه» و «ایجاد رویه» با توجه به آثار مترتب بر این آرا، از جمله عدم لزوم تبادل لوایح در این موارد و شأن قانونی بودن آنها، بند «ب» مقرر داشته در این موارد هیئت عمومی به	



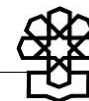
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	ب) رسیدگی به درخواست ایجاد رویه و وحدت رویه موضوع بندهای «۲» و «۳» ماده (۱۲) این قانون: در این موارد هیئت تخصصی موظف است پس از رسیدگی به موضوع، حسب مورد درخصوص وجود تشابه یا تعارض بین آرای صادره و همچنین رأی صحیح اعلام نظر کرده و پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی ارسال کند. پ) رسیدگی به دادخواست اعمال ماده (۹۱) این قانون نسبت به آرای قبلی هیئت تخصصی و یا هیئت عمومی: در این موارد هیئت تخصصی پس از رسیدگی به موضوع، نظریه خود را جهت اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی ارسال می کند. تبصره- رئیس دیوان می تواند علاوه بر موارد فوق در ارتباط با موضوعات تخصصی مربوط نسبت به اخذ نظریه مشورتی از هیئت های تخصصی اقدام نماید.					عنوان مرجع نهایی صدور رأی تعیین گردیده و نظر هیئت های تخصصی در این زمینه مشورتی خواهد بود که پس از اعلام نظر، آن را به هیئت عمومی ارسال می نمایند. بنابراین تصویب این بند نیز مورد پیشنهاد است. بند «پ»: طبق این بند و تبصره آن، در مواردی که رئیس دیوان یا بیست نفر از اعضای هیئت عمومی، آرای صادره از هیئت عمومی یا هیئت های تخصصی را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهند، این امر ابتدا در هیئت های تخصصی بررسی شده و هیئت های تخصصی مربوطه نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی ارسال خواهند نمود. البته رئیس دیوان عدالت نیز می تواند در موضوعات تخصصی نسبت به اخذ نظریه مشورتی از هیئت های تخصصی اقدام نماید. بنابراین پیشنهاد می گردد بند «پ» نیز به تصویب نمایندگان محترم برسد.	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۴۷)	ماده (۴۷) - ماده (۸۵) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود: «ماده (۸۵) - در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد دادخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه مورد شکایت و یا در مواردی که موضوع مورد شکایت مشمول عنوان آیین‌نامه‌ها، نظامات و مقررات موضوع ماده (۱۲) این قانون نباشد از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات، تصمیمات موردی و یا شکایت از قانون، رئیس دیوان قرار ردّ دادخواست صادر می‌کند. این قرار قطعی است. تبصره «۱» - پس از صدور نظریه شورای نگهبان مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع، تقاضای استرداد دادخواست قابل پذیرش نیست و به موضوع رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود. تبصره «۲» - در صورت تقاضای استرداد دادخواست، چنانچه رئیس دیوان مصوبه را	✓				این ماده در صدد ضابطه‌مند کردن موارد تقاضای ابطال مصوبات و همچنین اعطای صلاحیت صدور قرار ردّ دادخواست درخصوص تصمیمات موردی بوده و در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی پیش‌بینی شده که <u>تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.</u> تبصره‌های «۱» و «۲» نیز جهت جلوگیری از سوءاستفاده از این ماده در موارد استرداد دادخواست پیشنهاد شده و <u>تصویب آن مناسب به نظر می‌رسد.</u>	



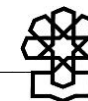
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	خلاف شرع یا قانون تشخیص دهد، رسیدگی به موضوع با درخواست رئیس دیوان ادامه می‌یابد».						
ماده (۴۸)	ماده (۴۸) - ماده (۸۷) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود: «ماده (۸۷) - در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع به ترتیب زیر جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود: ۱. در صورتی که مصوبه صرفاً از حیث شرعی مورد شکایت قرار گرفته باشد موضوع پس از تبادل لوائح به همراه کلیه اسناد و مدارک پرونده از جمله پاسخ طرف شکایت به شورای نگهبان ارسال می‌شود و نظری که مطاب ترتیبات مقرر ازسوی فقهای شورای نگهبان صادر می‌شود، مالک عمل دیوان قرار می‌گیرد. در این موارد چنانچه مصوبه ازسوی فقهای شورای نگهبان مغایر شرع اعلام گردد، حسب مورد، هیئت عمومی یا هیئت تخصصی مربوط، مطاب نظر فقهای شورای	✓				رسیدگی فقهای شورای نگهبان به شکایت از مصوبات در شیوه فعلی به جهت تتبعات فقهی در مواردی منجر به اطلاع دادرسی می‌گردد، از طرف دیگر ممکن است مصوبات هم از حیث مغایرت با قانون و هم از حیث مغایرت با شرع مورد شکایت واقع شده و دیوان آن را مغایر قانون بداند، اما تا زمان دریافت نظر شورای محترم نگهبان نمی‌تواند اقدام به صدور رأی نماید که این امر نیز منجر به اطلاع دادرسی خواهد شد. در همین زمینه به جهت تنوع موضوعات و مصوبات معترض عنه لازم است که قبل از بررسی موضوع در شورای نگهبان، ابعاد موضوع در کارگروه‌های تخصصی شورا مورد بررسی قرار گیرد تا تصمیم متقنی نسبت به آن اتخاذ شود، بنابراین این ماده و تبصره‌های آن با تفصیل کیفیت ارسال	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند. ۲. در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرع و سایر جهات، برای رسیدگی مطرح باشد، ابتدا موضوع از لحاظ مغایرت مصوبه با جهاتی غیر از مغایرت با موازین شرع، در دیوان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دیوان نسبت به آن اتخاذ تصمیم می‌کند. در صورتی که دیوان مصوبه و مفادی که مورد شکایت شرعی قرار گرفته است را به طور کلی ابطال کند و اثر آن را به زمان تصویب تسری دهد، موضوع پرونده بدون استعلام از شورای نگهبان مختومه می‌شود و در سایر موارد بعد از اظهارنظر دیوان، موضوع به همراه رأی دیوان و اسناد و مدارک پرونده به شورای نگهبان ارسال می‌شود و نظری که مطابق ترتیبات مقرر از سوی فقهای شورای نگهبان صادر می‌شود، مالک عمل دیوان قرار می‌گیرد. در این موارد چنانچه مصوبه از سوی فقهای شورای نگهبان مغایر شرع اعلام شود، حسب مورد، هیئت عمومی یا هیئت تخصصی مربوط،					مصوبات و مقررات مورد شکایت به شورای نگهبان در راستای جلوگیری از اطلاع دادرسی و همچنین تقویت اتقان آرای صادره به مصوب شده است، <u>مناسب ارزیابی و تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.</u>	



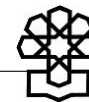
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند. تبصره «۱»- فقهای شورای نگهبان می‌توانند برای انجام وظایف خود از حیث بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مقررات با شرع، گروه یا گروه‌های تخصصی تشکیل دهند. تبصره «۲»- چنانچه فقهای شورای نگهبان رأساً مغایرت شرعی مصوبه‌ای را به رئیس دیوان اعلام نمایند، حسب مورد، هیئت عمومی یا هیئت تخصصی مربوط مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.						
ماده (۴۹)	ماده (۴۹) - ماده (۸۹) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۸۹) - هرگاه به تشخیص رئیس دیوان، در موضوعات مشابه به علت استنباط متفاوت از قوانین و مقررات، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، وی می‌تواند دستور بررسی آن را جهت صدور رأی وحدت رویه صادر نماید. هیئت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض، با				✓	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، صلاحیت صدور رأی وحدت رویه را برای هیئت عمومی به رسمیت شناخته است که هیئت عمومی مکلف به اعلام رأی صحیح از بین آرای متعارض می‌باشد. اما در برخی موارد علی‌رغم تعارض آرای موجود، هیچ‌کدام از آنها صحیح نبوده و هیئت عمومی نیز امکان انشای رأی صحیح را ندارد. ازسوی دیگر	ماده (۴۹) - ماده (۸۹) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده (۸۹) - هرگاه به تشخیص رئیس دیوان در موضوعات مشابه به علت استنباط متفاوت از قوانین و مقررات، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، وی مکلف است دستور بررسی آن را جهت صدور رأی وحدت رویه صادر نماید. هیئت عمومی پس از

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی وحدت رویه اقدام می‌کند. در صورتی که هیئت عمومی آرای موضوع تعارض را غیر صحیح تشخیص دهد، نظر صحیح را با صدور رأی وحدت رویه اعلام می‌کند. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری و همچنین برای هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند «۱» ماده (۱۲) این قانون در ارتباط با آن موضوع لازم‌الاتباع است. اثر آرای وحدت رویه نسبت به آینده است لکن در مورد احکامی که در رأی هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده است، شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً به پرونده رسیدگی نکرده است، ارجاع می‌شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی، مطابق رأی وحدت رویه است. آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان، فقط به					در برخی موارد پس از صدور آرای وحدت رویه ازسوی هیئت عمومی، دستگاه‌ها و مأموران دولتی اقدام به وضع مصوبه برخلاف آرای مذکور می‌نمودند که صرفنظر از مغایرت مقررات مزبور با قانون، رسیدگی و ابطال آنها به طول انجامیده و منجر به تضییع حقوق عمومی می‌گردید که لازم بود تا مقرر شود که این آرا صرفاً با تصویب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر قابل نسخ هستند. بنابراین این ماده به جهت حل این دو چالش مناسب ارزیابی می‌شود. اما با توجه به اینکه طرح آرای متعارض در هیئت عمومی را از صلاحیت اختیاری رئیس دیوان عدالت اداری، تلقی گردد و این امر می‌تواند منجر به مصلحت‌سنجی در عمل شده و از طرح آرای متعارض در دیوان استنکاف نمایند پیشنهاد می‌گردد با ارجاع به کمیسیون این ماده به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.	بررسی و احراز تعارض، با اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی وحدت رویه اقدام می‌نماید. در صورتی که هیئت عمومی آرای موضوع تعارض را غیر صحیح تشخیص دهد، نظر صحیح را با صدور رأی وحدت رویه اعلام می‌کند. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری و همچنین برای هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند «۱» ماده (۱۲) این قانون در ارتباط با آن موضوع لازم‌الاتباع است. اثر آرای وحدت رویه نسبت به آینده است لکن در مورد احکامی که در رأی هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده است، شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً به پرونده رسیدگی نکرده است، ارجاع می‌شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی مطابق



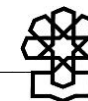
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بلااثر می‌شود.						رأی وحدت رویه است. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بلااثر می‌شود.
ماده (۵۰)	ماده (۵۰) - در ماده (۹۰) قانون بعد از عبارت «تصویب می‌نماید» عبارت «و چنانچه رأی مشابه مذکور را غیر صحیح تشخیص دهد، رأی صحیح را جهت ایجاد رویه صادر و اعلام می‌کند.» اضافه و تبصره ماده مذکور حذف می‌شود.	✓				در موارد صدور رأی ایجاد رویه، هیئت عمومی تنها می‌تواند از بین آرای مشابه در صورتی که آنها را صحیح تشخیص دهد، آن را تصویب نماید. اما در برخی موارد علی‌رغم تشابه رأی موجود، هیچ‌کدام از آنها کامل و صحیح نبوده و هیئت عمومی نیز امکان تغییر محتوا و انشای رأی صحیح را ندارد. بر همین اساس، این ماده مقرر می‌نماید که در صورت اعلام تشابه آراء، هیئت عمومی در صورت عدم صحت رأی مشابه، رأساً اقدام به انشای رأی صحیح نموده و از این جهت از طرح شکایات لاحق پیشگیری خواهد شد. ازسوی دیگر با عنایت به اینکه طبق ماده (۳۹) این طرح، در مرحله تجدیدنظر در صورت وجود رأی ایجاد رویه، تبادل لوایح صورت	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						نخواهد گرفت، تبصره ماده حذف شده که شایسته به نظر می‌رسد. بنابراین تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.	
ماده (۵۱)	ماده (۵۱) - ماده (۹۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۹۱) - چنانچه رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا بیست نفر از اعضای هیئت عمومی، هریک از آرای هیئت عمومی یا آرای قطعی هیئت‌های تخصصی را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان موضوع را جهت رسیدگی مجدد به هیئت عمومی ارجاع می‌دهد. در صورتی که هیئت عمومی رأی صادره را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهد، نسبت به نقض آن و صدور رأی صحیح اقدام می‌کند».	✓				در ماده (۸۴) قانون فعلی دیوان، اعتراض به آرای هیئت‌های تخصصی مقید به زمان بوده و با گذشت زمان مزبور قابل نقض و اصلاح نیست، از این جهت می‌تواند منجر به نقض حقوق عمومی شود، لذا ماده حاضر متعاقب اصلاح ماده (۸۴) قانون فعلی به موجب ماده (۴۶) طرح، در جهت حذف مرور زمان اعتراض به آرای هیئت‌های تخصصی، رسیدگی مجدد به آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی را منوط به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری یا بیست نفر از اعضای هیئت عمومی دانسته است که منطقی و در راستای جلوگیری از نقض حقوق شهروندان به نظر می‌رسد. لذا تصویب این ماده پیشنهاد می‌گردد.	



شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۵۲)	ماده (۵۲) - ماده (۹۲) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: ماده (۹۲) - چنانچه مصوبه ای در هیئت های تخصصی یا هیئت عمومی ابطال شود، حسب مورد پس از ابلاغ رأی به طرف شکایت یا انتشار در روزنامه رسمی، رعایت مفاد آن برای مرجع طرف شکایت و سایر مراجع و مقامات مسئول دستگاه های موضوع ماده (۱۲) این قانون الزامی است. هرگاه مراجع و مقامات مذکور مصوبه جدیدی تحت هر عنوانی مغایر با مفاد رأی مذکور تصویب کنند، به درخواست رئیس دیوان موضوع به صورت خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده (۸۳) این قانون و فقط با دعوت از نماینده مرجع صدور مصوبه جدید، در هیئت صادرکننده رأی قبلی، رسیدگی و از تاریخ تصویب ابطال می شود. در صورتی که مصوبه جدید ابطال شود و مشخص گردد وضع آن به جهت تبعیت از مفاد آرای قبلی صادره از سوی هیئت تخصصی یا هیئت عمومی دیوان بوده است، مقامات و اعضای که برخلاف رأی دیوان	✓				طبق ماده (۹۲) قانون فعلی، در صورت ابطال مصوبه توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی الزامی است و در صورت تصویب مصوبه، خارج از نوبت، هیئت عمومی به مصوبه رسیدگی و آن را ابطال خواهد نمود. اما با توجه به اینکه اولاً طبق ماده (۴۶) این طرح، هیئت های تخصصی نیز واجد صلاحیت ابطال می باشند. ثانیاً در قانون فعلی هیچ گونه ضمانت اجرا در صورت تصویب مصوبه مغایر تعیین نشده است و وضع ضمانت اجرا در این خصوص ضروری به نظر می رسد. ثالثاً لازم است برای جلوگیری از سوءاستفاده مراجع مربوطه، ابطال مصوبه مغایر از زمان تصویب باشد، این ماده پیشنهاد شده و بر این اساس شایسته است اصلاح پیشنهادی ماده (۹۲) در راستای تقویت ضمانت اجرای آرای صادره در دیوان و صیانت از حقوق عامه،	

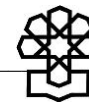
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مبادرت به وضع چنین مقرره‌ای نموده‌اند، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص بوده و به‌عنوان مستنکف شناخته شده و مشمول ماده (۱۱۲) این قانون می‌شوند.					به تصویب نمایندگان محترم برسد.	
ماده (۵۳)	ماده (۵۳) - ماده (۹۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۹۳)-۳- آرای هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی در ابطال و عدم ابطال مصوبات موضوع بند «۱» ماده (۱۲) این قانون، در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری، معتبر و ملاک عمل است».				✓	طبق این ماده آرای هیئت عمومی در ابطال و عدم ابطال مصوبات و همچنین آرای هیئت‌های تخصصی در عدم ابطال مصوبات در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری معتبر و ملاک عمل است. اما مسئله‌ای که در این رابطه وجود دارد آن است که الزام مراجع قضایی به تبعیت از آرای عدم ابطال مصوبات در هیئت عمومی صائب نیست زیرا اولاً مراجع قضایی مطلق بوده و دادگاه‌های دادگستری را نیز شامل می‌شود، لذا الزام دادگاه‌های دادگستری به تبعیت از آرای هیئت عمومی و هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری مغایر اطلاق اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به نظر می‌رسد. ثانیاً مراجع قضایی اعم از هیئت عمومی و هیئت تخصصی دیوان نیز بوده و از این حیث	عبارت «عدم ابطال» از ماده (۵۳) طرح حذف می‌گردد.



شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						محدود نمودن هیئت عمومی به آرای سابق خویش با وجود اختیار اعمال ماده (۹۱) نیز مغایر منطق حقوقی است. ثالثاً ممکن است جهت رسیدگی در هیئت عمومی با جهت رسیدگی در مراجع قضایی متفاوت باشد و این امر منجر به اطاله دادرسی گردد که مغایر بند «۱۱» سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۱ مقام معظم رهبری ^۱ به نظر می‌رسد. بنابراین عدم تصویب این ماده و ارجاع آن به کمیسیون جهت بررسی دقیق‌تر مورد پیشنهاد است.	
ماده (۵۴)	ماده (۵۴) - ماده (۹۵) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۹۵) - پس از صدور رأی وحدت رویه یا ایجاد رویه، چنانچه رئیس دیوان تشخیص دهد دستگاه اجرایی ذی‌ربط از اجرای مفاد آن خودداری نموده و این امر منجر به طرح شکایات جدید در دیوان شده است، ابتدا به مقام مسئول در دستگاه اجرایی اخطار می‌نماید ظرف مهلت مقرر نسبت به اجرای	✓				اصلاح این ماده از این جهت است که اولاً مفاد آن به ماده (۵۸) طرح موضوع اصلاح ماده (۱۰۹) انتقال یافته است. ثانیاً پیشنهاد صورت گرفته نیز در راستای تعیین ضمانت اجرای آرای وحدت رویه و ایجاد رویه صادره از هیئت عمومی می‌باشد تا از این جهت از طرح شکایات جدید و مشابه پس از صدور آرای مذکور جلوگیری	

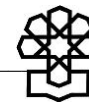
۱. بند «۱۱» - اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرایند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود و بهره‌مندی از حقوق شهروندی در مراجع قضایی.

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	رأی صادره اقدام و تدابیر لازم را به عمل آورد. در صورت عدم اقدام، مقام اداری متخلف، مستنکف محسوب و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۲) این قانون می‌شود.					شود. بنابراین اصلاح صورت گرفته مناسب ارزیابی و تصویب این ماده نیز مورد پیشنهاد است.	
ماده (۵۵)	ماده (۵۵) - ماده (۹۷) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره «۲» عمومی پس از تنظیم، توسط رئیس دیوان امضا می‌شود. تبصره «۱» - صدور رأی اصلاحی و رفع ابهام از آرا و تصمیمات هیئت عمومی دیوان برعهده هیئت عمومی و نسبت به آرا و تصمیمات هیئت‌های تخصصی برعهده همان خود آنها می‌باشد. تبصره «۲» - کلیه آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر می‌شود.				✓	صدر ماده: درحال حاضر آرای هیئت عمومی توسط رئیس دیوان یا یکی از اعضای هیئت عمومی به انتخاب رئیس دیوان، انشا می‌گردد. بنابراین با توجه به اینکه طبق ماده (۵) این طرح، رئیس دیوان می‌تواند وظایف خود را به معاونان تفویض نماید، اصلاح صورت گرفته در ماده در همین راستا و برای پرهیز از حشو بوده و لذا تصویب آن پیشنهاد می‌گردد. تبصره «۱»: طبق قانون فعلی، اصلاح و ابلاغ آرای هیئت عمومی طبق مقررات آیین دادرسی مدنی است، بر این اساس کمیسیون محترم با تفصیل موضوع، طبق این تبصره اصلاح و رفع ابهام از آرای هیئت عمومی را در صلاحیت هیئت	تبصره «۲» ماده (۵۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: تبصره «۲» - کلیه آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی حداکثر ۱۵ روز پس از صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر می‌شود.



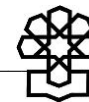
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						عمومی و اصلاح و رفع ابهام از آرای هیئت‌های تخصصی را در صلاحیت همان هیئت تخصصی مقرر نموده است که تصویب آن مورد پیشنهاد است. البته این تبصره دارای ایراد نگارشی بوده و لازم است که عبارت «همان خود آنها» به عبارت «همان هیئت‌ها» تغییر یابد. تبصره ۲: مطابق این تبصره مقرر شده است که کلیه آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر گردد، این امر هرچند اقدامی مثبت به نظر می‌رسد اما با توجه به عدم تعیین مهلت جهت انتشار می‌تواند منجر به سوء استفاده در اجرا گردد. بنابراین عدم تصویب این تبصره و ارجاع آن به کمیسیون، جهت بررسی بیشتر مورد پیشنهاد است.	
ماده (۵۶) ماده (۵۶) - ماده (۱۰۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۱۰۳) - شعبه رسیدگی کننده به موارد موضوع مواد (۷۴)، (۷۵)، (۷۹) یا	✓					در حال حاضر طبق ماده (۱۰۳) صرفاً در موارد اعاده دادرسی، شعبه رسیدگی کننده می‌تواند دستور موقت توقف اجرای حکم را صادر نماید. بدیهی است که این امر پس از	واژه «۷۹» از این ماده حذف می‌گردد.

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	(۹۸) این قانون می‌تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد رسیدگی را صادر کند».					صدور قرار قبولی اعاده دادرسی بوده و منوط به عدم اجرای رأی و احراز ضرورت و فوریت امر است. اما در موارد اعلام اشتباه رأی موضوع مواد (۷۴) و (۷۵) و اعلام مغایرت خلاف بین شرع و قانون بودن رأی موضوع ماده (۷۹) نیز ممکن است ضرورت و فوریت امر، اقتضای توقف اجرای حکم را نماید که طبق این ماده این امر به شعبه صادرکننده رأی تفویض شده است. ولی با عنایت به اینکه طبق ماده (۴۱) این طرح، طبق پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها و جهت جلوگیری از سوءاستفاده اجرایی کلیه آرای که مغایر شرع یا قانون اعلام شده‌اند، تا زمان صدور رأی جدید متوقف خواهد شد. <u>تصویب این ماده با اصلاحات مورد پیشنهاد است.</u>	
ماده (۵۷)	ماده (۵۷) - ماده (۱۰۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۱۰۸) - شعبه دیوان پس از صدور رأی مکلف است آن را به طرفین ابلاغ کند. محکوم‌علیه موظف است ظرف یک ماه از	✓				با عنایت به اینکه اولاً طبق ماده (۱۰۷) قانون فعلی کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) مکلفند آرای دیوان را به فوریت پس از ابلاغ به اجرا گذارند و از این	



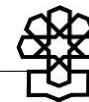
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	تاریخ ابلاغ حکم قطعی، نسبت به اجرای کامل رأی یا جلب رضایت محکوم‌له اقدام و نتیجه را به‌طور کتبی به شعبه صادرکننده حکم قطعی اعلام کند. در صورت عدم اجرای رأی یا عدم جلب رضایت محکوم‌له در مهلت مقرر، با درخواست محکوم‌له پرونده به واحد اجرای احکام ارسال می‌شود.					امر، تقید اجرای رأی به ارسال آن نزد اجرای احکام مستفاد نمی‌گردد و ثانیاً منوط نمودن اجرای آرا به ارسال آن نزد اجرای احکام و پیگیری آن توسط اجرای احکام، موجب ارسال همه پرونده‌های واجد «حکم به ورود شکایت» به اجرای احکام و متعاقباً انباشت آنها شده است، درحالی که نتیجه بسیاری از آرا صرفاً اعلامی بوده و جنبه اجرایی ندارد و اقدامی توسط دستگاه اجرایی متصور نیست. لذا تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.	
ماده (۵۸)	ماده (۵۸) - ماده (۱۰۹) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود: «ماده (۱۰۹) - در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان اجرای آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان مستلزم عملیات اجرایی باشد، پرونده جهت اجرای رأی به واحد اجرای احکام ارسال می‌شود. دستگاه‌های اجرایی مکلفند ظرف پانزده روز پس از انتشار رأی در روزنامه رسمی یا مهلتی که حسب مورد و متناسب با موضوع	✓				با عنایت به اینکه برخی از آرای هیئت عمومی مانند آرای ابطالی مستلزم عملیات اجرایی نیست. مضاف بر آنکه طبق ماده (۹۵) قانون فعلی اعلام قابلیت اجرایی داشتن آرای هیئت عمومی برعهده دفتر هیئت عمومی گذاشته شده بود که طبق ماده (۵۴) این طرح، حذف گردید. لذا به جهت ضرورت مشخص شدن مرجع	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	توسط رئیس دیوان تعیین می‌شود که حداکثر سه ماه خواهد بود، مفاد رأی را اجرا یا به واحدهای تابعه جهت اجرا ابلاغ و نتیجه را به واحد اجرای احکام اعلام نمایند. در صورت عدم اجرای آرای مذکور، با اعلام واحد اجرای احکام و ارجاع موضوع توسط رئیس دیوان، مستنکف مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۲) این قانون می‌شود.					تشخیص لزوم عملیات اجرایی و همچنین رفع چالش اجرای احکام مطابق این ماده اولاً مرجع تشخیص لزوم یا عدم لزوم عملیات اجرایی برای اجرای آرای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی رئیس دیوان مقرر گردیده است. ثانیاً ضمانت اجرای عدم اجرای آرای مذکور مشخص گردیده است. لذا تصویب این ماده مناسب و مورد پیشنهاد است.	
ماده (۵۹)	ماده (۵۹) - در صدر ماده (۱۱۰) قانون عبارت «در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، واحد اجرای احکام دیوان، مراتب را به رئیس دیوان گزارش می‌کند.» به عبارت «واحد اجرای احکام دیوان موظف است اقدامات لازم را جهت اجرای احکام دیوان به عمل آورد و در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، مراتب را به رئیس دیوان گزارش دهد.» اصلاح و عبارت «رعایت این امر در رسیدگی به سایر				✓	هرچند هدف از اصلاح این ماده، لزوم ارجاع موارد رسیدگی به استنکاف در شعب تجدیدنظر بوده است، اما با عنایت به اینکه کماکان طبق آن، در صورت استنکاف، رئیس دیوان مکلف است پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع نماید و شعبه صادرکننده رأی قطعی اعم از شعب بدوی و تجدیدنظر می‌باشد لذا اصلاح صورت گرفته با مواد (۱۵) و (۱۱۲) این قانون متعارض خواهد بود. بنابراین عدم تصویب این ماده و ارجاع آن به کمیسیون جهت	ماده (۱۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده (۱۱۰) - واحد اجرای احکام دیوان موظف است اقدامات لازم را جهت اجرای احکام دیوان به عمل آورد و در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم علیه از اجرای حکم قطعی، مراتب را به رئیس دیوان گزارش نماید.



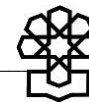
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	موارد استنکاف، ازجمله موضوع مواد (۳۰)، (۳۹) و (۴۴) این قانون الزامی است.» به انتهای تبصره «۳» ماده مذکور اضافه می‌شود.					بررسی دقیق‌تر مورد پیشنهاد است. اما درخصوص تبصره، هدف از اصلاح صورت گرفته، تعیین صلاحیت «شعب تجدیدنظر» در رسیدگی به استنکاف مسئولان مربوطه در موارد «عدم ارسال پاسخ در موعد مقرر»، «عدم اجرای دستور موقت» و «عدم ارسال اسناد مورد مطالبه» می‌باشد که با عنایت به اینکه انفصال و محرومیت از حقوق اجتماعی از شدیدترین مجازات‌های اداری است، ضروری است در صلاحیت شعب تجدیدنظر قرار گیرد. لذا تصویب این تبصره مورد پیشنهاد است.	
ماده (۶۰)	ماده (۶۰) - در صدر ماده (۱۱۱) قانون واژه «دادرس» به «قاضی» اصلاح و یک بند به عنوان بند «۵» و یک تبصره به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: «۵- اعلام مراتب ازسوی واحد اجرای احکام پس از انقضای مهلت یک‌ساله به سازمان برنامه و بودجه کشور که در این صورت سازمان مذکور موظف است ظرف سه ماه، محکوم‌به را بدون رعایت محدودیت‌های جابه‌جایی از ردیف بودجه سنواتی دستگاه	✓				- تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده است و از این جهت تصویب آن مورد پیشنهاد است. - درخصوص بند «۵» الحاقی نیز لازم به ذکر است که الحاق این بند درواقع در استای تضمین و صیانت از حقوق شهروندی بوده و مقرر می‌نماید در صورت انقضای مهلت یک‌ساله و عدم اجرای رأی	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	مربوط کسر و مستقیماً به حساب محکوم‌له پرداخت کند. تبصره- در صورتی که قاضی اجرای احکام تشخیص دهد رأی صادره از طرف محکوم علیه اجرا شده است و اقدام دیگری ندارد، قرار خاتمه اجرای حکم را صادر می‌کند و پرونده بایگانی می‌شود. قرار صادره به محکوم‌له ابلاغ می‌شود و چنانچه وی به هر دلیل مدعی عدم اجرای کامل یا بخشی از رأی صادره از سوی محکوم‌علیه باشد، حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ قرار مذکور مهلت اعتراض نسبت به آن را دارد. در این صورت پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارسال و برابر تصمیم شعبه مذکور اقدام می‌شود.					توسط دستگاه محکوم‌علیه، سازمان برنامه و بودجه مکلف است ظرف ۳ ماه محکوم‌به را از حساب محکوم‌علیه کسر و به حساب محکوم‌له واریز نماید. شایان ذکر است مفاد این بند عیناً مفاد بند «ج» ماده (۲۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ می‌باشد و تکرار این بند در این قانون جهت جلوگیری از تغییر و اصلاح آن بوده است. بنابراین تصویب این بند پیشنهاد می‌گردد. - تبصره الحاقی به ماده (۱۱۱) در راستای جلوگیری از بی‌ثباتی در اجرای احکام و حذف تشریفات آن و تسریع در اجرای احکام صادره و همچنین صیانت از حقوق شهروندی و تحقق اجرای کامل رأی توسط دستگاه محکوم علیه می‌باشد و بر این اساس در این ماده پیش‌بینی شده است که با تشخیص قاضی اجرای احکام، قرار خاتمه اجرای حکم صادر می‌شود و محکوم‌له در صورت عدم اجرای کامل دادنامه می‌تواند	



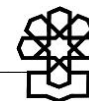
شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						پس از یک ماه از صدور قرار صادره به دیوان اعتراض نماید. <u>بنابراین تصویب این ماده مناسب و مورد پیشنهاد است.</u>	
ماده (۶۱)	ماده (۶۱) - ماده (۱۱۲) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده (۱۱۲) - در صورتی که محکوم علیه از اجرای آرای دیوان استنکاف نماید، پرونده با ارجاع رئیس دیوان در شعبه تجدیدنظر رسیدگی و مستنکف به انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال و یا به محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال محکوم می شود. این رأی ظرف بیست روز پس از ابلاغ بدون رعایت تشریفات تنظیم دادخواست، قابل تجدیدنظرخواهی در شعبه همعرض است. رسیدگی به استنکاف و تجدیدنظرخواهی از احکام مربوط در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت صورت می گیرد. حکم قطعی صادره جهت اجرا به مقام مافوق مستنکف و عندالاقضاء به مراجع نظارتی مربوط ابلاغ می شود. در صورتی که عضو مستنکف دارای پایه قضایی باشد مراتب به دادرای انتظامی قضات اعلام می شود.	✓				طبق ماده (۱۴) این مصوبه، به جهت حساسیت استنکاف و حکم به انفصال، اختیار انفصال مستنکف از شعب بدوی صادرکننده رأی قطعی سلب گردیده است و لذا اعطای آن به شعبه تجدیدنظر فاقد ایراد به نظر می رسد. مضاف بر آنکه الحاق عبارت «اعلام به مراجع نظارتی مربوط» به جهت آنکه در پاره ای از موارد، امکان اعمال مجازات انفصال یا محرومیت از حقوق اجتماعی وجود ندارد منطقی به نظر می رسد و از این حیث نیز <u>تصویب آن پیشنهاد می گردد.</u>	

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظہار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
ماده (۶۲)	ماده (۶۲) - ماده (۱۱۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۱۱۶) - در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم‌علیه خارج و یا موکول به تمهید مقدماتی ازسوی مرجع دیگری غیر از محکوم‌علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ واحد اجرای احکام، مرجع یاد شده می‌تواند به رأی صادره اعتراض کند و شعبه صادرکننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و تصمیم لازم را اتخاذ نماید. این رأی قطعی و لازم‌الاجراست. مرجع مذکور در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر، مکلف به اجرای حکم بوده و در صورت استنکاف، طبق ماده (۱۱۲) این قانون اقدام می‌شود».	✓				یکی از مواردی که موجب توقف اجرای حکم می‌گردد «اعتراض ثالث اجرایی» نسبت به رأی صادره است. در این مورد که اجرای حکم از اختیار محکوم‌علیه خارج است و مرجع مذکور در جریان دادرسی وارد نشده است ظرف مدت یک‌ماه می‌تواند به رأی صادره اعتراض نماید و دیوان مکلف به رسیدگی است. اما نکته‌ای که در عمل به وجود آمده بود، عدم اعتراض به رأی توسط مرجع ثالث از یک‌سو و عدم اجرای رأی توسط وی ازسوی دیگر بود. بر این اساس و در راستای تقویت ضمانت اجرای آرای صادره، طبق اصلاح صورت گرفته در این ماده، مقرر شده است که مرجع ثالث در صورت عدم اعتراض در مهلت یک‌ماهه مکلف به اجرای رأی بوده و در صورت عدم اجرا و استنکاف مشمول ماده (۱۱۲) این قانون خواهد بود. لذا	



شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						اصلاح مذکور در راستای تضمین حقوق شهروندی مناسب ارزیابی و <u>تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.</u>	
ماده (۶۳)	ماده (۶۳) - در ماده (۱۱۷) قانون کلمه «دادرس» به «قاضی» اصلاح می‌شود.	✓				تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده است و از این جهت <u>تصویب آن مورد پیشنهاد است.</u>	
ماده (۶۴)	ماده (۶۴) - ماده (۱۱۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۱۱۸) - رئیس دیوان جهت کاهش شکایات و پیشگیری از وقوع تخلفات، اقدامات زیر را انجام می‌دهد: ۱. در مواردی که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان، ایرادات و نواقصی در قوانین و مقررات مشاهده شود که منشأ طرح شکایت در دیوان شده است، پیشنهادهای اصلاحی خود را حسب مورد، به رئیس‌جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا دیگر مراجع ذی‌ربط واضع مقررات اعلام می‌نماید.				✓	طبق این ماده، مفاد ماده (۱۱۸) حذف گردیده است که این امر منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا ماده مزبور در مقام پیش‌بینی ضمانت اجرای تخلف از دستورات واحد اجرای احکام بوده و در مواردی ممکن واحد اجرای احکام نیاز به ارسال اسناد، ارسال میزان مطالبات و ... داشته باشد که در این صورت دستگاه‌های مزبور باید مکلف به تبعیت از تصمیمات واحد اجرای احکام باشند. بنابراین <u>عدم تصویب این ماده و ارجاع آن به کمیسیون جهت بررسی بیشتر مورد پیشنهاد است.</u> همچنین پیشنهاد می‌گردد مفاد ماده پیشنهادی به عنوان ماده (۱۲۰) به این	ماده (۱۱۸) قانون بدون تغییر باقی مانده و ماده (۱۲۰) قانون به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده (۱۲۰) - رئیس دیوان عدالت اداری جهت کاهش شکایات و پیشگیری از وقوع تخلفات، اقدام زیر را انجام می‌دهد: ۱. در مواردی که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان، ایرادات و نواقصی در قوانین و مقررات مشاهده شود که منشأ طرح شکایت در دیوان شده است، پیشنهادهای اصلاحی خود را حسب مورد، به رئیس‌جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا دیگر مراجع ذی‌ربط واضع مقررات ارائه

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	۲. اقدامات و تدابیر پیشگیرانه مناسب را در چارچوب قوانین و مقررات، جهت کاهش موجبات طرح شکایت در دیوان با همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوط به عمل می آورد.					قانون اضافه گردد.	می‌نماید. ۲. اقدامات و تدابیر پیشگیرانه مناسب را جهت کاهش موجبات طرح شکایت در دیوان با همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوط در چارچوب قانون به عمل می‌آورد.
ماده (۶۵)	ماده (۶۵) - در ماده (۱۱۹) قانون کلمه «دادرس» به «قاضی» اصلاح می‌شود.	✓				تغییر واژه «دادرس» به «قاضی» در راستای یکسان‌سازی استفاده از واژه «قاضی» در این قانون استفاده شده و از این جهت تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
ماده (۶۶)	ماده (۶۶) - ماده (۱۲۰) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده (۱۲۰) - به منظور حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن در حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری، رئیس دیوان یکی از معاونان قضایی خود را برای انجام وظایف زیر تعیین می‌کند: ۱. طرح شکایت از اقدامات و تصمیماتی که به جهات مذکور در ماده (۱۰) این قانون موجب تضییع حقوق عامه می‌شود، نزد شعب دیوان و حسب مورد تجدیدنظرخواهی				✓	طبق این ماده، مفاد ماده (۱۲۰) قانون فعلی حذف گردیده است که به جهت انتقای موضوع و انحلال شعب تشخیص امری منطقی به نظر می‌رسد. اما طبق موارد الحاقی، رئیس دیوان عدالت اداری جهت حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن مکلف به تعیین یکی از معاونان قضایی خویش به عنوان معاون امور حقوق عامه شده است که واجد صلاحیت طرح شکایت در شعب دیوان و درخواست ابطال مصوبات مغایر با قانون در هیئت عمومی	ماده (۷) مکرر - به منظور حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن در حدود صلاحیت دیوان، دادستان دیوان عدالت اداری از بین قضات دارای حداقل پانزده سال سابقه قضایی با پیشنهاد رئیس دیوان و با حکم رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شود و وظایف و اختیارات زیر را با استفاده از امکانات موجود برعهده خواهد داشت: ۱. طرح شکایت از اقدامات و تصمیماتی که موجب تضییع حقوق عامه می‌شود نزد



شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
	نسبت به آرای مذکور. تبصره- در موارد موضوع این بند، پرداخت هزینه دادرسی و رعایت تشریفات مواعد قانونی طرح شکایت لازم نیست. ۲. شناسایی آیین نامه ها، مقررات و سایر نظامات ناظر بر حقوق عامه که مغایر جهات مذکور در ماده (۱۲) این قانون است و درخواست ابطال آنها تبصره- دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۱۲) این قانون مکلفند یک نسخه از مصوبات، آیین نامه ها، دستورالعمل ها و بخشنامه های خود را بلافاصله پس از وضع یا صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان قرار دهند. خودداری از اجرای این تکلیف ازسوی دستگاه های مذکور تخلف اداری محسوب می شود.					شده است. در حقیقت دیوان عدالت اداری از یک سو به عنوان تضمین کننده حقوق شهروندان در مقابل قدرت عمومی، بر تصمیمات و اقدامات نهادها و دستگاه های استفاده کننده از قدرت عمومی نظارت می کند و ازسوی دیگر طرح شکایت در دیوان عدالت اداری منوط به شرط «ذی نفع بودن» در موضوع شده است؛ شرطی که براساس تفسیری مضیق و مبتنی بر مبانی حقوق خصوصی از ذی نفع بودن در دیوان عدالت اداری موجب شده است، تا نتوان نسبت به بسیاری از موضوعات متضمن نفع عمومی به جهت عدم وجود ذی نفع به معنی خاص، در دیوان عدالت اداری طرح دعوا کرد، بنابراین پیش بینی امکان شکایت از تصمیمات فاقد ذی نفع خاص و مضر به مصالح و منافع عمومی ضروری است، اما تفویض آن به رئیس دیوان عدالت اداری و مشخص نمودن یکی از معاونان وی جهت این امر منطقی به نظر نمی رسد، زیرا با توجه به یکی شدن مرجع شکایت و رسیدگی به موضوع برخلاف اصول دادرسی عادلانه است. لازم به ذکر است که چنین تصمیمی در ایجاد دادگاه های	شعب دیوان و حسب مورد تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای مذکور. تبصره: رعایت تشریفات تنظیم دادخواست از حیث ثبت بر روی برگه های مخصوص، پرداخت هزینه دادرسی و مواعد قانونی طرح شکایت برای دادستان لازم نیست. ۲. ارائه پیشنهادات اصلاحی به مراجع مربوطه و انجام آموزش های مناسب در جهت جلوگیری از بروز موجبات طرح دعوی در دیوان عدالت اداری ۳. شناسایی آرای مشابه یا متعارض شعب دیوان و پیشنهاد ایجاد رویه یا وحدت رویه به رئیس دیوان ۴. شناسایی آیین نامه ها، مقررات و سایر نظامات موضوع صلاحیت دیوان و درخواست ابطال آنها از هیئت عمومی. دادستان دیوان می تواند از ظرفیت سازمان های مردم نهاد موضوع تبصره «۲» ماده (۱۷) برای جمع آوری ادله و اسناد مرتبط استفاده نماید. تبصره- دستگاه های اجرایی موضوع ماده

شماره ماده	مصوبه کمیسیون	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						عمومی نیز اتخاذ شد که بعد از ده سال با نظام تفکیک دادستان از مرجع رسیدگی منجر شد. بنابراین با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری و سیاست‌های قوه قضائیه و در راستای برنامه تحول قوه قضائیه و احیای حقوق عامه، پیشنهاد می‌گردد با ایجاد نهاد دادستان دیوان عدالت اداری، صلاحیت‌های مذکور در اختیار دادستان دیوان عدالت اداری قرار گیرد. شایان ذکر است که سابقاً در مجلس دهم این امر در کمیسیون محترم حقوقی و قضایی به تصویب رسیده است که پس از تشکیل مجلس جدید مجدداً در دستور قرار گرفته و از این قانون حذف شده است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد این ماده حذف گردد و در راستای صیانت از حقوق عامه، ماده (۷) مکرر) به این طرح الحاق شود.	(۱۲) این قانون مکلفند یک نسخه از مصوبات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های خود را بلافاصله پس از وضع یا صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان قرار دهند. خودداری از انجام این تکلیف از سوی دستگاه‌های مذکور تخلف اداری محسوب می‌شود.



شماره مسلسل: ۱۷۸۶۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)

تهیه و تدوین کنندگان: حسین محمدی احمدآبادی، ابوالفضل درویشوند

همکار: حمید فعلی

ناظر علمی: علی عبدالاحد

ویراستار تخصصی: ———

ویراستار ادبی: ———

واژه‌های کلیدی:

۱. دیوان عدالت اداری

۲. نظارت قضایی

۳. مقررات دولتی

۴. دادرسی اداری



تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۲۳